

Note about this document: The purpose of this translation is to help readers easily access the main ideas from the original letter to our shareholders, which was written in Spanish.

I am not familiar with the language used in the translation, thus this effort had to be done through artificial intelligence, so I cannot guarantee that it reflects all the nuances I wish to convey or that all details are expressed accurately. For parts where clarity is lacking, I recommend referring to the English version.

The complete report in both Spanish and English can be found here:

<https://bina.mx/inicio/reportes-anuales-y-trimestrales/2024-anual/>

Other translations of this letter can be viewed at the following link:

<https://bina.mx/inicio/carta-a-los-socios-duenos/>

یادداشت درباره این سند: هدف از این ترجمه، کمک به خوانندگان برای دسترسی آسان به ایده‌های اصلی نامه اصلی به سهامداران است که به زبان اسپانیایی نوشته شده است.

من با زبانی که در این ترجمه استفاده شده است آشنایی ندارم، بنابراین این کار با استفاده از هوش مصنوعی انجام شده است. به همین دلیل نمی‌توانم تضمین کنم که تمامی ظرافت‌ها و مفاهیمی که می‌خواهم منتقل کنم، به طور کامل بیان شده باشند یا تمام جزئیات دقیقاً منتقل شده باشند. برای قسمت‌هایی که وضوح کافی ندارند، توصیه می‌کنم به نسخه انگلیسی مراجعه کنید.

گزارش کامل به هر دو زبان اسپانیایی و انگلیسی در اینجا قابل دسترسی است:

<https://bina.mx/inicio/reportes-anuales-y-trimestrales/2024-anual/>

ترجمه‌های دیگر این نامه را می‌توانید در لینک زیر مشاهده کنید:

<https://bina.mx/inicio/carta-a-los-socios-duenos/>

I have included a table of contents below to help get a grasp of what I am trying to express:	برای درک بهتر آنچه می‌خواهم بیان کنم، یک فهرست مطالب در ادامه آورده شده است:
Letter to the Shareholders of Bina Ormasel, SAPI de CV	نامه به سهامداران بینا اورماسل، شرکت سهامی خاص
The year at Bina	سال بینا
Progress of Bina's intrinsic value per share	پیشرفت ارزش ذاتی هر سهم بینا
Our Investments	سرمایه‌گذاری‌های ما
Fundamental change in Bina	تغییر بنیادین در بینا
Our annual meeting	جلسه سالانه ما
Collection of underlying ideas	مجموعه‌ای از ایده‌های پایه‌ای
Bina's principle	اصول بینا
Compound gain in understanding	رشد ترکیبی درک
Bina and China	بینا و چین
Bina and Mexico	بینا و مکزیک
Increasing our understanding	افزایش درک ما
The unavoidable transformation of reality	دگرگونی اجتناب‌ناپذیر واقعیت
An algorithm to redeem lost time as a risk management strategy	یک الگوریتم برای جبران زمان از دست رفته به‌عنوان استراتژی مدیریت ریسک
Geopolitical risk and Comunicación de Guillermo	ریسک ژئوپلیتیکی و ارتباطات گیلرمو
A sensible approach to the unavoidable future	رویکرد منطقی به آینده‌ای اجتناب‌ناپذیر
Bina as mission	بینا به‌عنوان مأموریت

<p style="text-align: center;">Letter to the Shareholders of Bina Ormasel, SAPI de CV</p> <p>To the shareholders of Bina Ormasel SAPI de CV:</p> <p>The year at Bina</p> <p>First, let's go to the numbers.</p> <p>Our “income statement” shows that in 2023, we had a comprehensive net profit of \$49,191 pesos. In 2024, this amount was 3.4 times larger, reaching \$167,807 pesos.</p> <p>In the market, this figure is widely used for decision-making, especially among speculators. If we were more prominent, some analysts might speculate along these lines: “If Bina can achieve this growth from 2023 to 2024, what growth could we expect in 2025?”</p> <p>Comprehensive income has two components. The first is the net income, which reflects business’s operational results. In 2023, Bina reported a net profit of \$17,466 pesos, while in 2024, we had a net loss of \$2,654. Adding both years, we have an accumulated profit of \$14,813 pesos.</p> <p>The second component is the capital gains from our shares. In 2023, this gain was \$31,724 pesos, and in 2024, it increased to \$170,460 pesos, totaling \$202,184 pesos over the two years.</p> <p>These two types of gains are important, but they have different interpretations. So, if you’re considering any business, my recommendation is to focus your attention on pre-tax earnings, as these reflect the operational decisions that truly drive the business activity.</p> <p>In our case, the operating profit in 2023 came from the activity I mentioned in last year’s report, which I will explain in more detail later. The 2024 loss resulted from bank fees charged simply to keep the account open.</p> <p>On the other hand, capital gains are different. They are calculated based on valuation rules that determine asset values.</p>	<p style="text-align: center;">خاص سهامی شرکت، اورماسل بینا سهامداران به نامه</p> <p style="text-align: right;">اورماسل بینا شرکت سهامداران به</p> <p style="text-align: right;">سالی در بینا</p> <p style="text-align: right;">ابتدا به سراغ اعداد می‌رویم</p> <p>صورت حساب سود و زیان ما نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۳، ما سود خالص جامع به مبلغ ۴۹,۱۹۱ پزو داشتیم، در سال ۲۰۲۴، این مبلغ ۳.۴ برابر بیشتر شد و به ۱۶۷,۸۰۷ پزو رسید.</p> <p>در بازار، این ارقام به طور گسترده‌ای برای تصمیم‌گیری به ویژه در میان سفته‌بازان استفاده می‌شوند. اگر شرکت ما بزرگتر بود، برخی تحلیلگران ممکن بود چنین گمانه‌زنی کنند: «اگر بینا توانسته چنین رشدی از ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ داشته باشد، چه رشدی می‌توانیم برای سال ۲۰۲۵ انتظار داشته باشیم؟»</p> <p>سود جامع دو بخش دارد. بخش اول، سود خالص است که نتایج عملیاتی کسب‌وکار را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۲۳ بینا سود خالص ۱۷,۴۶۶ پزو را گزارش کرد، در حالی که در سال ۲۰۲۴، با زیان خالص ۲,۶۵۴ پزو مواجه شد. با جمع این دو سال، سود انباشته‌ای به مبلغ ۱۴,۸۱۳ پزو به دست آمده است.</p> <p>بخش دوم، سود سرمایه‌ای از سهام ما است. در سال ۲۰۲۳ این سود به مبلغ ۳۱,۷۲۴ پزو بود و در سال ۲۰۲۴ به پزو افزایش یافت و در مجموع طی دو سال به ۱۷۰,۴۶۰ پزو رسید، ۲۰۲,۱۸۴ پزو.</p> <p>این دو نوع سود هر دو اهمیت دارند، اما تفسیرهای متفاوتی دارند. بنابراین، اگر قصد دارید هر کسب‌وکاری را بررسی کنید، توصیه من این است که توجه خود را به سود پیش از مالیات معطوف کنید، زیرا این سود منعکس‌کننده تصمیمات عملیاتی است که واقعاً فعالیت‌های کسب‌وکار را هدایت می‌کنند.</p> <p>در مورد ما، سود عملیاتی در سال ۲۰۲۳ از فعالیت‌های حاصل شد که در گزارش سال گذشته به آن اشاره کردم و در ادامه به تفصیل توضیح خواهم داد. زیان سال ۲۰۲۴ نتیجه کارمزدهای بانکی بود که تنها برای باز نگه داشتن حساب دریافت شد.</p> <p>از سوی دیگر، سود سرمایه‌ای متفاوت است. این سود بر اساس قوانین ارزش‌گذاری که مقادیر دارایی‌ها را تعیین می‌کنند، محاسبه می‌شود.</p>
--	--

<p>For example, in Bina's reports, we use the purchase price of shares at a specific time to estimate their "market value" under the principle of: "What would happen if we liquidated the company today?" This gives a sense of capital gain, but it doesn't necessarily mean it's the true or "intrinsic" value.</p> <p>I invite you to think of these recorded capital gains as a matter of perception. Using an analogy, it's like if someone you care about doesn't like you. Their perception may have nothing to do with you personally but rather with that person's view of the world.</p> <p>In this analogy, if someone doesn't value you, it can motivate you to strengthen your character. But even if you grow and develop new strengths, it doesn't mean others are obligated to recognize it or change their established views about you.</p> <p>I invite you to think of accounting records of capital gains as a matter of perception. Using an analogy, it's like if someone you care about doesn't like you. That perception may have nothing to do with you personally but rather with that person's view of the world.</p> <p>In this analogy, if someone doesn't value you, it can motivate you to strengthen your character. But even if you grow and develop new strengths, it doesn't mean that you should require others to recognize it or change their fixed opinions about you.</p> <p>What's interesting here is that these differences between market perception and reality create all sorts of opportunities for those trained to spot them.</p> <p>However, this can also lead to misunderstandings, which may cause decision-making errors, not only in business but in life in general. So, when evaluating "capital gains," I recommend doing so with caution.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>	<p>برای مثال، در گزارش‌های بینا، ما از قیمت خرید سهام در یک زمان مشخص استفاده می‌کنیم تا ارزش "بازار" آن‌ها را تحت اصل «اگر امروز شرکت را منحل کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟» تخمین بزنیم. این روش حس سود سرمایه‌ای را به "ما می‌دهد، اما لزوماً به معنای ارزش واقعی یا "ذاتی" نیست.</p> <p>من از شما دعوت می‌کنم که به این سودهای سرمایه‌ای ثبت‌شده به‌عنوان یک مسئله ادراک نگاه کنید. برای توضیح بهتر، می‌توان این موضوع را با مثالی بیان کرد: تصور کنید فردی که برایتان مهم است، شما را دوست ندارد. این دیدگاه ممکن است هیچ ارتباطی به شما به‌عنوان شخص نداشته باشد، بلکه بیشتر به نگاه آن فرد به جهان برمی‌گردد.</p> <p>در این مثال، اگر کسی شما را ارزشمند نمی‌بیند، این موضوع می‌تواند انگیزه‌های باشد برای تقویت شخصیت شما اما حتی اگر رشد کنید و نقاط قوت جدیدی در خود پرورش دهید، این به معنای آن نیست که دیگران موظف هستند این تغییرات را بپذیرند یا دیدگاه‌های قبلی خود را تغییر دهند.</p> <p>من از شما دعوت می‌کنم که به سوابق حسابداری سودهای سرمایه‌ای به‌عنوان یک مسئله ادراک نگاه کنید. این شبیه به مثالی است که در آن اگر کسی که برایتان اهمیت دارد، شما را دوست نداشته باشد، این برداشت بیشتر به نگاه او به جهان مربوط است تا به خود شما.</p> <p>در این مثال، اگر کسی شما را ارزشمند نبیند، این می‌تواند به شما انگیزه بدهد که شخصیت خود را تقویت کنید. اما حتی اگر رشد کنید و توانایی‌های جدیدی پیدا کنید، این به این معنا نیست که باید از دیگران بخواهید که آن را بشناسند یا دیدگاه‌های ثابت خود را درباره شما تغییر دهند.</p> <p>آنچه که در اینجا جالب است این است که این تفاوت‌ها بین درک بازار و واقعیت فرصت‌های زیادی برای کسانی که برای شناسایی آن‌ها آموزش دیده‌اند، ایجاد می‌کند.</p> <p>با این حال، این می‌تواند به سوء تفاهم‌هایی منجر شود که ممکن است اشتباهات در تصمیم‌گیری ایجاد کند، نه تنها در کسب‌وکار، بلکه در زندگی به‌طور کلی. بنابراین، زمانی که سود سرمایه "را ارزیابی می‌کنید، پیشنهاد می‌کنم این کار را با احتیاط انجام دهید.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>
---	--

Progress of Bina's intrinsic value per share

More numbers.

We don't need to reinvent the wheel. Our main purpose is similar to that of Warren Buffett's Berkshire Hathaway, and it's the original reason for our existence.

Bina is a Mexican company aiming for something simple: to achieve an average performance that's better than U.S. businesses over the long term.

In the 43 months we've been operating, when we compare ourselves year by year with the U.S. market, we seem to be "tied" at 2 wins each. However, in net terms, we're a little behind.

Although we have outperformed the U.S. in the last two years, we haven't yet caught up to cover the lag from our first two years. In simple terms: When we resumed operations in March 2021, we issued one share at \$100 pesos. Today, that same share could be redeemed at Bina for \$125 pesos.

If you had invested in an index fund that follows the S&P 500 in the U.S. and another that follows the IPC market index in Mexico, with no fees, no taxes, and no transaction or management costs, your equivalent \$100 pesos would now be worth \$143 pesos in the U.S. fund and \$111 pesos in the Mexican fund.

Since we reported a net loss, there won't be a vote on dividend distribution. Personally, I would always vote against it because our model shows we can generate at least \$1 of book value for every \$1 of retained dividends over five-year periods.

In the details of this letter, I present solid evidence to help you see that we've exceeded this goal in terms of intrinsic value, even though this is not yet reflected in Bina's book value per share.

پیشرفت ارزش ذاتی هر سهم در بینا

اعداد بیشتر.

ما نیازی به اختراع دوباره چرخ نداریم. هدف اصلی ما مشابه با هدف شرکت برکشایر هاتاوی وارن بافت است و این دلیل اصلی وجود ماست.

بینا یک شرکت مکزیکی است که به هدفی ساده می‌پردازد: دستیابی به عملکردی میانگین که در طولانی‌مدت بهتر از کسب‌وکارهای ایالات متحده باشد.

در ۴۳ ماهی که ما در حال فعالیت هستیم، وقتی خود را سال به سال با بازار ایالات متحده مقایسه می‌کنیم، به نظر می‌رسد که ما "مساوی" بوده‌ایم و هر کدام ۲ برد داریم. اما از نظر خالص، کمی عقب‌تر هستیم.

اگرچه در دو سال گذشته عملکرد بهتری از ایالات متحده داشته‌ایم، هنوز نتوانسته‌ایم عقب‌افتادگی دو سال اول خود را جبران کنیم. به زبان ساده: وقتی در مارس ۲۰۲۱ فعالیت خود را از سر گرفتیم، یک سهم را به قیمت ۱۰۰ پزو صادر کردیم. امروز، همان سهم را می‌توان در بینا به قیمت ۱۲۵ پزو باز خرید کرد.

S&P 500 اگر شما در یک صندوق شاخص که بازار ایالات متحده را دنبال می‌کند و دیگری که شاخص بازار مکزیکی را دنبال می‌کند سرمایه‌گذاری کرده بودید IPC بدون هیچگونه هزینه‌ای، مالیات، هزینه تراکنش یا هزینه مدیریت، معادل ۱۰۰ پزو شما اکنون در صندوق ایالات متحده به ارزش ۱۴۳ پزو و در صندوق مکزیکی به ارزش ۱۱۱ پزو خواهد بود.

از آنجایی که ما زیان خالص گزارش کرده‌ایم، هیچ رأی‌گیری برای توزیع سود سهام نخواهیم داشت. به طور شخصی، همیشه در مقابل آن رأی خواهم داد زیرا مدل ما نشان می‌دهد که می‌توانیم حداقل ۱ دلار از ارزش دفتری برای هر ۱ دلار سود سهام نگهداری شده در دوره‌های پنج‌ساله تولید کنیم.

در جزئیات این نامه، شواهد محکمی ارائه می‌کنم تا به شما کمک کنم ببینید که ما این هدف را از نظر ارزش ذاتی فراتر، از آنچه که در ارزش دفتری هر سهم بینا مشاهده می‌شود، تحقق داده‌ایم.

Our Investments	سرمایه‌گذاری‌های ما
At the end of the calendar year 2024, our capital was invested in companies we don't control. Below is a list of our main holdings as of the date of this report.	در پایان سال تقویمی ۲۰۲۴، سرمایه ما در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری شده است که کنترل آن‌ها را نداریم. در زیر فهرستی از اصلی‌ترین دارایی‌های ما تا تاریخ این گزارش آمده

Shares	Company	2024-10-01	
		Cost*	Market
		(in thousand pesos)	
227	Alibaba Group Holding Limited	\$455.5	\$518.0
9	Bank OZK	4.2	4.2
	Others	35.7	14.2
	Total investments in shares at market value	\$495.4	\$536.4

* This is the purchase price.

سهام	شرکت	2024-10-01	
		*هزینه	بازار
		(به هزار پزو مکزیکی)	
227	Alibaba Group Holding Limited	\$455.5	\$518.0
9	Bank OZK	4.2	4.2
	دیگران	35.7	14.2
	کل سرمایه‌گذاری در سهام به ارزش بازار	\$495.4	\$536.4

* این قیمت خرید است.

Fundamental change in Bina	تغییرات اساسی در بینا
From now on, Bina will undergo a major change at a fundamental level. This decision comes from how I see reality.	از این پس، بینا تغییرات عمده‌ای در سطح بنیادی خواهد داشت. این تصمیم از نحوه دیدگاهم به واقعیت نشأت می‌گیرد.
I believe the world we know will soon only be a memory, and that our reality will quickly change into something new over the coming years.	من معتقدم دنیایی که می‌شناسیم به زودی تنها یک یادآوری خواهد بود و واقعیت ما در سال‌های آینده به سرعت به چیزی جدید تبدیل خواهد شد.
The decision is this: we will keep our current position as long as our resources stay the same.	تصمیم این است: ما موقعیت فعلی خود را تا زمانی که منابعمان ثابت بماند حفظ خواهیم کرد.
If we receive new resources and partners, this will bring a major shift in how the intrinsic value of each Bina share is designed.	اگر منابع و شرکای جدیدی دریافت کنیم، این تغییر عمده‌ای در نحوه طراحی ارزش ذاتی هر سهم بینا خواهد داشت.
The new resources will have a clear purpose: to build a collection of rights to the highest quality businesses we can acquire from each industry.	منابع جدید هدف مشخصی خواهند داشت: ساخت مجموعه‌ای از حقوق برای دستیابی به بهترین و باکیفیت‌ترین کسب‌وکارهایی که می‌توانیم از هر صنعت به‌دست آوریم.

<p>The business portions that we are selecting to buy will be carefully chosen based on global standards, but they will also be limited by our resource capacity.</p> <p>Our goal is to preserve the value of these companies, ensuring their continuity into the future.</p> <p>This approach differs from that of Berkshire Hathaway, as well as funds that mirror the S&P 500 index, which focus on buying shares of the 500 largest and most well-known U.S. companies.</p> <p>The principles set in the Owner's Manual will remain active in Bina.</p> <p>This includes our goal to outperform the average performance of U.S. businesses. The manual can be found here: https://bina.mx/inicio/manual-del-socio-dueno-de-bina/</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>	<p>بخش‌های تجاری که ما برای خرید انتخاب می‌کنیم، با دقت بر اساس استانداردهای جهانی انتخاب خواهند شد، اما همچنین محدود به ظرفیت منابع ما خواهند بود.</p> <p>هدف ما حفظ ارزش این شرکت‌ها است و اطمینان حاصل کردن از تداوم آن‌ها در آینده.</p> <p>این رویکرد با رویکرد شرکت برکشایر هاتاوی و همچنین، را دنبال می‌کنند S&P 500 صندوق‌هایی که شاخص تفاوت دارد، زیرا آن‌ها بر خرید سهام ۵۰۰ شرکت بزرگ و شناخته‌شده ایالات متحده تمرکز دارند.</p> <p>اصول مندرج در "دستورالعمل مالک" همچنان در بینا فعال خواهند بود.</p> <p>این شامل هدف ما برای بهتر عمل کردن از عملکرد میانگین کسب‌وکارهای ایالات متحده است. دستورالعمل را می‌توان در اینجا پیدا کرد: https://bina.mx/inicio/manual-del-socio-dueno-de-bina/</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>
<p>Our annual meeting</p> <p>Two years ago, our last annual meeting was held online, with only my sister present.</p> <p>This time, the meeting will be in person in the city of Durango on February 8, 2025.</p> <p>To decide on the format and venue, I'd like to know if any of you are interested in attending in person. Regardless, I'll try to arrange an online broadcast for those who can't attend.</p> <p>I'm preparing a general presentation that will serve as a guide for the meeting.</p> <p>If any questions come to mind while reading the annual report, please share them with me. Your questions might be the same as others have but don't feel comfortable asking.</p> <p>By sending your questions in advance, you allow me to prepare detailed responses and ensure I address any concerns as effectively as possible.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>	<p style="text-align: center;">جلسه سالانه ما</p> <p>دو سال پیش، آخرین جلسه سالانه ما به صورت آنلاین برگزار شد و تنها خواهرم حضور داشت.</p> <p>این بار، جلسه به صورت حضوری در شهر دورانگو در تاریخ ۸ فوریه ۲۰۲۵ برگزار خواهد شد.</p> <p>برای تصمیم‌گیری در مورد فرمت و محل برگزاری می‌خواهم بدانم آیا کسی از شما علاقه‌مند به حضور حضوری است یا نه. در هر صورت، سعی خواهم کرد برای کسانی که نمی‌توانند حضور داشته باشند، پخش آنلاین ترتیب دهم.</p> <p>من در حال آماده‌سازی یک ارائه عمومی هستم که به عنوان راهنما برای جلسه خواهد بود.</p> <p>اگر سؤالاتی هنگام خواندن گزارش سالانه به ذهنتان رسید، لطفاً آن‌ها را با من به اشتراک بگذارید. ممکن است سؤالات شما همانند سؤالات دیگران باشد که احساس راحتی نمی‌کنند بپرسند.</p> <p>با ارسال سؤالات خود از قبل، به من این امکان را می‌دهید که پاسخ‌های دقیقی آماده کنم و مطمئن شوم که نگرانی‌های شما را به بهترین نحو ممکن پاسخ دهم.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>

<p>So far, I believe I've covered the essentials of Bina's progress from the time we restarted operations up to today.</p> <p>However, this annual letter is different and much longer than previous ones because I'll be discussing personal topics, like my views on the supernatural, which may surprise or even shock some readers.</p> <p>Although my main intention is for this letter to be read by Bina's current shareholders, I understand that others might be curious about its content.</p> <p>I'm not writing this with the goal of attracting anyone outside of our current partners, but among the possible reactions, there may be people who feel interested in joining Bina.</p> <p>As I write this letter, I think of close friends who have believed in me, like Paco, César, Omali, Antonio, David, and my sister Jacqueline. Knowing them, I realize that some may feel puzzled, others may be bored, and some of you may even decide to move away from this initiative.</p> <p>Whatever your decision, please know how much I value your trust in Bina and your friendship. My purpose in sharing these details isn't to overwhelm you, but to anticipate your questions and give the sincerest answers I can.</p>	<p>تا به حال، باور دارم که مباحث اصلی پیشرفت بینا از زمانی که فعالیت‌های خود را از سر گرفتیم تا امروز را پوشش داده‌ام.</p> <p>با این حال، این نامه سالانه متفاوت است و خیلی طولانی‌تر، از نامه‌های قبلی است، زیرا در اینجا موضوعات شخصی مانند دیدگاه‌های من درباره مافوق‌طبیعه، را بررسی می‌کنم که ممکن است برخی از خوانندگان را شگفت‌زده یا حتی شوکه کند.</p> <p>اگرچه هدف اصلی من این است که این نامه توسط سهامداران فعلی بینا خوانده شود، اما می‌دانم که ممکن است دیگران هم به محتوای آن علاقه‌مند باشند.</p> <p>من این را نمی‌نویسم تا کسی خارج از شرکای فعلی ما جذب شود، اما در بین واکنش‌های ممکن، ممکن است افرادی باشند که احساس کنند علاقه‌مند به پیوستن به بینا هستند.</p> <p>در حین نوشتن این نامه، به دوستان نزدیکم فکر می‌کنم که به من باور داشته‌اند، مانند پاکو، سزار، اومالی، آنتونیو دیوید و خواهرم ژاکلین. با شناخت آن‌ها، متوجه می‌شوم که برخی ممکن است گیج شوند، برخی ممکن است حوصله‌شان سر برود، و برخی از شما ممکن است حتی تصمیم بگیرید از این ابتکار دور شوید.</p> <p>هر تصمیمی که بگیرید، لطفاً بدانید که چقدر اعتماد شما به بینا و دوستی‌تان را ارج می‌نهم. هدف من از به اشتراک گذاشتن این جزئیات این نیست که شما را غرق در اطلاعات کنم، بلکه می‌خواهم سوالات شما را پیش‌بینی کرده و صادقانه‌ترین پاسخ‌هایی که می‌توانم بدهم را ارائه دهم.</p>
--	--

November 9, 2024

نوامبر ۹، ۲۰۲۴

Guillermo Estefani Monarrez

Chairman of the Board

رئیس هیئت مدیره

Collection of underlying ideas	های زیربنایی ای از ایده مجموعه
<p>On October 18, I sent an email directed especially to those interested in either increasing or decreasing their investment in Bina.</p> <p>I don't want my perspective on the world to catch you off guard in regard to your position in Bina. While I don't expect everyone to read all of the ideas I share below, I want to make sure you have the information needed for a well-informed decision.</p> <p>So, as an attachment to this letter, I'm sharing a collection of detailed ideas. I present them in a way that might help you understand my vision, the motives, paradigms, and principles underlying Bina's fundamental changes.</p> <p>The ideas may seem disconnected from each other, and I admit that some could even appear shocking.</p> <p>However, I'm convinced they'll be useful for understanding how I've come to develop my thoughts on reality and the crucial role I believe Bina will play within it.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>	<p>مندویژه برای کسانی که علاقه در تاریخ ۱۸ اکتبر، ایمیلی به گذاری خود در بینا هستند ارسال به افزایش یا کاهش سرمایه کردم.</p> <p>نمی‌خواهم دیدگاه من درباره جهان شما را در مورد موقعیتتان در بینا غافلگیر کند. اگر چه انتظار ندارم که همه هایی را که در ادامه می‌آورم بخوانند، اما می‌خواهم ایده گیری اطمینان حاصل کنم که اطلاعات لازم برای تصمیم آگاهانه را در اختیار دارید.</p> <p>های ای از ایده عنوان پیوست این نامه، مجموعه بنابر این، به ای ارائه‌گونه‌ها را به دقیق را به اشتراک می‌گذارم. این ایده می‌کنم که ممکن است به شما کمک کند تا دیدگاه من ها و اصول زیربنایی تغییرات اساسی بیناها، پارادایم‌انگیزه را درک کنید.</p> <p>ها ممکن است از یکدیگر جدا به نظر برسند، و من این ایده ها حتی ممکن است اعتراف می‌کنم که برخی از آن کننده به نظر برسند شوکه</p> <p>ها برای درک چگونگی با این حال، من مطمئنم که آن گیری افکار من در مورد واقعیت و نقش حیاتی که شکل معتقدم بینا در آن ایفا خواهد کرد، مفید خواهند بود.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>
<p>Bina's principle</p> <p>To me, the name Bina is elegant, though it sounds strange because it isn't in Spanish.</p> <p>Since childhood, I've had the privilege of receiving an education rooted in reverence for God. This introduced me to the ideas of several theologians at a young age.</p> <p>Many years ago, one of these theologians explained me that Noah's language was a Semitic language known as "Paleo-Hebrew."</p> <p>According to this view, this was the language used by God to communicate with Adam and his descendants through Seth, all the way to Noah. In this narrative, Hebrew remained within Abraham's family despite the confusion at Babel, when humans lost the ability to understand each other due to the rise of many languages.</p>	<p style="text-align: right;">اصول بینا</p> <p>برای من، نام "بینا" زیبا است، هر چند که ممکن است عجیب به نظر برسد چون به زبان اسپانیایی نیست.</p> <p>هایی باز دوران کودکی، این شانس را داشتم که آموزش های احترام به خدا دریافت کنم. این باعث شد که از ریشه های چندین الهی‌دان آشنا شوم سنین پایین با ایده</p> <p>ها برای من توضیح داد که‌ها پیش، یکی از این الهی‌دان سال زبان نوح یک زبان سامی به نام "پالئو-عبری" بوده است.</p> <p>بر اساس این دیدگاه، این زبان همان زبانی بود که خداوند، های او از طریق ست، تا نوح برای ارتباط با آدم و نسل استفاده می‌کرد. در این روایت، عبری در خانواده ابراهیم هاباقی ماند، با وجود سردرگمی در بابل، زمانی که انسان های مختلف از دلیل ظهور زبان توانایی درک یکدیگر را به دست دادند.</p>

<p>Now, Hebrew is accessible to the public, largely because of the 19th-century theologian James Strong, who created a concordance of the Bible. This was an impressive project, creating an index for every original word in the Judeo-Christian Scriptures.</p> <p>It included 5,624 words in Greek and 8,674 in Hebrew, so many of us who study Judeo-Christian texts use this dictionary to understand them better.</p> <p>In mid-2014, after studying Ben Graham's principles of value investing, I decided to start a "pilot project" based on what I had learned during my experience in gold mining.</p> <p>My goal was clear: to create a strong conceptual foundation that could scale. For that, I thought of a name that could connect with people in a deep and meaningful way.</p> <p>When it came time to name Bina, I chose the Hebrew language, first because I consider myself a man who is part of God's people, and second because I wanted every human being, even in their spirit, to understand the impact of this name.</p> <p>I searched for words related to the principles of an "intelligent investor" and tried to combine them in a way that vocally sounded.</p> <p>I chose three terms:</p> <p>"Binah" (#H998), which expresses wisdom in terms of understanding, meaning, and truth.</p> <p>"Ormah" (#H6195), which refers to wisdom as prudence and skillfulness in taking action.</p> <p>"Sekel" (#H7922), which, although it sounds like the Israeli currency, actually refers to wisdom in terms of insight and intelligence.</p> <p>In Job 28:28, there is one of the clearest explanations about how to find wisdom:</p> <p style="text-align: center;">"Then God said to humans, 'Listen! Reverence for the Lord is wisdom, turning away from evil is understanding.'"</p>	<p>حال، عبری برای عموم در دسترس است، عمدتاً به دلیل سازی الهی‌دان قرن نوزدهمی، جیمز استرانگ، که همسان ای چشمگیر بود که از کتاب مقدس را ایجاد کرد. این پروژه یک فهرست برای هر کلمه اصلی در متون یهودی-مسیحی فراهم می‌کرد.</p> <p>سازی شامل ۵,۶۲۴ کلمه یونانی و ۸,۶۷۴ کلمه این همسان عبری بود، به طوری که بسیاری از ما که متون یهودی-مسیحی را مطالعه می‌کنیم، از این دیکشنری برای درک ها استفاده می‌کنیم بهتر آن.</p> <p>گذاری در اواسط سال ۲۰۱۴، پس از مطالعه اصول سرمایه‌ارزشی بن گراهام، تصمیم گرفتم یک "پروژه آزمایشی" بر اساس آنچه که در تجربیاتم در صنعت طلا آموخته بودم، آغاز کنم.</p> <p>هدف من روشن بود: ایجاد یک پایه مفهومی قوی که بتواند گسترش یابد. برای این منظور، نامی را انتخاب کردم که ای عمیق و معنادار ارتباط برقرار کند بتواند با مردم به شیوه</p> <p>وقتی زمان نامگذاری بینا فرا رسید، زبان عبری را انتخاب کردم، اول به این دلیل که خود را بخشی از مردم خداوند می‌دانم و دوم به این دلیل که می‌خواستم هر انسان، حتی در روح خود، تأثیر این نام را درک کند.</p> <p>"گذار هوشمند برای کلمات مرتبط با اصول یک "سرمایه ای ترکیب کنم را به گونه جستجو کردم و تلاش کردم آن که از نظر صوتی به هم بیاید</p> <p>سه کلمه را انتخاب کردم:</p> <p>که حکمت را از نظر درک، معنی و، (#H998) "بینا" حقیقت بیان می‌کند.</p> <p>که حکمت را به عنوان دقت و مهارت، (#H6195) "ارما" در عمل به کار بردن می‌سازد.</p> <p>که اگر چه شبیه به واحد پول اسرائیل، (#H7922) "سکل" است، در واقع حکمت را از نظر بصیرت و هوش اشاره دارد.</p> <p>ترین توضیحات در مورد در ایوب ۲۸:۲۸، یکی از روشن چگونگی یافتن حکمت وجود دارد</p> <p>ها گفت: 'گوش بدهید! احترام به‌سپس خداوند به انسان' "خداوند حکمت است، از بدی دور شدن، درک است"</p>
--	--

To me, wisdom is more valuable than gold, silver, and precious stones. While it's easy to desire it and see it as something essential in what we do, true wisdom is very hard to find and even harder to apply consistently.

However, with this first idea, what I want to emphasize is this: I'm not trying to impose a dogmatic or harmful religious view, and I certainly don't want to make anyone uncomfortable by sharing these ideas.

In the style of Benito Juárez, I've tried to keep a line between what is natural and keep my ideas about the supernatural separate when it comes to Bina. However, reality has shown me that it's impossible to avoid integrating aspects of the supernatural, which some may view as a hobby, with the natural ones, which I believe some wrongly consider to be the only reality.

And I think it's important to also let you know that from now on, these ideas will become a cornerstone of Bina's activities.

Compound gain in understanding

One clear benefit of wisdom is that it increases our understanding of reality.

For any human being, understanding reality is very rewarding in itself. I still haven't met anyone who doesn't enjoy understanding something new.

However, understanding has also another wonderful nature: as we organize what we learn into a system, understanding tends to multiply like compound gain.

For example, lessons from mistakes, if combined with discipline and a genuine curiosity to learn, can turn into lasting value, and ignorance quickly fades away.

In other words, Bina's system allows us to become more valuable over time by the mere increase of our understanding.

برای من، حکمت از طلا، نقره و جواهرات گرانبها تر است. اگرچه تمایل به آن آسان است و آن را بارز چیزی ضروری در کارهایی که انجام می‌دهیم می‌بینیم، اما تر حکمت واقعی بسیار سخت به دست می‌آید و حتی سخت است که به طور مداوم از آن استفاده کنیم.

با این حال، با این ایده اولیه، چیزی که می‌خواهم تأکید کنم این است: من قصد ندارم یک دیدگاه دینی دگماتیک یا مضر را تحمیل کنم و قطعاً نمی‌خواهم با به اشتراک گذاشتن این ها کسی را ناراحت کنم. ایده

ام بین آنچه طبیعی است به سبک بنتو خوانس، سعی کرده‌ایم در مورد ماوراء الطبیعه را از هم‌خطی نگه دارم و ایده جدا کنم وقتی که به بینا مربوط می‌شود. اما واقعیت نشان‌های ماوراء الطبیعه، که داده است که اجتناب از ادغام جنبه برخی ممکن است آن را به عنوان یک سرگرمی ببینند، با آنچه طبیعی است، که من معتقدم برخی به اشتباه آن را تنها واقعیت می‌دانند، غیرممکن است.

و فکر می‌کنم که مهم است به شما اطلاع دهم که از این به‌های بینا تبدیل خواهند بنای فعالیت‌ها به سنگ‌بعد، این ایده شد.

سود مرکب در درک

یکی از فواید واضح حکمت این است که درک ما از واقعیت را افزایش می‌دهد.

دهنده است برای هر انسان، درک واقعیت خود بسیار پاداش‌ام که از درک چیزی جدید لذت نبردمن هنوز کسی را ندیده

:انگیز دیگری دارد با این حال، درک همچنین طبیعت شگفت‌زمانی که آنچه را که می‌آموزیم به یک سیستم سازماندهی می‌کنیم، درک به طور طبیعی مانند سود مرکب ضرب می‌شود.

هایی از اشتباهات، اگر با انضباط و برای مثال، درس کنجکاوی واقعی برای یادگیری ترکیب شوند، می‌توانند به ارزشی پایدار تبدیل شوند و نادانی به سرعت محو شود.

به عبارت دیگر، سیستم بینا به ما این امکان را می‌دهد که مان، ارزشمندتر به مرور زمان با افزایش صرف درک شویم.

<p>There's another wonder of life that I practiced a lot while I was involved in politics.</p> <p>What's amazing about making decisions is that new scenarios appear as you realize that some ideas were true while others were mere illusions. I think this is an essential part of the human experience.</p> <p>Whether decisions are good or bad, when you acquire wisdom through correct understanding, you realize that it's okay for things to be the way they are, and perhaps they couldn't have been any other way, because that's how you arrive at the current understanding.</p> <p>For example, when I proposed restarting operations nearly four years ago, my vision was much more limited than what I understand now.</p> <p>I hope I express this clearly when I point out that if I hadn't started Bina, I would never have understood the risks and opportunities that were invisible to me before.</p> <p>I will demonstrate this idea further with a practical example from Bina.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>	<p>یک شگفتی دیگر از زندگی وجود دارد که من زیاد آن را ام وقتی که در سیاست مشغول بودم تمرین کرده ام.</p> <p>انگیز است این است‌گیری شگفت‌چیزی که در مورد تصمیم که سناریوهای جدیدی ظاهر می‌شوند زمانی که متوجه ما درست بودند و برخی دیگر تنه‌امی‌شوید که برخی از ایده توهم بودند. من فکر می‌کنم این بخش اساسی از تجربه انسانی است.</p> <p>ها خوب باشند چه بد، زمانی که از طریق درک‌چه تصمیم صحیح حکمت به دست می‌آورید، متوجه می‌شوید که اشکالی ندارد که چیزها همانطور که هستند باقی بمانند و شاید هیچ وقت نمی‌توانستند به شکل دیگری باشند، زیرا این همان مسیری است که شما را به درک کنونی رسانده است.</p> <p>برای مثال، زمانی که نزدیک به چهار سال پیش پیشنهاد ها را دادم، دیدگاه من محدودتر از آنچه شروع دوباره فعالیت بود که اکنون درک می‌کنم.</p> <p>امیدوارم این را به وضوح بیان کنم که اگر من بینا را شروع هایی که قبلاً برایم‌ها و فرصت‌نکرده بودم، هرگز ریسک نامرئی بودند را نمی‌فهمیدم.</p> <p>این ایده را با یک مثال عملی از بینا بیشتر توضیح خواهم داد.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p>
<p>Bina and China</p> <p>I made a strategic mistake with our position in Alibaba. I won't go into the details to justify myself, but rather to give you insight into how I examine things like this.</p> <p>I will use some technical concepts, so if there's something unclear, it's probably because I didn't explain it well. Please feel free to contact me for any clarification.</p> <p>The thesis behind our position in Alibaba is quite simple:</p> <p>Alibaba is perhaps the biggest and most prominent company in the fastest-growing economy of the last few decades.</p>	<p style="text-align: right;">بینا و چین</p> <p>مان در علی‌بابا اشتباهی استراتژیک مرتکب‌من در موقعیت شدم. وارد جزئیات نمی‌شوم تا خودم را توجیه کنم، بلکه می‌خواهم شما را با نحوه بررسی اینگونه مسائل آشنا کنم.</p> <p>من از برخی مفاهیم فنی استفاده خواهم کرد، پس اگر چیزی برایتان مبهم بود، احتمالاً به این دلیل است که آن را خوب ام. لطفاً در صورت نیاز برای هرگونه توضیح نداده توضیح بیشتر با من تماس بگیرید.</p> <p>فرضیه پشت موقعیت ما در علی‌بابا بسیار ساده است:</p> <p>ترین شرکت در علی‌بابا شاید بزرگترین و برجسته ترین اقتصاد در حال رشد چند دهه گذشته باشد سریع.</p>

<p>Its competitive position compared to its Asian peers is formidable, and due to certain cultural barriers, its market is very difficult for its American rivals to reach.</p>	<p>موقعیت رقابتی علی‌بابا در مقایسه با رقبای آسیایی خود بسیار قوی است، و به دلیل برخی موانع فرهنگی، بازار آن برای رقبای آمریکایی بسیار دشوار است که به آن دسترسی پیدا کنند.</p>
<p>Alibaba has managed to be pivotal in its market, a country that is not only the factory of the world, but its business model has also made many Chinese industries use its platform to distribute their products globally.</p>	<p>علی‌بابا توانسته است در بازار خود نقش محوری ایفا کند، کشوری که نه تنها کارخانه جهان است، بلکه مدل و کار آن موجب شده است که بسیاری از صنایع چینی کسب از پلتفرم آن برای توزیع محصولات خود به صورت جهانی استفاده کنند.</p>
<p>If I had to describe the relationship between China and the United States using a familiar analogy, I would say the U.S. is the older sibling, while China is the restless sibling, though always reasonable when it comes to conflicts.</p>	<p>اگر بخواهم رابطه چین و ایالات متحده را با استفاده از یک مقایسه آشنا توصیف کنم، می‌گویم ایالات متحده مانند خواهر تر است، در حالی که چین خواهر یا برادریا برادر بزرگ پرحرکتی است که همیشه در مورد درگیری‌ها منطقی عمل می‌کند.</p>
<p>With its great military power, China tends to act with moderation in global conflicts like those in Ukraine and Israel, and even in its economic rivalry with the United States.</p>	<p>با قدرت نظامی عظیم خود، چین در درگیری‌های جهانی مانند درگیری‌های اوکراین و اسرائیل و حتی در رقابت اقتصادی خود با ایالات متحده معمولاً با احتیاط عمل می‌کند.</p>
<p>However, I also recognize that China faces an intrinsic vulnerability in its system.</p>	<p>پذیری با این حال، من همچنین می‌دانم که چین با یک آسیب ذاتی در سیستم خود مواجه است.</p>
<p>It's not an insurmountable weakness, but there is a certain philosophical disconnect between what its current communist political regime believes and the supernatural reality. This implies, for example, that its vision for the future is more pessimistic, based solely on materialism, and much less liberal than the American one.</p>	<p>این یک ضعف غیرقابل غلبه نیست، اما بین آنچه رژیم سیاسی کمونیستی کنونی آن باور دارد و واقعیت ماورایی نوعی گسست فلسفی وجود دارد. این به این معنی است که به اندازه آینده چین بیشتر بدبینانه است و تنهاطور مثال، چشم بر اساس مادی‌گرایی است و بسیار کمتر از مدل آمریکایی لیبرال است.</p>
<p>In other words, I would say that their stance is something like this:</p>	<p>ها چیزی شبیه به‌به عبارت دیگر، من می‌گویم که موضع آن این است:</p>
<p>“Our creativity is different from that of the West.</p>	<p>خلاقیت ما با خلاقیت غرب متفاوت است”</p>
<p>Through force, we will make what others invent cheaper, and we will keep a cheap fixed exchange rate that allows us to export our inflation to other countries. Whoever wants to join us is welcome, and those who don't, let them step aside.”</p>	<p>از طریق قدرت، ما آنچه دیگران اختراع می‌کنند را تر خواهیم کرد، و یک نرخ تبدیل ثابت ارزان را نگه‌داران می‌داریم که به ما این امکان را می‌دهد تا تورم خود را به کشورهای دیگر صادر کنیم. هر کسی که بخواهد به ما بپیوندد خوش آمد می‌گوید، و کسانی که نمی‌خواهند، می‌توانند کنار بروند.</p>
<p>In April 2020, Alibaba reported sales of \$76 billion. Just seven months later, in November, its stock reached a historic high of \$307, bringing its market capitalization to \$870 billion at that time.</p>	<p>در آوریل 2020، علی‌بابا فروش 76 میلیارد دلاری گزارش کرد. فقط هفت ماه بعد، در نوامبر، سهام آن به رکورد تاریخی 307 دلار رسید و ارزش بازار آن در آن زمان به 870 میلیارد دلار رسید.</p>
<p>Today, the market believes this business is worth \$234 billion.</p>	<p>و کار 234 امروز، بازار بر این باور است که این کسب 870 میلیارد دلار ارزش دارد.</p>

<p>Despite the drop in its share price, Alibaba has continued to show its competitive advantage consistently in its real business.</p> <p>Now, my strategic mistake was taking too long to recognize the following:</p> <p>Although China is the second-largest economy in the world, it is still a developing country with the philosophical flaw I explained earlier.</p> <p>To illustrate this, I'll use the table I created with data from Alibaba's report, in millions of dollars updated to today.</p>	<p>با وجود کاهش قیمت سهام، علی بابا همچنان توانسته است و کار واقعی خود به طور مزیت رقابتی خود را در کسب مداوم نشان دهد.</p> <p>حالا، اشتباه استراتژیک من این بود که مدت زمان زیادی طول کشید تا به نکات زیر پی ببرم:</p> <p>اگرچه چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است، اما هنوز یک کشور در حال توسعه است با نقص فلسفی که قبلاً توضیح دادم.</p> <p>های برای نشان دادن این موضوع، من از جدولی که با داده ام استفاده می‌کنم، که به میلیون گزارش علی بابا ایجاد کرده روز شده است دلار به</p>
---	--

Alibaba's business breakdown	2021	2022	2023	2024	21 vs 24 % real change
Domestic commerce in China	90,845	62,654	58,370	60,431	(33)
International commerce	8,851	9,062	9,960	14,257	61
Local consumer services	6,477	6,542	7,098	8,310	28
Cainiao	6,751	9,736	10,950	13,760	104
Cloud	10,973	14,867	14,620	14,781	35
Digital media & entertainment	5,651	2,638	2,605	2,938	(48)
Other	419	18,818	19,109	16,305	3,794
Total revenue	129,966	124,316	122,713	130,782	1
Domestic commerce in China	35,737	25,144	24,324	27,073	(24)
International commerce	(1,696)	(1,553)	(1,191)	(1,242)	(27)
Local consumer services	(5,290)	(4,489)	(3,292)	(3,637)	(31)
Cainiao	(718)	(571)	(512)	(502)	(30)
Cloud	(2,261)	(753)	(728)	(995)	(56)
Digital media & entertainment	(1,870)	(1,023)	(655)	(959)	(49)
Innovation initiatives and others	(1,414)	(1,373)	(1,329)	(1,163)	(18)
Unallocated	(6,238)	(5,233)	(2,442)	(2,823)	(55)
Operating profit	16,249	10,148	14,176	15,751	(3)

جزئیات کسب و کار علی بابا	2021	2022	2023	2024	21 vs 24 تغییر % واقعی
تجارت داخلی در چین	90,845	62,654	58,370	60,431	(33)
تجارت بین المللی	8,851	9,062	9,960	14,257	61
خدمات مصرف کننده محلی	6,477	6,542	7,098	8,310	28
کابیناؤ	6,751	9,736	10,950	13,760	104
ابر	10,973	14,867	14,620	14,781	35
رسانه های دیجیتال و سرگرمی	5,651	2,638	2,605	2,938	(48)
دیگر	419	18,818	19,109	16,305	3,794
کل درآمد	129,966	124,316	122,713	130,782	1
تجارت داخلی در چین	35,737	25,144	24,324	27,073	(24)
تجارت بین المللی	(1,696)	(1,553)	(1,191)	(1,242)	(27)
خدمات مصرف کننده محلی	(5,290)	(4,489)	(3,292)	(3,637)	(31)
کابیناؤ	(718)	(571)	(512)	(502)	(30)
ابر	(2,261)	(753)	(728)	(995)	(56)
رسانه های دیجیتال و سرگرمی	(1,870)	(1,023)	(655)	(959)	(49)
ابتکارات نوآوری و دیگران	(1,414)	(1,373)	(1,329)	(1,163)	(18)
تخصیص نیافته است	(6,238)	(5,233)	(2,442)	(2,823)	(55)
سود عملیاتی	16,249	10,148	14,176	15,751	(3)

By the way, negative numbers in the changes in operating losses actually mean that they are losing less money each year. For 2024, I had to estimate the data.

What stands out right away is the drop in the value of sales in dollars from China's domestic commercial business.

Keep in mind that many analysts believe China keeps its currency artificially undervalued to encourage exports.

What's interesting to me is that, even though China has faced situations like pandemic restrictions in recent years, and is currently trying to recover from economic issues, Alibaba's business model remains strong and flexible, proof of that is that it was able to recover the same overall levels of real value 130 billion dollars by 2024.

Another notable situation is how the operating profit remained above 10 billion dollars in 2022, almost recovering the 16 billion dollars from 2021 by 2024.

راستی، اعداد منفی در تغییرات ضررهای عملیاتی به این معنا هستند که آن‌ها هر سال کمتر از گذشته پول از دست می‌دهند. برای سال 2024، من مجبور شدم داده‌ها را برآورد کنم.

چیزی که فوراً برجسته می‌شود، کاهش ارزش فروش‌ها به دلار از کسب‌وکار تجاری داخلی چین است.

به یاد داشته باشید که بسیاری از تحلیلگران معتقدند چین ارزش خود را عمداً دست‌کم ارزیابی می‌کند تا صادرات را تشویق کند.

چیزی که برای من جالب است این است که علی‌رغم اینکه چین در سال‌های اخیر با مسائلی مثل محدودیت‌های ناشی از پاندمی روبرو شده و در حال حاضر تلاش می‌کند تا از مشکلات اقتصادی خود بازیابی کند، مدل کسب‌وکار علی‌بابا همچنان قوی و انعطاف‌پذیر باقی مانده است. اثبات این موضوع این است که این شرکت توانسته تا سطح همان ارزش واقعی کلی، یعنی 130 میلیارد دلار، را تا سال 2024 بازیابی کند.

یک وضعیت قابل توجه دیگر این است که سود عملیاتی در سال 2022 بالای 10 میلیارد دلار باقی ماند و تقریباً تا سال 2024، 16 میلیارد دلار سال 2021 را بازیابی کرده است.

<p>Despite the drop in operating profit in China's domestic business (from 35 billion dollars in 2021 to 27 billion dollars in 2024), we can see that the total losses from non-strategic businesses, altogether, have been reduced dramatically by 42%, from a 19-billion-dollar loss in 2021 to an estimated 11-billion-dollar loss.</p> <p>Another observation. As long as these figures are true, I believe there is no business like Alibaba in this world, as nearly all of its businesses continue to grow year after year, which can be a sign of competitive advantage and the existence of very large moats of all kind.</p> <p>If we exclude the value of sales from the domestic business, which dropped by a third from almost 91 billion dollars in 2021 to over 60 billion dollars in 2024, we see that the rest of the businesses increased from 39 billion dollars in 2021 to 70 billion dollars in 2024 in real terms.</p> <p>The problem with the previous explanation is that it might not fully reveal the mistake I made. I will show you how this mistake looks from a different angle, though I'm confident you will also see why Alibaba is such a solid idea.</p> <p>Pitifully, if you don't have the right lens to see reality, as in my case here, the truth only becomes clear over time.</p> <p>In the following table, I'll show you comparative data from certain countries, calculating the growth in their economic productivity (GDP) alongside the change in the value of their stock market indices converted to dollars. Keep in mind that both pieces of data are imperfect, and I only consider them as indicators.</p>	<p>با وجود کاهش سود عملیاتی در کسب‌وکار داخلی چین (از 35 میلیارد دلار در سال 2021 به 27 میلیارد دلار در سال 2024)، می‌توانیم ببینیم که ضررهای کلی از کسب‌وکارهای (2024)، غیر استراتژیک به‌طور چشمگیری 42% کاهش یافته است، از ضرر 19 میلیارد دلاری در سال 2021 به ضرر پیش‌بینی‌شده 11 میلیارد دلار.</p> <p>یک مشاهده دیگر. تا زمانی که این ارقام درست باشند، من معتقدم که هیچ کسب‌وکاری مانند علی‌بابا در این دنیا وجود ندارد، زیرا تقریباً تمام کسب‌وکارهای آن هر سال به رشد خود ادامه می‌دهند که می‌تواند نشانه‌ای از مزیت رقابتی و وجود سدهای بسیار بزرگ از انواع مختلف باشد.</p> <p>اگر ارزش فروش‌ها از کسب‌وکار داخلی را که از تقریباً 91 میلیارد دلار در سال 2021 به بیش از 60 میلیارد دلار در سال 2024 کاهش یافته است، از محاسبات حذف کنیم می‌بینیم که بقیه کسب‌وکارها از 39 میلیارد دلار در سال 2021 به 70 میلیارد دلار در سال 2024 از نظر ارزش واقعی افزایش یافته‌اند.</p> <p>مشکل با توضیح قبلی این است که شاید نتواند اشتباهی که من مرتکب شدم را به‌طور کامل نشان دهد. من به شما نشان می‌دهم که این اشتباه از یک زاویه دیگر چگونه به نظر می‌رسد، اگر چه مطمئنم شما نیز خواهید دید که چرا علی‌بابا یک ایده بسیار محکم است.</p> <p>متأسفانه، اگر شما لنز درستی برای دیدن واقعیت نداشته باشید، مانند مورد من اینجا، حقیقت فقط با گذشت زمان روشن می‌شود.</p> <p>در جدول زیر، من داده‌های مقایسه‌ای از کشورهای خاص را نشان می‌دهم، که رشد به‌رهوری اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) آن‌ها را به‌همراه تغییر در ارزش شاخص‌های بورس آن‌ها که به دلار تبدیل شده است، محاسبه کرده‌ام. به یاد داشته باشید که هر دو قطعه داده ناقص هستند و من فقط آن‌ها را به‌عنوان شاخص در نظر می‌گیرم.</p>
---	---

Country	Gross domestic product (trillions of USD)		Change in value of economic output (1)	Market index (units in USD)		Change in value of market index (2)	Market growth / economy growth (2) / (1)
	sep-19	sep-24		sep-19	sep-24		
USA	21.7	28.8	32 %	2,991	5,702	91 %	2.8
China	13.7	18.4	34 %	420	389	(7) %	(0.2)
France	2.5	2.6	4 %	6,271	8,372	34 %	8.0
Mexico	1.3	1.7	30 %	2,240	2,693	20 %	0.7

کشور	تولید ناخالص داخلی (تریلیون دلار)		تغییر در ارزش تولید اقتصادی (1)	شاخص بازار (واحد به دلار)		تغییر در ارزش شاخص بازار (2)	رشد بازار / رشد اقتصاد (2) / (1)
	سپتامبر - 19	سپتامبر -24		سپتامبر - 19	سپتامبر - 24		
ایالات متحده	21.7	28.8	32 %	2,991	5,702	91 %	2.8
چین	13.7	18.4	34 %	420	389	(7) %	(0.2)
فرانسه	2.5	2.6	4 %	6,271	8,372	34 %	8.0
مکزیک	1.3	1.7	30 %	2,240	2,693	20 %	0.7

I chose September 2019 as the starting point because it's right before we started seeing the effects of the COVID-19 pandemic restrictions.

Remember that each of us interprets the same data differently. One way to interpret it is as follows:

The U.S. economy grew by 32% during this period, however, if should adjust this for inflation, you must consider that the dollar's purchasing power actually decreased by 23% net. This helps explain some of the recent discontent in the U.S., as seen in the recent election results.

Now, notice the growth in the value of the U.S. stock market, which increased by 91% during this period. This is a significant difference.

In the 2002 report, I observed that the cause of the exuberance in the U.S. market was mainly due to the massive amount of money the central banking system pumped into circulation as part of its monetary policy to avoid an economic recession, combined with a process of rising interest rates. The report is here: <https://bina.mx/inicio/reportes-anuales-y-trimestrales/2022-anual/>

Now it seems that the US central bank, the Federal Reserve has started a process of relaxing its monetary policy. However, the amount of cash in circulation is still dramatically different from the conditions five years ago.

من سپتامبر ۲۰۱۹ را به عنوان نقطه شروع انتخاب کردم چون درست قبل از آن بود که اثرات محدودیت‌های ناشی از COVID-19 پاندمی را مشاهده کردیم.

یادآوری کنید که هر یک از ما داده‌های یکسان را به‌طور متفاوتی تفسیر می‌کنیم. یک روش برای تفسیر آن به این صورت است:

اقتصاد ایالات متحده در این دوره ۳۲ درصد رشد کرد، با این حال، اگر این را برای تورم تنظیم کنیم، باید در نظر بگیریم که قدرت خرید دلار در واقع به طور خالص ۲۳ درصد کاهش یافته است. این می‌تواند بخشی از ناراضی‌های اخیر در ایالات متحده را توضیح دهد، همانطور که در نتایج اخیر انتخابات مشاهده شد.

حالا، به رشد ارزش بازار سهام ایالات متحده توجه کنید که در این دوره ۹۱ درصد افزایش یافته است. این تفاوت قابل توجهی است.

در گزارش سال ۲۰۰۲، مشاهده کردم که دلیل شکوفایی بازار ایالات متحده عمدتاً به دلیل حجم عظیمی از پولی بود که سیستم بانکداری مرکزی به عنوان بخشی از سیاست پولی خود به منظور جلوگیری از رکود اقتصادی وارد گردش کرده بود، همراه با فرایند افزایش نرخ بهره. گزارش اینجا موجود است: <https://bina.mx/inicio/reportes-anuales-y-trimestrales/2022-anual/>

حالا به نظر می‌رسد که بانک مرکزی ایالات متحده، فدرال رزرو، فرایند آرامسازی سیاست پولی خود را آغاز کرده است. با این حال، مقدار پول در گردش هنوز به طرز چشمگیری با شرایط پنج سال پیش متفاوت است.

Now let's look at the numbers for France, a NATO member, as a representative economy of what's happening in Europe. The index I used is the CAC 40 (the largest French companies, like luxury brand LVMH, energy company Total, and industrial company Schneider, which all are considered global, with international representation).

So, while France's real economy has grown only 4% (over these five years!), its stock market has increased by 34%, suggesting there's stock market enthusiasm for globalized French companies that is disconnected from what's happening in the real french economy.

Now, let's look at the case of our beloved Mexico. Economic growth was 30%, but if we account for the 30% net loss in purchasing power, the result is not cheerful.

Looking at the stock market, we see a net growth of only 20%. While this figure is more in line with Mexico's economy, it is far from the exuberance shown in the U.S. market.

Finally, the situation in China is also interesting. While its economy grew by 34%, the value of its stock market has decreased by 7% net today.

The gap is Notable, and reflects the effects of several specific factors.

Let's remember that COVID-19 started in China, a country whose political and economic system is different from that of the United States. This difference can be seen in the way both countries dealt with a common challenge, like the pandemic.

For example, in the United States (and Mexico), lockdowns and business closures were put in place for businesses considered "non-essential." This caused a significant economic contraction and millions of jobs were temporarily lost. However, by mid-2020, policies became more flexible, less strict, and more decentralized compared to China's centralized and strict approach to adapt to the "new normal."

حال بیابید به اعداد مربوط به فرانسه، یک عضو ناتو، به عنوان یک اقتصاد نماینده برای آنچه در اروپا در حال رخ CAC 40 دادن است نگاه کنیم. شاخصی که استفاده کردم است) بزرگترین شرکت‌های فرانسوی، مانند برند لوکس و شرکت صنعتی Total شرکت انرژی LVMH، که همه این‌ها به عنوان شرکت‌های جهانی با Schneider (نمایندگی بین‌المللی شناخته می‌شوند).

بنابراین، در حالی که اقتصاد واقعی فرانسه فقط ۴٪ رشد کرده است) در این پنج سال، (بازار سهام آن ۳۴٪ افزایش یافته است، که نشان می‌دهد هیجان در بازار سهام برای شرکت‌های جهانی فرانسه از آنچه در اقتصاد واقعی فرانسه اتفاق می‌افتد جدا شده است.

حالا، بیابید به وضعیت مکزیکی عزیزمان نگاه کنیم. رشد اقتصادی ۳۰٪ بوده است، اما اگر کاهش ۳۰٪ خالص در قدرت خرید را در نظر بگیریم، نتیجه دلگرم‌کننده نیست.

نگاه کردن به بازار سهام، رشد خالص فقط ۲۰٪ را می‌بینیم در حالی که این رقم بیشتر با اقتصاد مکزیکی هماهنگ است، اما به شدت از شکوفایی که در بازار ایالات متحده دیده می‌شود فاصله دارد.

در نهایت، وضعیت چین هم جالب است. در حالی که اقتصاد ۳۴٪ رشد کرده است، ارزش بازار سهام آن امروز ۷٪ کاهش یافته است.

این فاصله قابل توجه است و اثرات چندین عامل خاص را منعکس می‌کند.

در چین آغاز شد COVID-19 بیابید به یاد بیاوریم که کشوری که سیستم سیاسی و اقتصادی آن با ایالات متحده متفاوت است. این تفاوت در نحوه برخورد هر دو کشور با یک چالش مشترک، مانند پاندمی، قابل مشاهده است.

برای مثال، در ایالات متحده (و مکزیکی)، محدودیت‌ها و تعطیلی کسب‌وکارها برای کسب‌وکارهایی که "غیر ضروری" محسوب می‌شدند اعمال شد. این باعث انقباض اقتصادی چشمگیر شد و میلیون‌ها شغل موقتا از دست رفت اما، تا میانه سال ۲۰۲۰، سیاست‌ها انعطاف‌پذیرتر، کمتر سختگیرانه و بیشتر غیرمتمرکز شدند، در حالی که رویکرد چین نسبت به "نرمال جدید" متمرکز و سختگیرانه بود.

You might remember that when the world seemed to be returning to "normal," I decided to restart Bina's operations.

In the 2020 letter (<https://bina.mx/inicio/reportes-anuales-y-trimestrales/2020-anual/>), I showed how we started by buying two shares of Alibaba Holdings at around \$245 dollars per share.

However, by March 23, 2021, the date of that letter, the price of the stock had dropped to \$225, though it wasn't a surprise since it had been falling from its peak of \$320 in October 2020.

During the COVID-19 restrictions, the stock had reached that peak above \$300, driven by Jack Ma's attempt to take his then-subsiary Ant Group public.

Ant Group's initial public offering (IPO) was scheduled for October 2020, and if it had happened, it would have been the largest IPO in the world. This excitement was part of what drove the stock price at that time.

However, when Jack Ma made critical comments about the financial inclusion situation in China, the Chinese government stepped in and stopped the IPO process, which struck Alibaba's momentum in the markets.

I have a habit: when an idea seems interesting to me, I like to "step a foot" in it and keep it on my radar, rather than letting it pass by. I'm very careful about the thoughts I allow to get my attention. And that's how I continued watching Alibaba's behavior.

Now, since that peak in October 2020, Alibaba's stock kept falling, dropping from \$310 to a low of \$64 in October 2022.

During this drop, we increased our position: in mid-2021, we bought shares at \$226, and in December of the same year, we bought more at \$118.

As the price kept dropping, I assumed we were buying at a discounted price, trusting that we had already reached the stock price "bottom."

شاید به یاد داشته باشید که وقتی دنیا به نظر می‌رسید که به وضعیت عادی "برگشته است، من تصمیم گرفتم که عملیات‌های بینا را از سر بگیرم.

در نامه سال 2020 نشان دادم که چطور با (<https://bina.mx/inicio/reportes-anuales-y-trimestrales/2020-anual/>)، خرید دو سهم از علی‌بابا هولدینگز با قیمت حدود 245 دلار برای هر سهم شروع کردیم.

اما تا تاریخ 23 مارس 2021، قیمت سهم به 225 دلار کاهش یافته بود، هرچند این تعجب‌آور نبود چون از اوج 320 دلار در اکتبر 2020 کاهش یافته بود.

قیمت سهم به COVID-19 در دوران محدودیت‌های بالاتر از 300 دلار رسید که این افزایش قیمت به دلیل تلاش، جک ما برای عمومی کردن شرکت تابعه‌اش، آنت گروپ بود.

آنت گروپ برای اکتبر 2020 (IPO) عرضه اولیه عمومی IPO برنامهریزی شده بود و اگر اتفاق می‌افتاد، بزرگترین در دنیا می‌شد. این هیجان یکی از عواملی بود که باعث افزایش قیمت سهم در آن زمان شد.

اما وقتی جک ما نظرات انتقادی در مورد وضعیت شمول IPO مالی در چین مطرح کرد، دولت چین وارد شد و روند را متوقف کرد که این اقدام ضربه‌ای به روند صعودی علی‌بابا در بازارها زد.

من یک عادت دارم: وقتی یک ایده برایم جالب به نظر می‌رسد، دوست دارم "پایم را در آن بگذارم" و آن را تحت نظر داشته باشم، به جای اینکه بگذارم از دست برود. من خیلی مراقب افکاری هستم که اجازه می‌دهم به توجه من جلب شوند. و اینگونه بود که به نظارت بر رفتار علی‌بابا ادامه دادم.

حالا، از آن اوج در اکتبر 2020، سهم علی‌بابا همچنان کاهش یافت و از 310 دلار به کمترین قیمت خود یعنی 64 دلار در اکتبر 2022 رسید.

در طول این کاهش قیمت، ما موقعیت خود را افزایش دادیم در اواسط 2021، سهام خریدیم با قیمت 226 دلار و در دسامبر همان سال، بیشتر خریدیم با قیمت 118 دلار.

همچنان که قیمت کاهش می‌یافت، من فرض کردم که داریم سهام را با قیمت تخفیف خریداری می‌کنیم و به این اطمینان داشتم که به "پایین‌ترین قیمت" سهم رسیده‌ایم.

<p>Then, an "unexpected" event occurred for those unaware of the geopolitical situation (although it was telegraphed for years!): in February 2022, Russia, a commercial ally of China and already having annexed Crimea in 2014, decided to carry out a large-scale military invasion of Ukraine.</p> <p>They justified this action as a response to the United States and NATO's intention to establish military bases in Ukraine, and what had been a low-intensity conflict for years quickly escalated into an open war.</p> <p>In response, when the war began, the United States and its allies imposed severe economic sanctions on Russia.</p> <p>While Russia found ways to mitigate the effects of these sanctions through trade alliances and demanding payment for its oil in rubles, global investment funds suspended their participation in the Russian market, sold their positions, and cut ties. This caused many common investors to lose money in Russian company stocks.</p> <p>This series of events caused concern in the market about what might happen to the stocks of other geopolitical allies of Russia, such as China.</p> <p>This fear, along with existing concerns already priced in due to the policies of the Chinese Communist Party (i.e. Ant Group's shock), the trade war with the United States with the tone of "winner takes all," and worries about a possible economic recession in China, contributed to a loss of interest from the global market, especially in the United States, in Chinese company stocks.</p> <p>I do not share these fears. For me, it was an opportunity to buy an excellent business at an extraordinary price.</p> <p>In March 2022, I bought more Alibaba shares at \$103 per share, and by December of that year, I increased my position with an average cost of \$89 per share.</p> <p>Unlike the United States, which lifted its restrictions in mid-2020, China relaxed its "zero COVID" restrictions only by the end of 2022 in response to mass protests due to frustration of the public.</p>	<p>سپس، یک رویداد "غیرمنتظره" برای کسانی که از وضعیت ژئوپولیتیکی آگاه نبودند، رخ داد (اگرچه این امر سال‌ها پیش قابل پیش‌بینی بود): (در فوریه 2022، روسیه که یک متحد تجاری چین است و در سال 2014 کریمه را الحاق کرده بود، تصمیم گرفت حمله نظامی وسیعی به اوکراین انجام دهد.</p> <p>آنها این اقدام را به عنوان پاسخی به قصد ایالات متحده و ناتو برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در اوکراین توجیه کردند و آنچه که برای سال‌ها یک درگیری با شدت پایین بود، به سرعت به یک جنگ علنی تبدیل شد.</p> <p>در واکنش به این حمله، زمانی که جنگ آغاز شد، ایالات متحده و متحدانش تحریم‌های اقتصادی شدیدی علیه روسیه اعمال کردند.</p> <p>در حالی که روسیه راه‌هایی برای کاهش اثرات این تحریم‌ها از طریق اتحادیه‌های تجاری و درخواست پرداخت هزینه نفت خود به روبل پیدا کرد، صندوق‌های سرمایه‌گذاری جهانی، مشارکت خود را در بازار روسیه متوقف کرده موقعیت‌های خود را فروختند و روابط خود را قطع کردند این باعث شد بسیاری از سرمایه‌گذاران معمولی پول خود را در سهام شرکت‌های روسی از دست بدهند.</p> <p>این سری از رویدادها باعث نگرانی در بازار درباره اینکه چه بر سر سهام دیگر متحدان ژئوپولیتیکی روسیه، مانند چین، خواهد آمد، شد.</p> <p>این ترس، همراه با نگرانی‌های موجود که قبلاً در قیمت‌ها لحاظ شده بود به دلیل سیاست‌های حزب کمونیست چین (یعنی شوک گروه آنت)، جنگ تجاری با ایالات متحده با لحن "برنده همه چیز را می‌برد"، و نگرانی‌ها درباره رکود اقتصادی احتمالی در چین، باعث کاهش علاقه بازار جهانی به ویژه در ایالات متحده، به سهام شرکت‌های چینی شد.</p> <p>من این نگرانی‌ها را به اشتراک نمی‌گذارم. برای من، این یک فرصت برای خرید یک کسب‌وکار عالی با قیمت استثنایی بود.</p> <p>در مارس 2022، من سهام بیشتری از علی‌بابا خریداری کردم با قیمت 103 دلار برای هر سهم، و تا دسامبر همان سال، موقعیت‌م را با هزینه متوسط 89 دلار برای هر سهم افزایش دادم.</p> <p>برخلاف ایالات متحده که محدودیت‌های خود را در اواسط لغو کرد، چین تنها در پایان 2022 محدودیت‌های 2020 خود را در پاسخ به اعتراضات گسترده "COVID صفر" عمومی که به دلیل نارضایتی مردم بود، کاهش داد.</p>
--	--

<p>From then on, the Chinese government gradually abandoned the policies of mass lockdowns and movement restrictions, marking the end of its strictest measures. However, skepticism about Chinese stocks kept their stock market prices low.</p> <p>Between January 2023 and January 2024, I expanded our position in Alibaba with an average cost of \$83 dollars per share. My thought was: "Should I have more capital; I'd acquire more Alibaba shares". However, with true understanding and patience we could have acquired a larger chunk of shares at \$65!</p> <p>Currently, our investment in Alibaba has an average cost of \$100 dollars per share.</p> <p>Meanwhile, China, despite the setback caused by the pandemic, continued to grow, although at a slower pace than usually, similar to the United States.</p> <p>Due to globalization, some economists like Niall Ferguson believe that both economies work together in what Ferguson has called "Chimerica" — a system where China acts as the low-cost manufacturer (think of Alibaba) and the United States as the tech developer (a favorite example is Apple) and consumer (Amazon).</p> <p>However, this idea has become somewhat outdated. With the protectionist policies that have led to situations like the trade war between the two nations, both have had to rely on "bridge" countries like Mexico, or South Korea. For example, I'd say that we could be thinking of situations like "Chimexrica" (China-Mexico-America).</p> <p>Let's go back to the table to compare the markets, and we'll see clear differences between the growth of stock markets and the real growth in productivity.</p> <p>Despite similar growth rates in productivity in China, the United States, and Mexico, their markets have had very different results. As we've seen, the U.S. index has grown by 91%, Mexico's by only 20%, and China's has decreased by 7%.</p>	<p>از آن زمان به بعد، دولت چین به تدریج سیاست‌های قرنطینه‌های گسترده و محدودیت‌های حرکت را رها کرد، که پایان شدیدترین اقدامات آن را نشان می‌دهد. با این حال، بدبینی نسبت به سهام چینی باعث شد که قیمت‌های بازار سهام آن‌ها پایین بماند.</p> <p>بین ژانویه 2023 و ژانویه 2024، من موقعیتم را در علی‌بابا با هزینه متوسط 83 دلار برای هر سهم گسترش دادم. فکر من این بود: "اگر سرمایه بیشتری داشتم، سهام بیشتری از علی‌بابا می‌خریدم." اما با درک واقعی و صبر، می‌توانستیم سهام‌های بیشتری را با قیمت 65 دلار خریداری کنیم!</p> <p>در حال حاضر، سرمایه‌گذاری ما در علی‌بابا با هزینه متوسط 100 دلار برای هر سهم است.</p> <p>در همین حال، چین، با وجود عقب‌نشینی ناشی از پاندمی، به رشد خود ادامه داد، هر چند با سرعتی کندتر از معمول مشابه ایالات متحده.</p> <p>به دلیل جهانی شدن، برخی اقتصاددانان مانند نیل فرگوسن معتقدند که هر دو اقتصاد به طور مشترک عمل می‌کنند در آنچه که فرگوسن "چایمریکا" نامیده است — سیستمی که در آن چین به عنوان تولیدکننده با هزینه پایین عمل می‌کند (مثل علی‌بابا) و ایالات متحده به عنوان توسعه‌دهنده فناوری (نمونه محبوب اپل و مصرف‌کننده) (آمازون).</p> <p>با این حال، این ایده کمی قدیمی شده است. با سیاست‌های حمایت‌گر ایانه‌ای که به وضعیت‌هایی مانند جنگ تجاری بین دو کشور منجر شده است، هر دو مجبور شده‌اند به کشورهای "پل" مانند مکزیک یا کره جنوبی اتکا کنند. برای مثال، من می‌گویم که ممکن است ما در حال فکر کردن به وضعیتی مانند "چیمکسریکا" (چین-مکزیک-آمریکا) باشیم.</p> <p>بیا بید به جدول برگردیم تا بازارها را مقایسه کنیم، و خواهیم دید که تفاوت‌های واضحی بین رشد بازار سهام و رشد واقعی بهر موری وجود دارد.</p> <p>با وجود نرخ‌های رشد مشابه در بهر موری در چین، ایالات متحده و مکزیک، بازارهای آن‌ها نتایج بسیار متفاوتی داشته‌اند. همانطور که دیدیم، شاخص ایالات متحده 91 درصد رشد کرده، شاخص مکزیک فقط 20 درصد رشد کرده و شاخص چین 7 درصد کاهش یافته است.</p>
--	---

In addition to the monetary expansion I explained in the 2020 report, I now also understand that the growth in the U.S. market is partly explained by the increase in the obligations of its pension system. A huge animal that is difficult to discern if you only look at one side of the equation.

We also need to add that with globalization, there's a strong belief that the best companies in the world are American, and that these businesses are the best safe haven for value amid global geopolitical instability, especially those that are part of the S&P 500 index.

In contrast, I now partially understand that in China, geopolitical risks, such as its friendship with Russia and Iran, the centralized policies of the Communist Party, and the constant pressure and internal conflicts the Communist Party faces to stay stable while needing to improve the lives of millions in precarious conditions, have limited market growth.

My mistake in this story can be illustrated with a specific trade I briefly mentioned in the 2023 report.

The other side of my "smart move" in Alibaba, is that in May 2023, I sold a position of 28 shares of Meta, which I had accumulated since March 2021 at an average cost of \$199 per share.

I liquidated the position at \$256 per share to buy more shares of Alibaba at around \$80 per share.

Since then, Meta continued to rise and reached \$582 per share (2.8 times the original cost), while Alibaba shares have only increased slightly by 17% since then, reaching \$94 today.

Although the Alibaba thesis seems stronger to me as China moves away from recession worries in its real estate sector and returns to a growth path, I made the mistake of thinking that the high prices in the U.S. market couldn't rise further and that the negativity toward the Chinese market would change soon. But it didn't!

،لاوه بر گسترش پولی که در گزارش 2020 توضیح دادم اکنون متوجه شدم که رشد در بازار ایالات متحده تا حدی به دلیل افزایش تعهدات سیستم باننشستگی آن است. یک موجود بزرگ که اگر فقط از یک طرف معادله نگاه کنید، دشوار است که آن را تشخیص دهید.

همچنین باید اضافه کنیم که با جهانی شدن، اعتقاد قوی وجود دارد که بهترین شرکت‌های جهان آمریکایی هستند و این شرکت‌ها بهترین پناهگاه امن برای ارزش در میان بی‌ثباتی ژئوپولیتیکی جهانی هستند، به ویژه آن‌هایی که جزو شاخص S&P 500 هستند.

در مقابل، اکنون به طور جزئی متوجه شدم که در چین، خطرات ژئوپولیتیکی، مانند دوستی آن با روسیه و ایران سیاست‌های متمرکز حزب کمونیست، و فشارها و درگیری‌های داخلی مستمری که حزب کمونیست برای حفظ ثبات با آن‌ها روبرو است در حالی که نیاز به بهبود زندگی میلیون‌ها نفر در شرایط بحرانی دارد، موجب محدود شدن رشد بازار شده است.

خطای من در این داستان می‌تواند با یک معامله خاص که به طور مختصر در گزارش 2023 به آن اشاره کردم، توضیح داده شود.

طرف دیگر «حرکت هوشمند» من در علی‌بابا این است که در مه 2023، من یک موقعیت 28 سهمی از متا را که از مارس 2021 جمع‌آوری کرده بودم با هزینه متوسط 199 دلار به ازای هر سهم، فروختم.

موقعیت را با قیمت 256 دلار به ازای هر سهم نقد کردم تا سهام بیشتری از علی‌بابا را با قیمت حدود 80 دلار به ازای هر سهم خریداری کنم.

از آن زمان، متا به رشد خود ادامه داد و به 582 دلار به ازای هر سهم رسید (2.8 برابر هزینه اولیه)، در حالی که سهام علی‌بابا تنها به طور جزئی 17 درصد افزایش یافت و امروز به 94 دلار رسیده است.

،اگرچه فرضیه علی‌بابا برای من قوی‌تر به نظر می‌رسد چون چین از نگرانی‌های رکود در بخش املاک خود فاصله می‌گیرد و به مسیر رشد باز می‌گردد، اما من اشتباه کردم که فکر کردم قیمت‌های بالای بازار ایالات متحده نمی‌توانند بیشتر افزایش یابند و من فکر می‌کردم که منفی‌گرایی نسبت به بازار چین به زودی تغییر خواهد کرد. اما اینطور نشد.

The economic perception in the United States worsened among the public, as shown by Trump's return to power. For example, we know that Berkshire Hathaway is covering its position by accumulating a huge amount of cash (about \$325 billion—this is the equivalent of 2/3 of Mexico's government budget for 2025!).

Although Buffett's cash position has made some nervous, the U.S. market has continued to grow, defying the expectations of many of us who thought that the unsustainable growth bubble should have burst years ago.

I'll use a simple metaphor to explain my mistake: it's like you gave me a ball to play in some beach tournaments, and when I saw the sky turn gray, I decided to run and hide with the ball in a cave, missing the chance to keep playing.

The hurricane hasn't arrived yet, and while the ball is safe, maybe with more courage we could have won two or three more balls in the tournaments before the storm hit.

In these two years, reality has shown me how much I still have to learn and how difficult is to develop true patience.

The world is changing at a speed I didn't anticipate, and I realize I'm not as wise as I'd like to be. Not as wise as Charlie Munger was, and certainly not as wise as Warren Buffett.

Therefore, I've had to repeat a lesson I already knew: to make better decisions, I need to be more realistic and distrust my own wisdom.

But specifically, regarding our adventure in China, what I've learned is that if we're going to make global activities, it's better to keep part of my attention on understanding the basic principles of geopolitics.

Buffett says it well: "I don't know anything about China, so I stick to U.S. businesses that I understand." Although we know he has recently ventured into Japanese businesses.

تصور اقتصادی در ایالات متحده در میان مردم بدتر شد، همانطور که بازگشت ترامپ به قدرت نشان می‌دهد. به عنوان مثال، می‌دانیم که برکشایر هاتاوی با انباشتن مقدار زیادی پول نقد (حدود ۳۲۵ میلیارد دلار—این معادل ۲/۳ از بودجه دولت مکزیک برای سال ۲۰۲۵ است) (موقعیت خود را پوشش می‌دهد).

اگرچه موقعیت پولی بافت برخی افراد را نگران کرده است، اما بازار ایالات متحده به رشد خود ادامه داده و پیش‌بینی‌های بسیاری از ما که فکر می‌کردیم حساب رشد ناپایدار باید سال‌ها پیش می‌ترکید، را نقض کرده است.

من از یک استعاره ساده برای توضیح اشتباه خود استفاده می‌کنم: انگار که یک توپ برای شرکت در مسابقات ساحلی به من داده‌اید و وقتی آسمان خاکستری شد، تصمیم گرفتم توپ را برداشته و در غاری پنهان شوم، و فرصت ادامه بازی را از دست دادم.

طوفان هنوز نرسیده است، و در حالی که توپ ایمن است شاید با کمی شجاعت بیشتر می‌توانستیم دو یا سه توپ دیگر در مسابقات قبل از رسیدن طوفان به دست بیاوریم.

در این دو سال، واقعیت به من نشان داد که چقدر هنوز باید یاد بگیرم و چقدر دشوار است که صبر واقعی را پرورش دهم.

دنیا با سرعتی در حال تغییر است که من پیش‌بینی نکرده بودم و متوجه شدم که به اندازه‌ای که دوست دارم، حکیم نیستم. نه به اندازه چارلی مانگر و قطعاً نه به اندازه وارن بافت.

بنابراین، مجبور شدم درسی که قبلاً می‌دانستم را دوباره یاد بگیرم: برای اتخاذ تصمیمات بهتر، باید واقع‌بین‌تر باشم و به حکمت خودم بی‌اعتماد باشم.

اما به طور خاص در رابطه با ماجراجویی‌مان در چین چیزی که یاد گرفته‌ام این است که اگر قرار است فعالیت‌های جهانی داشته باشیم، بهتر است قسمتی از توجه خود را به درک اصول اساسی ژئوپولیتیک معطوف کنیم.

بافت به خوبی می‌گوید: "من هیچ چیزی در مورد چین نمی‌دانم، پس به کسب‌وکارهای ایالات متحده‌ای که می‌فهمم پایبند می‌شوم." اگر چه می‌دانیم که او اخیراً به کسب‌وکارهای ژاپنی هم وارد شده است.

Bina and Mexico	بینا و مکزیک
<p>Just as I believe that China has an inherent weakness in its political system by denying the existence of the supernatural reality (which doesn't necessarily apply to the general public, who are mostly pantheistic), Mexico also has a major weakness, but it comes from a different source.</p>	<p>همانطور که من معتقدم چین در سیستم سیاسی خود ضعف ذاتی دارد به دلیل انکار واقعیت‌های ماورایی (که این لزوماً شامل عموم مردم نمی‌شود، زیرا بیشتر آنها پان‌تنیست هستند)، مکزیک هم ضعف بزرگی دارد، اما این ضعف از منبع متفاوتی می‌آید.</p>
<p>Although it's not impossible to overcome, in Mexico, the explanation of the supernatural is based on myth. In other words, Mexican culture love lies.</p>	<p>اگرچه غیرممکن نیست که بر این مشکل غلبه کرد، در مکزیک توضیح ماورایی بر اساس افسانه‌ها است. به عبارت دیگر، فرهنگ مکزیک دروغ‌ها را دوست دارد.</p>
<p>I know this opinion isn't popular with many Mexicans, who use different words to admit this. However, I have tested this hypothesis in many aspects of life in this country. My thesis is that Mexican culture has serious tendencies toward self-deception and denial of reality.</p>	<p>من می‌دانم که این نظر برای بسیاری از مکزیکی‌ها محبوب نیست، که با کلمات مختلفی این موضوع را می‌پذیرند. با این حال، من این فرضیه را در بسیاری از جنبه‌های زندگی در این کشور آزمایش کرده‌ام. نظریه من این است که فرهنگ مکزیک تمایلات جدی به خودفریبی و انکار واقعیت دارد.</p>
<p>Although this isn't unique to Mexico, the situation in Mexico is certainly Notable.</p>	<p>اگرچه این موضوع مختص مکزیک نیست، وضعیت در مکزیک قطعاً قابل توجه است.</p>
<p>In my view, Mexico's tendency to believe false ideas leads to corruption that spreads into almost every part of life in the country.</p>	<p>به نظر من، تمایل مکزیک به باور ایده‌های نادرست منجر به فساد می‌شود که تقریباً در هر بخش از زندگی کشور گسترش پیدا می‌کند.</p>
<p>From what I've seen, in a certain sense, the "favorite sport" of Mexicans is for those with more cunning to deceive and take advantage of others. In Mexico, the culture of sincerity is the exception, while the norm is deception.</p>	<p>"از آنچه که من دیده‌ام، به نوعی، "ورزش محبوب مکزیکی‌ها این است که کسانی که زرنگ‌تر هستند دیگران را فریب داده و از آنها سوءاستفاده کنند. در مکزیک فرهنگ صداقت استثنا است، در حالی که فریب دادن قاعده است.</p>
<p>I don't say this to justify my actions or omissions, but I will describe it as a perspective that helps explain the environment in which Mexicans live.</p>	<p>خود را توجیه omissions من این را نمی‌گویم تا اعمال یا کنم، اما این را به عنوان یک دیدگاه توصیف می‌کنم که به توضیح محیطی که مکزیکی‌ها در آن زندگی می‌کنند کمک می‌کند.</p>
<p>Today, we have 36 shareholders and a total of 4,253 shares in circulation at Bina. The last stock purchase happened in March 2023.</p>	<p>امروز، ما ۳۶ سهام‌دار داریم و در مجموع ۴,۲۵۳ سهام در گردش در بینا وجود دارد. آخرین خرید سهام در ماه مارس انجام شد ۲۰۲۳.</p>
<p>In Mexico, the securities market law states that private offerings can be made as long as the number of participants stays below one hundred. Therefore, those of us who respect and follow these rules are extremely careful in our actions and what we say both publicly and privately.</p>	<p>در مکزیک، قانون بازار اوراق بهادار اعلام می‌کند که پیشنهادات خصوصی می‌توانند انجام شوند به شرطی که تعداد شرکت‌کنندگان زیر صد نفر باقی بماند. بنابراین، ما که این قوانین را احترام می‌گذاریم و از آنها پیروی می‌کنیم، در اعمال و حرف‌های خود چه به طور عمومی و چه خصوصی، بسیار محتاط هستیم.</p>

<p>When we resumed Bina's operations after the pandemic, I chose Guadalajara for our restart. I thought that this city where I already lived for years, which has a larger community but mistakenly assuming it was more sophisticated than Durango, would be the ideal place to begin.</p> <p>I also believed that some of my friends from the Universidad Panamericana would warmly welcome the idea and support a good cause like Bina.</p> <p>For the initial round (friends and family), I decided to use my social networks, sending a message to each contact with our initial letter from 2020, the same one you all know well.</p> <p>The response from my acquaintances was minimal (some thought it was a virus or spam), and the number of people willing to listen quickly ran out.</p> <p>Obviously, I don't expect anyone to feel obligated to make Bina a priority, but many of the comments I received were that "they didn't have time."</p> <p>As I delved deeper into the financial culture of the country while presenting Bina, I discovered something more concerning: financial scams are common everywhere.</p> <p>Additionally, this is fueled by appearances and greed, which is destroying trust and understanding in the way business is conducted in Mexico.</p> <p>As I've moved forward, I've encountered all sorts of horror stories, from fraudulent schemes involving "famous startups," "sellers" of funds in tax havens, Ponzi schemes with "cryptocurrency trading," real estate scammers, loan sharks called "microfinance," up to pyramid schemes like the "flowers of abundance" based on the old "airplane game."</p> <p>What worried me the most was the following: It is practically impossible to have a conversation about an investment in something like Bina, even with people who have advanced business degrees or solid business experience.</p>	<p>وقتی که عملیات بینا را پس از پاندمی از سر گرفتیم، من گوادالاخارا را برای شروع دوباره انتخاب کردم. فکر می‌کردم این شهر که سال‌ها در آن زندگی کرده‌ام و جامعه بزرگتری دارد، و به اشتباه تصور می‌کردم از دورنگو پیشرفته‌تر است، مکان ایده‌آلی برای شروع خواهد بود.</p> <p>من همچنین معتقد بودم که برخی از دوستانم از دانشگاه پانامریکانا با گرمی این ایده را پذیرفته و از یک هدف خوب مثل بینا حمایت خواهند کرد.</p> <p>برای دور اول (دوستان و خانواده)، تصمیم گرفتم از شبکه‌های اجتماعی‌ام استفاده کنم و به هر یک از مخاطبانم پیامی ارسال کنم که شامل نامه ابتدایی ما از سال ۲۰۲۰ بود، همان نامه‌ای که همه شما به خوبی می‌شناسید.</p> <p>پاسخ از آشنایانم بسیار کم بود (برخی فکر می‌کردند که این یک ویروس یا اسپم است)، و تعداد افرادی که تمایل داشتند به سرعت برای شنیدن بیشتر از ما وقت بگذارند تمام شد.</p> <p>واضح است که من از کسی انتظار ندارم که احساس کند موظف است بینا را در اولویت قرار دهد، اما بسیاری از «نظراتی که دریافت کردم این بود که «آنها وقت ندارند».</p> <p>هرچه بیشتر به فرهنگ مالی کشور پرداختم و بینا را معرفی کردم، متوجه شدم که چیز نگران‌کننده‌تری وجود دارد. کلاهبرداری‌های مالی در همه جا رایج است.</p> <p>علاوه بر این، این موضوع توسط ظاهرها و طمع تقویت می‌شود که در حال از بین بردن اعتماد و درک صحیح از چگونگی انجام کسب‌وکار در مکزیک است.</p> <p>در مسیر پیشرفتم، با انواع داستان‌های وحشتناک مواجه استارت‌آپ‌های «involving شدم، از طرح‌های کلاهبرداری معروف»، «فروشندگان» «صندوق‌های مالی در بهشت‌های مالیاتی»، طرح‌های پونزی با «معاملات ارز دیجیتال کلاهبرداری‌های املاک، قرض‌دهندگان به نام «میکروفاینانس»، تا طرح‌های هرمی مانند «گل‌های فراوانی» که بر اساس بازی قدیمی «بازی هواپیما» بود.</p> <p>چیزی که بیشترین نگرانی را برایم داشت این بود: عملاً غیرممکن است که درباره سرمایه‌گذاری در چیزی مانند بینا صحبت کنیم، حتی با افرادی که مدرک‌های پیشرفته تجاری یا تجربه قوی در کسب‌وکار دارند.</p>
--	---

It's not that there's a lack of interest in intrinsic value. It's that many are convinced that a "friend of a friend" is offering something with "returns higher than 5% a month," and they end up putting their savings there, selling their cars, land, or houses to join an "opportunity" they believe is too good to miss.

This becomes a pandemic in the following way: When they end up being victims, which happens often, either their shame and fear of criticism stop them from talking about it openly, and they become closed off and secretive, or they rationalize their losses, thinking that being scammed is just a normal part of the world, which leads them to become perpetrators of others.

In the following link (in Spanish), I explain how these fraudulent schemes work, which are a serious financial epidemic in Mexico and operate with total impunity:

<https://guillermoestmon.substack.com/p/fraud-e-financiero-descubriendo-los>

So, very intelligent people from any social class refuse to listen because their understanding is clouded by greed, and simple ideas like Bina's don't get the slightest attention.

Let me give you an example that reflects this situation.

It all started when I met a friend of one of our shareholders at a party in Guadalajara.

This man, despite having a good education from one of Mexico's top private universities, was openly promoting a Ponzi scheme related to cryptocurrencies. He claimed that the money was being put into "investments like Bitcoin."

Honestly, it's easy for almost anyone to be more persuasive and charismatic than I am. On social media, this man constantly spoke about the "benefits" of this company in Guadalajara. He described his partner as a "genius" who drove sports cars and had designed a "computer trading system" that promised profits through Bitcoin. Thanks to this "genius," he was able to "return profits" to his victims.

این مشکل به این دلیل نیست که علاقه‌ای به ارزش ذاتی وجود ندارد. مشکل این است که بسیاری از مردم متقاعد شده‌اند که یک «دوست دوست» چیزی را ارائه می‌دهد که بازدهی بالاتر از ۵٪ در ماه دارد و آنها پس‌انداز خود را آنجا می‌گذارند، خودروها، زمین‌ها یا خانه‌های خود را می‌فروشند تا به یک «فرصت» بپیوندند که فکر می‌کنند از دست دادن آن غیرممکن است.

این موضوع به شکلی همه‌گیر می‌شود: وقتی که آنها در نهایت قربانی می‌شوند، که این اتفاق اغلب می‌افتد، یا شرم و ترس از انتقاد مانع از صحبت کردن آزادانه در این باره می‌شود و آنها بسته و مخفی می‌شوند، یا ضررهای خود را توجیه می‌کنند و فکر می‌کنند که کلاهبرداری بخش طبیعی از دنیا است که آنها را به مجرمان دیگری تبدیل می‌کند.

در لینک زیر (به زبان اسپانیایی) توضیح می‌دهم که این طرح‌های کلاهبرداری چگونه کار می‌کنند، که یک اپیدمی جدی مالی در مکزیک هستند و با بی‌پاسخ بودن کامل عمل می‌کنند:

<https://guillermoestmon.substack.com/p/fraud-e-financiero-descubriendo-los>

پس افراد بسیار باهوش از هر طبقه اجتماعی از گوش دادن خودداری می‌کنند، زیرا درک آنها تحت تأثیر طمع قرار می‌گیرد و ایده‌های ساده‌ای مانند ایده‌های بینا هیچ توجهی نمی‌گیرند.

اجازه دهید مثالی بزنم که این وضعیت را بازتاب دهد.

همه چیز زمانی شروع شد که در یک مهمانی در گوآدالاخارا با دوستی از یکی از سهامدارانمان آشنا شدم.

این مرد، علیرغم داشتن تحصیلات خوب از یکی از دانشگاه‌های معتبر خصوصی مکزیک، به طور علنی یک طرح پونزی مربوط به ارزهای دیجیتال را تبلیغ می‌کرد. او ادعا می‌کرد که پول در «سرمایه‌گذاری‌هایی مانند بیت‌کوین» گذاشته می‌شود.

صادقانه بگویم، تقریباً برای هر کسی راحت است که از من، قانع‌کننده‌تر و کاریز ماتیک‌تر باشد. در شبکه‌های اجتماعی این مرد مدام از «مزایای» این شرکت در گوآدالاخارا «صحبت می‌کرد. او شریک خود را به عنوان یک «نابغه توصیف می‌کرد که خودروهای اسپرت می‌راند و «سیستم تجارت کامپیوتری» طراحی کرده بود که وعده سود از طریق بیت‌کوین می‌داد. به لطف این «نابغه»، او قادر بود سود را به قربانیان خود بازگرداند».

My friend, our fellow shareholder, had conversations with him, but he answered that he was fully aware of what he was doing. I disconnected from his social media, so I don't know what he's doing now. However, I did learn that his company collapsed a while ago, and, naturally, nobody did anything about it. I'm believe that this person, unless he changes his mind, will try again doing this somewhere else with a different scheme.

These ugly games were so common in Guadalajara that perhaps, if I had never started Bina and had stayed in a regular office job, I myself might have fallen, again and again, into the countless scams designed to trap the naive.

But because I used to talk about Bina in conversations, it didn't take long—just a few months—for me to realize that this issue was practically a pandemic in Guadalajara and touched nearly every aspect of daily life there.

Any slight attempt to talk about Bina was drowned out by an endless list of fraudsters. As I mentioned, the possibilities for scams were endless: from fake insurance agents to low-quality investment funds, fake startup entrepreneurs, loan sharks, influence peddlers, Mexican retirement fund agents, drug-money launderers, sellers of fake multi-level marketing, fake-invoice vendors, and various types of financial opportunists.

You name it, they were all trying to set up meetings to make easy money off hard-working people who would give them time and attention in good faith.

The problem only grows worse if we expand our view to include exploitative labor schemes, fake experts in the so-called “alternative medicine”, trainers, and not to mention astrologers and fake religious teachers.

Ordinary people in this city, despite its large population, seem to both love being deceived and yet are also fed up with the flood of false information. So, a general atmosphere of chaos and distrust prevails.

دوست من، همسهامیم، با او گفتگوهایی داشت، اما او جواب داد که کاملاً از کاری که انجام می‌دهد آگاه است. من از شبکه‌های اجتماعی او قطع ارتباط کردم، بنابراین نمی‌دانم الان چه می‌کند. با این حال، من متوجه شدم که شرکت او مدتی پیش ورشکست شد و به طور طبیعی هیچ‌کس اقدامی در این زمینه نکرد. من معتقدم که این فرد، مگر اینکه نظرش را تغییر دهد، دوباره سعی خواهد کرد تا این کار را در جای دیگری با یک طرح متفاوت انجام دهد.

این بازی‌های زشت در گوادالاخارا آن قدر رایج بودند که شاید اگر من هیچ‌گاه بینا را شروع نکرده بودم و در یک شغل اداری معمولی می‌ماندم، خودم ممکن بود دوباره و دوباره در دام کلاهبرداری‌های بی‌شماری که برای به دام انداختن افراد ساده‌دل طراحی شده‌اند، گرفتار شوم.

اما چون من درباره بینا در گفتگوها صحبت می‌کردم، خیلی طول نکشید—فقط چند ماه—تا متوجه شوم که این مشکل تقریباً یک اپیدمی در گوادالاخارا است و تقریباً تمام جنبه‌های زندگی روزمره در آنجا را تحت تأثیر قرار داده است.

هر تلاش کوچکی برای صحبت درباره بینا توسط لیست بی‌پایانی از کلاهبرداران محو می‌شد. همان‌طور که گفتم امکانات کلاهبرداری‌ها بی‌پایان بودند: از دلالان بیمه جعلی گرفته تا صندوق‌های سرمایه‌گذاری بی‌کیفیت، کار آفرینان جعلی استارت‌آپ، دلالان وام، معامله‌گران نفوذ، نمایندگان صندوق بازنشستگی مکزیکی، پول‌شویی مواد مخدر، فروشندگان بازاریابی چندسطحی جعلی، فروشندگان فاکتور جعلی، و انواع مختلف فرصت‌طلبان مالی.

اسمش را بگذارید، همه آنها سعی می‌کردند ملاقات‌هایی ترتیب دهند تا از مردم زحمت‌کش که با حسن نیت به آنها زمان و توجه می‌دادند، پول آسان به دست آورند.

مشکل حتی بدتر می‌شود اگر دیدگاه خود را گسترش دهیم تا طرح‌های استثماری گرایانه کاری، متخصصان جعلی در آنچه که «بزشکی جایگزین» نامیده می‌شود، مربیان، و نگویم که از ستارشناسان و معلمان دینی جعلی صحبت کنیم.

مردم عادی این شهر، علی‌رغم جمعیت زیادش، به نظر می‌رسد هم دوست دارند فریب بخورند و هم از سیلاب اطلاعات نادرست خسته شده‌اند. بنابراین، یک جو کلی از هرج و مرج و بی‌اعتمادی حاکم است.

<p>It's as if everyone is on guard, worried that someone will contact them just to find a way to deceive them.</p> <p>When I spoke about Bina with some of them, they often implicitly asked me, "Where's the catch?" Some people even got irritated because they were so used to meet only to deceive one another.</p> <p>My lack of sales skills and this culture of distrust led me to conclude that Guadalajara was not the right place for me or for Bina. So, in October 2021, I decided to return to Durango to continue our operations from there.</p> <p>The harsh truth is that these practices aren't unique to Guadalajara. They happen all over the country, unchecked. It seems that the national pastime in Mexican culture is lying.</p> <p>You can see it if you spend just a few weeks immersing yourself in Mexican culture.</p> <p>Here, liars are admired for being "clever," fraudsters are excused for being "bold," traitors are praised for what is actually cowardice, and wrongdoers are defended through an imaginary attachment that the victims themselves create. It's complete madness.</p> <p>The situation in Durango isn't much better. Here, the entrepreneurial culture has similar problems, especially when it comes to financing from questionable sources.</p> <p>The economy heavily depends on public money. Although there are some families involved in business, creativity and technology are limited, and true leadership is rare.</p> <p>Places like Durango, unfortunately, are fertile ground for scammers, as ignorance, fanaticism, and opportunism are widespread.</p> <p>Between 2021 and 2023, nearly everyone I spoke with in Durango about Bina seemed to know a "better place to invest". For example, there was a sports-betting-algorithm that claimed to offer astronomical monthly returns.</p>	<p>گویی همه در حالت آمادگی هستند، نگران این که کسی به آنها تماس بگیرد فقط برای پیدا کردن راهی برای فریب دادنشان.</p> <p>وقتی درباره بینا با برخی از آنها صحبت کردم، اغلب به طور ضمنی از من می پرسیدند: «حقه اش کجاست؟» برخی حتی عصبی شدند چون آنها عادت کرده بودند که فقط برای فریب دادن یکدیگر ملاقات کنند.</p> <p>عدم توانایی من در فروش و این فرهنگ بی اعتمادی باعث شد تا به این نتیجه برسم که گوادالاخارا جای مناسبی نه برای من و نه برای بینا است. بنابراین، در اکتبر 2021 تصمیم گرفتم به دورنگو برگردم و عملیات مان را از آنجا ادامه دهم.</p> <p>حقیقت تلخ این است که این رفتارها مختص گوادالاخارا نیست. در سراسر کشور، بدون نظارت، اتفاق می افتند. به نظر می رسد که سرگرمی ملی در فرهنگ مکزیکی دروغ گفتن است.</p> <p>اگر فقط چند هفته در فرهنگ مکزیکی غوطه ور شوید، این را می بینید.</p> <p>در اینجا، دروغ گویان به دلیل «زیرکی» خود تحسین می شوند، کلاهبرداران به دلیل «جسارت» خود بخشیده می شوند، خیانتکاران به خاطر چیزی که در واقع ترس است، ستایش می شوند و خلافکاران از طریق وابستگی خیالی که خود قربانیان ایجاد می کنند، دفاع می شوند. این یک دیوانگی کامل است.</p> <p>وضعیت در دورنگو خیلی بهتر نیست. در اینجا، فرهنگ کار آفرینی مشکلات مشابهی دارد، به ویژه وقتی صحبت از تأمین مالی از منابع مشکوک است.</p> <p>اقتصاد به شدت به پول دولتی وابسته است. هر چند که برخی خانواده ها در کسب و کار دخالت دارند، خلاقیت و فناوری محدود است و رهبری واقعی نادر است.</p> <p>جای هایی مانند دورنگو، متأسفانه، زمین حاصل خیزی برای کلاهبرداران هستند، زیرا جهل، تعصب و فرصت طلبی در آنجا رواج دارد.</p> <p>بین سال های 2021 و 2023، تقریباً هر کسی که با او در دورنگو درباره بینا صحبت کردم، به نظر می رسید که یک جای بهتر برای سرمایه گذاری «می شناسد. برای مثال، یک» الگوریتم شرط بندی ورزشی بود که ادعا می کرد بازده ماهانه نجومی ارائه می دهد.</p>
--	--

<p>Worse still, these so-called entrepreneurs seemed to have quick access to political figures, posing in local newspapers with them and even buying local sports teams. They presented themselves as “investors” and claimed they were bringing economic development because they supposedly wanted the best for Durango.</p> <p>When I tried to warn people that they were being scammed, they wouldn’t listen. Instead, some even called me naive for not “taking advantage” of such an opportunity, and others went as far as to distance themselves from me.</p> <p>In public places, like cafes, you can overhear conversations about people involved in things like fuel theft, influence-peddling, and organized crime.</p> <p>It’s common for strange characters to approach you, trying to figure out what you do and testing if you might be a target for their scams.</p> <p>A few years ago, I attended a local Christian church in Durango, and I witnessed how social relationships were destroyed when a man infiltrated the congregation to scam several members there.</p> <p>This person took advantage of the good faith and pure intentions which are common in these environments, using a Ponzi scheme linked to cryptocurrencies. He broke the hearts of many and did irreversible damage to the trust within that community.</p> <p>I arrived there several months after the disaster, and it took me a while to realize how deeply this damage had affected the culture there, since no one ever spoke to me about it openly.</p> <p>You can imagine that when some members of that group learned about what I did with Bina, I found out that their personal assumptions were extremely closed-minded, and no explanation I could give was enough to change that.</p>	<p>بدتر از همه، این چه به اصطلاح کارآفرینان گفته می‌شد، به نظر می‌رسید که دسترسی سریعی به شخصیت‌های سیاسی دارند، و در روزنامه‌های محلی با آنها عکس می‌گرفتند و حتی تیم‌های ورزشی محلی را خریداری می‌کردند. آنها خود را به عنوان «سرمایه‌گذار» معرفی می‌کردند و ادعا می‌کردند که در حال آوردن توسعه اقتصادی هستند چون به‌طور فرضی می‌خواستند بهترین‌ها را برای دورنگو بیاورند.</p> <p>وقتی سعی کردم به مردم هشدار بدهم که در حال فریب خوردن هستند، آنها گوش نمی‌دادند. در عوض، برخی حتی من را سادملوح می‌نامیدند که چرا «از چنین فرصتی استفاده نکردم»، و دیگران حتی به خودشان فاصله می‌دادند.</p> <p>در مکان‌های عمومی، مثل کافه‌ها، می‌توان گفتگوهایی را شنید که مردم درگیر کارهایی مثل دزدی سوخت و واسطه‌گری نفوذ، و جرم سازمان‌یافته هستند.</p> <p>این کاملاً معمول است که افراد عجیب به شما نزدیک شوند، سعی کنند بفهمند شما چه کار می‌کنید و آزمایش کنند که آیا ممکن است هدفی برای کلاهبرداری‌های آنها باشید یا نه.</p> <p>چند سال پیش، من در یک کلیسای محلی در دورنگو شرکت کردم و شاهد بودم که چگونه روابط اجتماعی خراب شد زمانی که یک مرد به داخل جماعت نفوذ کرد تا چندین عضو آنجا را فریب دهد.</p> <p>این فرد از حسن‌نیت و نیت‌های پاک که در این محیط‌ها رایج است سوءاستفاده کرد و از یک طرح پانزی مرتبط با ارزهای دیجیتال استفاده کرد. او دل بسیاری را شکست و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اعتماد در آن جامعه وارد کرد.</p> <p>من چند ماه بعد از فاجعه به آنجا رسیدم و مدتی طول کشید تا متوجه شوم که این آسیب‌ها چقدر عمیقاً فرهنگ آنجا را تحت تأثیر قرار داده است، چون هیچ‌کس هرگز به‌طور صریح درباره آن با من صحبت نکرد.</p> <p>شما می‌توانید تصور کنید که وقتی برخی از اعضای آن گروه از آنچه که من با بینا انجام می‌دادم باخبر شدند، متوجه شدم که فرضیات شخصی‌شان به‌طرزی بسته و محدود است و هیچ توضیحی که من بدهم کافی نبود تا آن را تغییر دهم.</p>
--	---

It's worth clarifying that not everyone was affected by this man. God protected many as well. I believe that some members of that community still don't know this happened, but distrust has been planted there, and I believe it continues to affect personal relationships.

I didn't search for this information; it was by the work of the Holy Spirit. I learned about this situation many months later while attending another local church. During a Lord's Supper—a moment of communion with bread and wine—this information was shared in by some who had witnessed it. Everything we do comes to light sooner or later.

Even though I deeply love and appreciate these people and they hold a special place in my heart, I couldn't understand why it was almost impossible for me to establish meaningful relationships there.

This situation taught me a great lesson. God has helped me, either through His miraculous providence or by giving me enough wisdom to recognize these situations and avoid the majority of these traps in time.

Personally, I think it's better to go to Zacchaeus's camp. We all make mistakes and struggle with selfishness, and after all, God didn't come to call those who think they are righteous, but those who know they are wrong and need to change.

The grace of God is sovereign and sublime. He is not like humans, and His extended forgiveness covers many sins. It is available to all who repent. In other words, we are all Zacchaeus and need Christ's forgiveness to experience true life.

My conclusion is that maybe the scammer thought he was smarter than everyone else, and in his selfishness, he cared more about greed and his ego than the terrible consequences his antisocial behavior caused others.

As for my own injustices, I come from a family where the name Daniel is common. So, if the name "Daniel" runs in my blood, I prefer to rest in the belief that God is my Judge, and He is a better administrator of justice than I am.

شایسته است که روشن کنم که همه تحت تأثیر این مرد قرار نرفتند. خداوند بسیاری را محافظت کرد. من معتقدم که بعضی از اعضای آن جامعه هنوز نمی‌دانند که این اتفاق افتاده است، اما بی‌اعتمادی در آنجا کاشته شده است و من معتقدم که همچنان بر روابط شخصی تأثیر می‌گذارد.

من به دنبال این اطلاعات نرفتم؛ این از طریق کار روح‌القدس بود. من این وضعیت را چندین ماه بعد در حالی که در یک کلیسای محلی دیگر حضور داشتم، فهمیدم. در طول مراسم عشاء ربانی—لحظه‌ای از همبستگی با نان و شراب—این اطلاعات توسط کسانی که شاهد آن بودند به اشتراک گذاشته شد. هر چیزی که انجام می‌دهیم دیر یا زود آشکار می‌شود.

گرچه من به شدت این مردم را دوست دارم و آنها جایگاه ویژه‌ای در قلب من دارند، اما نمی‌توانستم درک کنم چرا تقریباً غیرممکن بود که در آنجا روابط معناداری برقرار کنم.

این وضعیت درس بزرگی به من آموخت. خداوند به من کمک کرده است، چه از طریق تدبیر معجزه‌آسا یا با دادن حکمت کافی برای شناسایی این وضعیت‌ها و اجتناب از بیشتر این تله‌ها در زمان مناسب.

شخصاً فکر می‌کنم بهتر است به اردوگاه زکائوس بروم. ما همه اشتباه می‌کنیم و با خودخواهی مبارزه می‌کنیم، و در نهایت، خدا نیامده است تا کسانی را که فکر می‌کنند درست هستند صدا بزند، بلکه کسانی را که می‌دانند اشتباه کرده‌اند و نیاز به تغییر دارند.

فیض خداوند سلطنتی و والا است. او مانند انسان‌ها نیست و بخشش گسترده‌اش بسیاری از گناهان را می‌پوشاند. این بخشش برای همه کسانی که توبه کنند در دسترس است. به عبارت دیگر، ما همه زکائوس هستیم و نیاز به بخشش مسیح داریم تا زندگی واقعی را تجربه کنیم.

نتیجه‌گیری من این است که شاید کلاهبردار فکر می‌کرد که از همه دیگران باهوش‌تر است، و در خودخواهی‌اش بیشتر از طمع و نفس خود مراقبت می‌کرد تا عواقب وحشتناکی که رفتار ضد اجتماعی‌اش برای دیگران به بار آورد.

در مورد بی‌عدالتی‌های خودم، من از خانواده‌ای می‌آیم که نام دانیال در آن رایج است. بنابراین، اگر نام «دانیال» در خون من جاری است، ترجیح می‌دهم در این باور استراحت کنم که خداوند قاضی من است و او بهتر از من عدالت را مدیریت می‌کند.

<p>Therefore, I simply try not to judge people, but rather the seriousness of the situation in Mexican culture, where corruption has become normalized to extreme levels.</p>	<p>بنابراین، من فقط سعی می‌کنم که مردم را قضاوت نکنم، بلکه جدیت وضعیت را در فرهنگ مکزیکی ارزیابی کنم جایی که فساد به سطحی از نرمال‌سازی رسیده است که به شدت زیاد است</p>
<p>I believe God has the solution, because He has forgiven all of us. I am certain that any conman, like Zacchaeus, can come to reconciliation, forgiveness, grace, and restoration if he genuinely repents.</p>	<p>من باور دارم که خداوند راه حل را دارد، چون او همه ما را بخشیده است. من اطمینان دارم که هر کلاهبردار، مانند زکائوس، می‌تواند به آشتی، بخشش، فیض و بازسازی برسد اگر واقعاً توبه کند</p>
<p>However, the mark left by the scammer on the trust of that small community was so deep that even as time passed, I saw that any possibility of doing business with them no longer existed—or was only available to very closed groups that have known each other for many years.</p>	<p>با این حال، اثر کلاهبردار بر اعتماد آن جامعه کوچک آنقدر عمیق بود که حتی با گذشت زمان، دیدم که هیچ امکانی برای انجام کسب‌وکار با آنها وجود نداشت—یا فقط در اختیار گروه‌های بسیار بسته‌ای قرار داشت که سال‌ها یکدیگر را می‌شناختند</p>
<p>This situation is not isolated; it's just one of the many stories I hear daily about how scams are common in Mexico. Just as it's inevitable to find wisdom if you stay away from evil, it's also inevitable to fall for a scam in a culture where deceit is common.</p>	<p>این وضعیت منحصر به فرد نیست؛ این فقط یکی از بسیاری از داستان‌هایی است که من هر روز می‌شنوم درباره اینکه چگونه کلاهبرداری‌ها در مکزیکی رایج است. همان‌طور که اجتناب از شر، حکمت به دنبال دارد، همچنین اجتناب از کلاهبرداری در فرهنگی که فریب در آن رایج است غیرممکن است</p>
<p>Every year, hundreds of thousands of people fall into similar schemes, and it all continues with complete impunity. Some scams are even legal, like the case of the Mexican retirement system.</p>	<p>هر سال، صدها هزار نفر در طرح‌های مشابهی گرفتار می‌شوند، و همه اینها با کامل‌ترین بی‌محاکمه ادامه می‌یابد بعضی از کلاهبرداری‌ها حتی قانونی هستند، مثل مورد سیستم بازنشستگی مکزیکی</p>
<p>I'm not saying that all Mexicans engage in deceit and fraud in money relationships. I'm simply saying that it's widely normalized, and the loss of values like honesty, integrity, and justice might help explain why Mexico has not managed to overcome its economic stagnation.</p>	<p>من نمی‌گویم که همه مکزیکی‌ها در روابط مالی فریب می‌دهند و تقلب می‌کنند. من فقط می‌گویم که این موضوع به طور گسترده‌ای نرمال‌سازی شده است، و از دست دادن ارزش‌هایی مانند صداقت، یکپارچگی و عدالت ممکن است کمک کند تا توضیح دهد چرا مکزیکی نتوانسته است از رکود اقتصادی خود عبور کند</p>
<p>Those who deceive others think they're smart, but in reality, their "cleverness" is just an abuse of others' trust for their own gain.</p>	<p>کسانی که دیگران را فریب می‌دهند فکر می‌کنند که باهوش هستند، اما در واقع "هوش" آنها فقط سوءاستفاده از اعتماد دیگران برای منافع شخصی‌شان است</p>
<p>In the past two years, it's been especially challenging to explain what Bina does, especially after the decision to focus capital on Alibaba.</p>	<p>در دو سال گذشته، به ویژه توضیح دادن اینکه بینه چه کار می‌کند، چالش‌برانگیز بوده است، مخصوصاً پس از تصمیم به تمرکز سرمایه بر روی علی‌بابا</p>
<p>I'm not naive, either. Bina's current size is worth no more than an average used car. Mexicans would love it if you showed up in a Ferrari so they could convince themselves you know what you're doing in the finance world. I've been asked, "If you know so much about business and finance, why aren't you rich at forty?"</p>	<p>من هم ساده‌لوح نیستم. اندازه فعلی بینه بیشتر از یک ماشین دست‌دوم متوسط ارزش ندارد. مکزیکی‌ها دوست دارند اگر شما با یک فراری ظاهر شوید تا بتوانند به خودشان باور کنند که شما در دنیای مالی می‌دانید چه کار می‌کنید. از من پرسیده شده است: "اگر تو اینقدر در کسب‌وکار و مالی اطلاعات داری، چرا در چهل سالگی پولدار نیستی؟"</p>

They have a point; I don't blame them. I'm also aware that my 2009 Sedan doesn't project the image of austerity that I would like to in the minds of Mexicans. So, I understand why fewer people are willing to listen, and I don't hold it against those who have stood me up.

I don't see myself as a saint. I rationalize it this way: I'd rather live with little, being honest, and sleep peacefully than be drawn into the illusions of dishonesty. I believe that if you turn to a dishonest life, you'll never find peace in your conscience.

Some, even though they listen, don't understand what Bina does because their way of seeing the world, business, and generating wealth is completely different from what we do here.

There's also a large category of people who are smarter than me and simply don't have time to pay attention to something like Bina when they could build something bigger or better.

I also recognize that I've lacked patience in this process. Even though I dislike it, it's logical that Mexicans compare Bina to what their favorite scammer does. Perhaps what I see as unfair hints, might be demonstrations that there's some pride on my side, and that if I were humbler, I might connect better with people and their concerns about what Bina does.

And although I recognize these flaws, I want to make it clear that I have never stopped looking for ways to solve this block in the road and find new shareholders who can help increase Bina's value. However, I have decided to use more indirect methods, which I will explain later.

Several friends have pointed out two important things about Bina: "No one will take you seriously until you make them money" and "You don't have a track record proving you know what you're doing."

Both statements are true in the sense that none of Bina's partners are recommending the project to others. I believe this will happen until they see that its value turns into tangible wealth, at least in the book value of their shares.

آنها حق دارند؛ من آنها را سرزنش نمی‌کنم. من همچنین آگاه هستم که خودروی سدان ۲۰۰۹ من تصویری از سادگی که می‌خواهم در ذهن مکزیک‌ها ایجاد کنم، نشان نمی‌دهد. بنابراین، می‌فهمم چرا افراد کمتری حاضرند به من گوش دهند و از کسانی که من را نادیده گرفته‌اند، دلگیر نیستم.

من خودم را یک قدیس نمی‌بینم. من اینطور آن را توجیه می‌کنم: ترجیح می‌دهم با کمترین چیزها زندگی کنم، صادق باشم و با آرامش بخوابم تا اینکه در توهمات نادرستی غرق، و بی‌بلاوری dishonest شوم. من معتقدم که اگر به زندگی هرگز در ضمیر خود آرامش نخواهی یافت.

برخی، حتی اگر گوش می‌دهند، نمی‌فهمند بینه چه کار می‌کند زیرا دیدگاه آنها نسبت به دنیا، کسب‌وکار و ایجاد ثروت کاملاً متفاوت از آن چیزی است که ما اینجا انجام می‌دهیم.

همچنین گروه بزرگی از افرادی هستند که از من هوشمندترند و به سادگی وقت ندارند به چیزی مثل بینه توجه کنند، وقتی که می‌توانند چیزی بزرگتر یا بهتر بسازند.

من همچنین می‌پذیرم که در این فرآیند صبر کافی نداشته‌ام. حتی اگر از آن خوشم نیاید، منطقی است که مکزیک‌ها بینه را با کاری که کلاهبردار مورد علاقه‌شان انجام می‌دهد مقایسه کنند. شاید آنچه من به عنوان اشاره‌های ناعادلانه می‌بینم، نشان‌دهنده این باشد که کمی غرور از طرف من وجود دارد، و اگر فروتن‌تر بودم، شاید می‌توانستم ارتباط بهتری با مردم برقرار کنم و نگرانی‌های آنها درباره بینه را درک کنم.

و اگرچه این عیوب را می‌شناسم، می‌خواهم روشن کنم که هرگز از جستجو برای یافتن راه‌هایی برای حل این مانع در مسیر و پیدا کردن سهامداران جدید که می‌توانند به افزایش ارزش بینه کمک کنند، دست نکشیده‌ام. اما تصمیم گرفته‌ام از روش‌های غیرمستقیم‌تری استفاده کنم که بعدها آنها را توضیح خواهم داد.

چندین دوست به دو نکته مهم درباره بینه اشاره کرده‌اند: «هیچ‌کس تو را جدی نخواهد گرفت تا زمانی که پولی برای آنها بسازی» و «تو سوابقی نداری که ثابت کند می‌دانی چه می‌کنی».

هر دو جمله درست هستند به این معنا که هیچ‌یک از شرکای بینه پروژه را به دیگران توصیه نمی‌کنند. من معتقدم این اتفاق خواهد افتاد تا زمانی که آنها ببینند ارزش آن به ثروت ملموس تبدیل می‌شود، حداقل در ارزش کتابی سهام آنها.

As I told you when they joined, many of you followed my advice not to invest large amounts of money to avoid suffering from the ups and downs of the stock price.

Also, many of you may not see a real impact on your wealth when a share that you acquired that might have cost you \$200 dollars goes up to \$3000 in a year, as it did in 2024, because your investment just doesn't have enough zeros on the right side.

If you ask me about the saying, "What are you aiming for when you dream, Mexican?" my dream would be for Bina to be a public company, traded on the stock market, where every Mexican could own at least one share of Bina. This would benefit society by raising awareness of intrinsic value in a practical way, as I have seen in some of you when we talk about this topic.

But to be realistic here, as long as Bina continues to operate under its current model, I believe it won't fit into the Mexican market.

As a minimum viable product, while it is designed to work universally, what I mean is that the needs of the Mexican market are very different from what Bina offers, and realistically, it would be naive to think that the conditions of corruption in the Mexican business environment will change in the medium term.

Therefore, my conclusion is that Bina will need to use prudence, wisdom, and flexibility to adapt to reality.

Increasing our understanding

Enough about the natural. Now, let's talk about the supernatural.

In June 2023, I completed an article titled "Valgoritmo to distinguish information quality". This article is the result of an idea I started developing in 2013 when I first conceptualized Bina, but it follows Google's foundational white paper.

همانطور که به شما گفتم وقتی به تیم پیوستند، بسیاری از شما به توصیه من عمل کردید که مبالغ زیادی پول سرمایه‌گذاری نکنید تا از نوسانات قیمت سهام جلوگیری کنید.

همچنین، بسیاری از شما ممکن است تاثیر واقعی بر ثروت خود نداشته باشید وقتی که سهامی که خریداری کرده‌اید و ممکن است برای شما ۲۰۰ دلار هزینه داشته باشد، در یک سال به ۳۰۰۰ دلار برسد، همانطور که در سال ۲۰۲۴ اتفاق افتاد، چون سرمایه‌گذاری شما به اندازه کافی صفر در سمت راست ندارد.

اگر از من درباره جمله "وقتی رویای خود را می‌بینی، مکزیک، هدف تو چیست؟" بپرسید، رویای من این است که بینه یک شرکت عمومی باشد که در بازار بورس معامله می‌شود، جایی که هر مکزیک بتواند حداقل یک سهم از بینه داشته باشد. این امر می‌تواند به نفع جامعه باشد و آگاهی از ارزش درونی را به روشی عملی افزایش دهد، همانطور که در برخی از شما دیده‌ام وقتی درباره این موضوع صحبت می‌کنیم.

اما برای واقع‌بین بودن، تا زمانی که بینه تحت مدل فعلی خود عمل کند، من معتقدم که بینه نمی‌تواند در بازار مکزیک جا بیفتد.

به عنوان یک محصول حداقلی قابل قبول، در حالی که برای کارکرد جهانی طراحی شده است، منظور من این است که نیازهای بازار مکزیک بسیار متفاوت از آنچه بینه ارائه می‌دهد است و واقع‌بینانه است که فکر کنیم شرایط فساد در محیط کسب‌وکار مکزیک در میان‌مدت تغییر نخواهد کرد.

بنابراین، نتیجه‌گیری من این است که بینه نیاز دارد از دقت، حکمت و انعطاف‌پذیری برای انطباق با واقعیت استفاده کند.

افزایش درک ما

کافی است درباره طبیعی صحبت کردیم. حالا بیایید درباره مافوق طبیعی صحبت کنیم.

در ژوئن ۲۰۲۳، من مقاله‌ای با عنوان "والگوریتم برای تمایز کیفیت اطلاعات" نوشتم. این مقاله نتیجه ایده‌ای است که من در سال ۲۰۱۳ شروع به توسعه آن کردم، زمانی که بینه را برای اولین بار مفهومی کردم، اما این مقاله از مقاله سفید بنیادی گوگل پیروی می‌کند.

<p>The document outlines the design and creation of an algorithm that evaluates the relative importance and objective quality of businesses, based on quantitative values from their financial statements.</p> <p>It's a simple idea but, at the same time, extraordinarily powerful.</p> <p>In fact, I believe this is one of the most revolutionary ideas in business history because it has the potential to change key aspects of how work operates in our reality.</p> <p>Sincerely, I am firmly convinced that the Holy Spirit inspired this, and all I did was pay attention to His guidance.</p> <p>I don't view it as if what I do defines my identity, but if I ever wanted to understand my purpose in this world, I believe this idea is part of the answer.</p> <p>The results of this algorithm, when I applied it in July 2023 to over 58,000 public companies worldwide across every industry, are available here: https://bina.mx/inicio/global-map-of-intrinsic-value/. Since intrinsic value tends to remain, the result could be valid for several years.</p> <p>The product is designed as universal as it can be, so anyone, anywhere, can access, understand, and use it according to their needs.</p> <p>The idea is as solid as it can be, and while there are academic studies and rating agencies, I don't believe there is anything quite as accessible or comparable. This is because I didn't follow the usual and common principles or paradigms used to build their algorithms.</p> <p>While there might be something slightly similar, I am sure nothing else is available as freely or as intuitively as this product.</p> <p>Sometimes I like to think that Ben Graham and Philip Fisher would be proud to see that one of their students, a genuine admirer of their ideas, took the time to develop something like this, following their teachings.</p>	<p>این سند طراحی و ساخت الگوریتمی را که اهمیت نسبی و کیفیت عینی کسب‌وکارها را بر اساس مقادیر کمی از صورت‌های مالی آنها ارزیابی می‌کند، توضیح می‌دهد.</p> <p>این ایده ساده است، اما در عین حال، فوق‌العاده قدرتمند است.</p> <p>در واقع، من معتقدم که این یکی از انقلابی‌ترین ایده‌ها در تاریخ کسب‌وکار است، زیرا این پتانسیل را دارد که جنبه‌های کلیدی از نحوه عملکرد کار در واقعیت ما را تغییر دهد.</p> <p>صادقانه بگویم، من کاملاً متقاعد شده‌ام که روح‌القدس این ایده را الهام کرد و تمام کاری که من انجام دادم این بود که به راهنمایی او توجه کنم.</p> <p>من این را به این صورت نمی‌بینم که آنچه من انجام می‌دهم هویت من را تعریف کند، اما اگر بخواهم هدفم را در این دنیا درک کنم، معتقدم این ایده بخشی از پاسخ است.</p> <p>نتایج این الگوریتم، زمانی که در ژوئیه ۲۰۲۳ آن را روی بیش از ۵۸,۰۰۰ شرکت عمومی در سراسر جهان در تمام صنایع اعمال کردم، در اینجا در دسترس است: https://bina.mx/inicio/global-map-of-intrinsic-value/، از آنجا که ارزش ذاتی تمایل به باقی ماندن دارد. نتیجه ممکن است برای چندین سال معتبر باشد.</p> <p>این محصول به گونه‌ای طراحی شده است که هر چقدر ممکن باشد، جهانی باشد، بنابراین هر کسی در هر جایی می‌تواند به آن دسترسی پیدا کرده، آن را درک کند و با توجه به نیازهای خود از آن استفاده کند.</p> <p>ایده تا حد امکان محکم است و در حالی که مطالعات علمی و آژانس‌های رتبه‌بندی وجود دارند، من باور ندارم که چیزی مشابه آن، به‌طور آزادانه یا قابل مقایسه، وجود داشته باشد این به این دلیل است که من از اصول یا پارادایم‌های معمول، و رایجی که برای ساخت الگوریتم‌های آنها استفاده می‌شود، پیروی نکردم.</p> <p>در حالی که ممکن است چیزی مشابه آن وجود داشته باشد، من مطمئن هستم که هیچ چیز دیگری به اندازه این محصول به‌طور آزادانه یا شهودی در دسترس نیست.</p> <p>گاهی اوقات دوست دارم فکر کنم که بن گراهام و فیلیپ فیشر از اینکه ببینند یکی از شاگردانشان، که تحسین‌کننده واقعی ایده‌های آنهاست، زمانی را صرف توسعه چیزی مانند این کرده و آموزه‌های آنها را دنبال کرده است، احساس افتخار می‌کنند.</p>
--	--

<p>I should also say that this product is a finely crafted work in terms of minimum viability.</p> <p>It only required a clear conceptual framework, the willpower to develop it, time to gather data, and logic to organize the information coherently.</p> <p>To run it, there were no costs to Bina's shareholders, no additional server expenses beyond what we already have on our website, no expensive software, and only minimal computing power.</p> <p>I consider this product one of the most interesting things that exist in reality because it has so many uses.</p> <p>Also, I think it's great that it's available to anyone, like air, sunlight, rain, math, language or love, allowing me to celebrate the worth of 'intrinsic value'.</p> <p>At one point, I used this algorithm to validate an idea for "Superinvestors", which, by the way, a few years ago since my partners there lost interest, mainly due to faith-based differences.</p> <p>From this idea also came an initiative by Betsela called "Valgoritmo," which I am pursuing with Hugo, one of Bina's shareholders (https://valgoritmo.mx/). It's still in the minimum viable product stage.</p> <p>Of all the ideas I've shared, I believe this one is the most fundamental to Bina, because it will form the core for our fundamental change into the future.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p> <p>The unavoidable transformation of reality</p> <p>More on the supernatural.</p> <p>I'm not a prophet, and I don't claim to predict the future. I consider myself a man of numbers.</p> <p>Though I'm not a professional mathematician, I've been drawn to numbers since I was young—not out of some silly attachment, but because I believe math is a language of pure logic.</p>	<p>همچنین باید بگویم که این محصول یک اثر دقیق و ماهرانه از نظر حداقل قابلیت است.</p> <p>این فقط نیاز به یک چارچوب مفهومی واضح، اراده برای توسعه آن، زمان برای جمع‌آوری داده‌ها و منطق برای سازمان‌دهی اطلاعات به صورت منسجم داشت.</p> <p>برای اجرای آن، هیچ هزینه‌ای برای سهامداران بینه نداشت. هیچ هزینه اضافی برای سرور فراتر از آنچه که در حال حاضر در وبسایت خود داریم نداشت، نرم‌افزار گران‌قیمت لازم نبود و تنها به حداقل قدرت پردازش نیاز داشت.</p> <p>من این محصول را یکی از جالب‌ترین چیزهایی می‌دانم که در واقعیت وجود دارد، زیرا کاربردهای زیادی دارد.</p> <p>همچنین فکر می‌کنم که خوب است که این محصول برای هر کسی در دسترس باشد، مانند هوا، نور خورشید، باران، ریاضیات، زبان یا عشق، که به من این امکان را می‌دهد تا ارزش «ارزش ذاتی» را جشن بگیرم.</p> <p>در یک مقطع زمانی، من از این الگوریتم برای تایید یک ایده برای «سوپر سرمایه‌گذاران» استفاده کردم که به طور اتفاقی، چند سال پیش و از زمانی که شرکای من در آنجا، علاقه‌شان را از دست دادند، به دلیل تفاوت‌های مذهبی دیگر ادامه نیافت.</p> <p>از این ایده همچنین یک ابتکار از طرف بتسلا به نام «الگوریتم» به وجود آمد که من آن را با هوگو، یکی از سهامداران بینه، پیگیری می‌کنم. هنوز در مرحله محصول (https://valgoritmo.mx). حداقل قابل اجرا است.</p> <p>از بین تمام ایده‌هایی که به اشتراک گذاشته‌ام، من معتقدم این ایده برای بینه از همه بنیادی‌تر است، زیرا هسته تغییرات اساسی ما در آینده خواهد بود.</p> <p style="text-align: center;">* * *</p> <p>تغییرات اجتناب‌ناپذیر واقعیت</p> <p>بیشتر درباره ماوراء طبیعی.</p> <p>من یک پیامبر نیستم و ادعایی برای پیش‌بینی آینده ندارم. خودم را یک مرد از دنیای اعداد می‌دانم.</p> <p>اگرچه ریاضیدان حرفه‌ای نیستم، از کودکی به اعداد علاقه داشتم—نه به خاطر یک تعلق بی‌معنی، بلکه چون معتقدم ریاضیات زبان منطق خالص است.</p>
--	---

In this section, I want to record something that concerns me on a spiritual level. I'll explain it through a series of historical events, connected like links in a chain, as life often works under the "butterfly effect" principle.

In 2020, during the deep reflection many of us experienced during the pandemic, I went through what I'd call my "miraculous year."

During that time, from Durango, I wrote the book *To the Christian Man of the 21st Century* (<https://www.amazon.com.mx/dp/B0C91KG1CW>).

Among other topics, I focused on a deep analysis of what the Sumerian civilization recorded about the Great Flood, involving Noah.

From my research, I concluded that stories following the flood seemed to recount the same event, just told from different perspectives.

To compare these historical accounts, I also reviewed the chronology in Genesis.

Through that process, I found James Ussher's calendar proposal. He argued that our current calendar has an error regarding Christ's birth year, suggesting it happened earlier than commonly believed.

Also, in December 2020, during the COVID restrictions, I wrote another book and recorded a podcast titled *How to Be Happier* (<https://www.amazon.com.mx/dp/B09D5X2WDL/>).

With this work, I wanted to document findings from my master's thesis, which focused on the scientific study of happiness.

Inspired by Warren Buffett's advice on "the value of saying no," I developed several tools for this project. These included ways to manage time and work better, learn faster, and simplify everyday tasks, freeing up more time.

As I mentioned in another idea, by mid-February 2021, I decided to return to Guadalajara to establish this project, Bina, in that city.

در این بخش، می‌خواهم چیزی را که از نظر معنوی مرا نگران کرده است، ثبت کنم. این موضوع را از طریق مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی توضیح خواهم داد که مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل هستند، همانطور که زندگی اغلب تحت اصل «اثر پروانه‌ای» عمل می‌کند.

در سال ۲۰۲۰، در طول دوره‌ای از تفکر عمیقی که بسیاری از ما در دوران پاندمی تجربه کردیم، من از آنچه که آن را «سال معجزه‌آسا» می‌نامم عبور کردم.

در آن زمان، از دورانگو، کتابی به نام *To the Christian Man of the 21st Century* (<https://www.amazon.com.mx/dp/B0C91KG1CW>).

در بین دیگر موضوعات، تمرکز من بر تجزیه و تحلیل عمیقی از آنچه که تمدن سومری در مورد طوفان بزرگ که نوح در آن نقش داشت، ثبت کرده بود، بود.

از تحقیقاتی که انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که داستان‌هایی که پس از طوفان گفته شده‌اند، به نظر می‌رسد همان رویداد را بازگو می‌کنند، فقط از دیدگاه‌های مختلف.

برای مقایسه این گزارش‌های تاریخی، من همچنین کرونولوژی در کتاب مقدس، به ویژه سفر پیدایش را بررسی کردم.

از طریق این فرایند، با پیشنهاد تقویم جیمز اشر آشنا شدم. او استدلال کرد که تقویم کنونی ما در مورد سال تولد مسیح اشتباه دارد و معتقد بود که تولد او زودتر از آنچه که معمولاً باور شده، رخ داده است.

همچنین، در دسامبر ۲۰۲۰، در طول محدودیت‌های کتاب دیگری نوشتم و یک پادکست به نام *How to Be Happier* (<https://www.amazon.com.mx/dp/B09D5X2WDL/>).

با این اثر، می‌خواستم یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشدم را مستند کنم که بر مطالعه علمی شادی تمرکز داشت.

الهام گرفته از توصیه وارن بافت در مورد «ارزش گفتن نه»، من چندین ابزار برای این پروژه توسعه دادم. این ابزارها شامل روش‌هایی برای مدیریت بهتر زمان و کار یادگیری سریع‌تر و ساده‌سازی کارهای روزمره بود که وقت بیشتری آزاد می‌کرد.

همانطور که در ایده‌های دیگر ذکر کردم، تا میانه فوریه، تصمیم گرفتم به گوادالاخارا بازگردم تا این پروژه ۲۰۲۱ بینه، را در آن شهر راه‌اندازی کنم.

<p>In March, after moving back to Guadalajara, Oscar Jiménez, a former fellow from the political party Movimiento de Regeneración Nacional in the indigenous urban community of San Juan de Ocotán, invited me to run an aspiration to become candidate for the public office of Zapopan.</p> <p>I then shared my political thesis with him, based on my previous experience running for that same candidacy for Zapopan in 2018. I believed that Morena, in my opinion, was a political party that faked democratic processes. Still, I accepted his invitation, determined to prove that this simulation was, in fact, a reality again.</p> <p>The selection process turned out to be exactly what I had anticipated: a simulation. On March 21, Morena selected its candidates, confirming my suspicion that several of us aspiring candidates had simply been ignored.</p> <p>Interestingly, some of my former colleagues from my office job at DXC Technology reported me internally within the company for the audacity of participating in that internal political process.</p> <p>Obviously, their report never went anywhere because they made false accusations, claiming that I was using company resources to campaign for mayor among the employees. This was hilarious and absurd because the process was within the party, and the purpose of the process was to aspire to the candidacy, which did not require support from any outsiders. In politics I might be a bit innocent, but not that stupid.</p> <p>I wasn't disappointed by the result. In fact, unlike the 2018 process, in which I also ran for Zapopan mayor, this time I spent considerably less money to prove the same thing.</p> <p>The best part of this experience was that it pushed me to become disillusioned with purely human political systems.</p> <p>Finally, on May 17, 2021, I made a definitive decision that remains fundamental in my life: I made a written commitment to Jesus Christ, surrendering my entire life—my past, my present, and my future—so that He could fulfill His will in me.</p>	<p>در ماه مارس، پس از بازگشت به گوادالاخارا، اسکار خیمنز، یکی از همکاران سابق من از حزب سیاسی Movimiento de Regeneración Nacional از من دعوت کرد San Juan de Ocotán شهری بومی که برای نامزدی در مقام عمومی در زاپوپان کاندیدا شوم.</p> <p>من سپس پایان‌نامه سیاسی‌ام را با او به اشتراک گذاشتم که بر اساس تجربه قبلی‌ام در نامزدی برای همین مقام در زاپوپان در سال ۲۰۱۸ بود. من معتقد بودم که مورنا، از نظر من، حزبی است که فرآیندهای دموکراتیک را تقلبی نشان می‌دهد. با این حال، دعوت او را پذیرفتم و مصمم بودم که ثابت کنم این شبیه‌سازی در واقع دوباره واقعیت دارد.</p> <p>فرآیند انتخاب دقیقاً همانطور که پیش‌بینی کرده بودم شبیه‌سازی بود. در تاریخ ۲۱ مارس، مورنا نامزدهای خود را انتخاب کرد و شک من را تایید کرد که چند نفر از ما نامزدهای احتمالی به سادگی نادیده گرفته شده بودیم.</p> <p>جالب اینجا بود که برخی از همکاران سابقم از محل کارم در DXC Technology من برای شرکت در این فرآیند سیاسی داخلی، گزارشی علیه من در شرکت ارائه دادند.</p> <p>البته گزارش آن‌ها به جایی نرسید، زیرا اتهامات کذب زدند و ادعا کردند که من از منابع شرکت برای تبلیغ نامزدی خود در میان کارمندان استفاده می‌کنم. این موضوع خنده‌دار و بی‌معنی بود، زیرا فرآیند مربوط به حزب بود و هدف این فرآیند تنها درخواست برای نامزدی بود که نیازی به حمایت از افراد خارجی نداشت. شاید من در سیاست کمی معصوم باشم، اما اینقدر احمق نیستم.</p> <p>من از نتیجه ناامید نشدم. در واقع، برخلاف فرآیند ۲۰۱۸، که من هم در آن برای شهرداری زاپوپان کاندیدا شده بودم این بار هزینه بسیار کمتری صرف کردم تا همان موضوع را ثابت کنم.</p> <p>بهترین قسمت این تجربه این بود که مرا به بی‌اعتقادی به سیستم‌های سیاسی صرفاً انسانی سوق داد.</p> <p>در نهایت، در ۱۷ مه ۲۰۲۱، تصمیم قطعی گرفتم که همچنان برای زندگی‌ام بنیادی باقی مانده است: من تعهدی، مکتوب به عیسی مسیح دادم، با تقدیم تمام زندگی‌ام—گذشته، حال و آینده‌ام—تا او بتواند اراده‌اش را در من به انجام رساند.</p>
---	--

<p>I still keep that handwritten paper in one of my Bibles. After that decision, the events in my life began to unfold at a different pace, which I will try to present to you chronologically as a testimony.</p> <p>In June 2021, I encountered a theological theory that has been circulating in the modern Christian Church for decades. It is based on a prophecy of Jesus about a fig tree, which is found in Matthew 24:32-35:</p> <p>"Now, learn this lesson from the fig tree: When its branches become tender and leaves sprout, you know that summer is near.</p> <p>In the same way, when you see all these things, you know that He (the Son of Man) is near, right at the door.</p> <p>I tell you the truth, this generation will not pass away until all these things have happened. Heaven and earth will pass away, but my words will never pass away."</p> <p>In the context of this passage, Jesus describes several signs that happen at the same time, allowing us to recognize certain characteristics of crucial times so that we can understand the season we are living in.</p> <p>Some scholars interpret that the fig tree refers to Israel, given the abundance of fig trees in the region.</p> <p>So, according to them, since Jesus is referring to the nation of Israel, they argue that the "generation" mentioned began on the very day the state of Israel was born, on May 14, 1948.</p> <p>Even though we read in Genesis 6:3 that God says, "In the future, life span will not exceed one hundred and twenty years," Psalm 90:10 says, "The days of our age are seventy years, and if by reason of strength they are eighty years." According to official statistics, in 2022, the life expectancy for an Israeli man was 81 years.</p>	<p>من هنوز آن ورق دستنویس را در یکی از کتاب‌های مقدس خود نگه می‌دارم. پس از آن تصمیم، رویدادهای زندگی‌ام با سرعتی متفاوت آغاز شدند که سعی خواهم کرد آن‌ها را به صورت زمانی و به عنوان یک شاهد ارائه دهم.</p> <p>در ژوئن ۲۰۲۱، با یک نظریه الهیاتی مواجه شدم که برای دهه‌ها در کلیسای مسیحی مدرن در حال گردش بوده است. این نظریه بر اساس پیشگویی عیسی در مورد درخت انجیر است که در متی ۲۴:۳۲-۳۵ آمده است:</p> <p>حال، این درس را از درخت انجیر بیاموزید: زمانی که شاخه‌های آن نرم شود و برگ‌ها بروید، می‌دانید که تابستان نزدیک است.</p> <p>به همین ترتیب، وقتی همه این نشانه‌ها را می‌بینید، می‌دانید (که او) پسر انسان (نزدیک است، درست پشت در).</p> <p>به شما حقیقت را می‌گویم، این نسل از دنیا نخواهد رفت تا زمانی که همه این اتفاق‌ها بیفتند. آسمان و زمین از بین خواهند رفت، اما کلمات من هرگز از بین نخواهند رفت.</p> <p>در زمینه این آیه، عیسی چندین نشانه را توصیف می‌کند که هم‌زمان رخ می‌دهند و به ما این امکان را می‌دهند که ویژگی‌های زمان‌های حیاتی را شناسایی کنیم تا فصل زندگی‌مان را درک کنیم.</p> <p>برخی از محققان اینطور تفسیر می‌کنند که درخت انجیر به اسرائیل اشاره دارد، با توجه به فراوانی درختان انجیر در این منطقه.</p> <p>بنابراین، به گفته آن‌ها، چون عیسی به ملت اسرائیل اشاره کرده است، آن‌ها استدلال می‌کنند که "نسلی" که در این آیه به آن اشاره شده، از روزی آغاز شده که دولت اسرائیل متولد شد، یعنی ۱۴ مه ۱۹۴۸.</p> <p>با این که در پیدایش ۶:۳ می‌خوانیم که خدا می‌فرماید: "در آینده، عمر انسان از ۱۲۰ سال بیشتر نخواهد بود"، در مزمو ۹۰:۱۰ آمده است: "روزهای عمر ما هفتاد سال است، و اگر به سبب قوت به هشتاد سال برسند." طبق آمار رسمی، در سال ۲۰۲۲، امید به زندگی برای مردان اسرائیلی ۸۱ سال بود.</p>
--	---

<p>So, based on this interpretation, people born on the day the State of Israel was founded might also witness the coming of the Messiah, who will come to judge the nations and establish a thousand-year rule on Earth.</p> <p>The conclusion is straightforward: if you add 80 years to 1948, this would lead to the expectation of Christ's return in the year 2028.</p> <p>If we analyze the geopolitical events surrounding the creation of the state of Israel, we see that World War I (1914-1918) led to the dissolution of the German, Austro-Hungarian, Ottoman, and Russian empires.</p> <p>After four centuries of control in Jerusalem, the Turkish Ottoman Empire fell in 1922. In 1932, the modern kingdom of Saudi Arabia was founded.</p> <p>Then came World War II (1939-1945).</p> <p>During this war, British protectorates like Lebanon and Syria gained sovereignty in 1943.</p> <p>After the war and the Holocaust, in 1946, Jordan became a sovereign state.</p> <p>Finally, on May 14, 1948, Israel was born in a single day, which is remarkable if we consider what Isaiah 66:8 says.</p> <p>Soon after, Israel fought a war of independence against neighboring Arab countries, followed by a series of conflicts that make us believe that conflict there is "normal" and that "there have always been issues there."</p> <p>The conflicts involving Israel's existence has had a lasting impact on global geopolitics, especially in Jerusalem, which I consider the epicenter of global politics.</p> <p>In my opinion, Jesus clarified which generation he was referring to when he mentioned the story of Noah in verses 37 to 39.</p> <p>As I see it, the first human generation goes from Adam to Noah, until a significant change transformed the ancient world, leading to Noah's generation, which corresponds to our current age.</p>	<p>بنابراین، بر اساس این تفسیر، افرادی که در روز تأسیس دولت اسرائیل متولد شده‌اند ممکن است شاهد آمدن مسیح باشند، کسی که برای قضاوت ملل خواهد آمد و حکومتی هزار ساله را بر روی زمین برقرار خواهد کرد.</p> <p>نتیجه‌گیری ساده است: اگر ۸۰ سال به سال ۱۹۴۸ اضافه کنیم، این به انتظار بازگشت مسیح در سال ۲۰۲۸ منتهی می‌شود.</p> <p>اگر رویدادهای ژئوپلیتیکی اطراف تأسیس دولت اسرائیل را تجزیه و تحلیل کنیم، می‌بینیم که جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) به فروپاشی امپراتوری‌های آلمان، اتریش-مجارستان، عثمانی و روسیه منجر شد.</p> <p>پس از چهار قرن کنترل در اورشلیم، امپراتوری عثمانی ترکیه در سال ۱۹۲۲ سقوط کرد. در سال ۱۹۳۲، پادشاهی مدرن عربستان سعودی تأسیس شد.</p> <p>پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) آغاز شد.</p> <p>در طول این جنگ، مناطقی که تحت حمایت بریتانیا بودند مانند لبنان و سوریه، در سال ۱۹۴۳ استقلال خود را به دست آوردند.</p> <p>پس از جنگ و هولوکاست، در سال ۱۹۴۶، اردن به یک کشور مستقل تبدیل شد.</p> <p>سرانجام، در ۱۴ مه ۱۹۴۸، اسرائیل در یک روز به وجود آمد که این بسیار قابل توجه است، اگر آنچه که اشعیا ۶۶:۸ می‌گوید را در نظر بگیریم.</p> <p>پس از آن، اسرائیل جنگ استقلالی علیه کشورهای عرب همسایه خود آغاز کرد، که با مجموعه‌ای از درگیری‌ها همراه شد که ما را به این باور می‌رساند که درگیری در آنجا امری طبیعی است و "همیشه مشکلاتی در آنجا وجود داشته است."</p> <p>درگیری‌های مربوط به وجود اسرائیل تأثیر بلندمدتی بر ژئوپلیتیک جهانی داشته است، به ویژه در اورشلیم، که من آن را کانون ژئوپلیتیک جهانی می‌دانم.</p> <p>به نظر من، عیسی مشخص کرد که به کدام نسل اشاره می‌کرد زمانی که داستان نوح را در آیات ۳۷ تا ۳۹ ذکر کرد.</p> <p>از نظر من، اولین نسل انسانی از آدم تا نوح ادامه دارد، تا زمانی که تغییرات قابل توجهی دنیای باستانی را دگرگون کرد و به نسل نوح رسید، که با دوران ما همزمان است.</p>
---	---

Because of this, although hardly anyone lives more than a century, we can logically say that the more than 8 billion people today actually descend from Noah's three families.

This makes us all brothers in a way and of course, part of the same generation. This is, from Noah to Abraham, to David, to Jesus, to our time, we are all part of the same generation.

This reasoning also helps explain why supremacism, like racism, is a misguided belief, as foolish as believing and preaching that we descend from bacteria and monkeys.

Let's get back to the timeline. As I reflected on the parable of the fig tree, I came across an intriguing Hebrew concept: if you use a circular calendar, you can measure a year by assigning one day to each degree of the circle, so that the complete circle, 360 degrees represent a full year. The Hebrews refer to this as the "prophetic year."

This is how they calculate, for example, the prophecy in Daniel 9:21-27, which mentions 70 weeks. By this method, scholars believe that the final week of this prophecy can be understood as 7 years of 360 days each, totaling 2,520 days.

As I pondered these ideas between June and July of that year in Guadalajara, I immersed myself in writing a theology book titled He Is, where I wanted to explore the characteristics of God.

<https://www.amazon.com/dp/B09NVTQ76M/>

My goal with this book was simple and sincere: to introduce Christ Jesus to readers, hoping they would draw closer to Him, just as I had experienced Him.

To achieve this, I decided to give the book as a gift to friends, acquaintances, and contacts, especially those who had wished me well on my birthday (since I considered them warm people). I hoped each would find something valuable in its pages.

به دلیل این موضوع، اگرچه به سختی کسی بیش از یک قرن زندگی می‌کند، می‌توانیم منطقی بگوییم که بیش از ۸ میلیارد نفر امروزی در واقع از سه خانواده نوح نزول می‌کنند.

این موضوع به نوعی ما را همه را برادر می‌سازد و البته، بخشی از همان نسل قرار می‌دهد. یعنی از نوح تا ابراهیم تا داوود، تا عیسی، تا زمان ما، ما همه بخشی از همان نسل هستیم.

این استدلال همچنین به توضیح این موضوع کمک می‌کند که چرا برتری طلبی، مانند نژادپرستی، یک باور اشتباه است به همان اندازه احمقانه که باور کردن و تبلیغ کردن اینکه ما از باکتری‌ها و میمون‌ها نزول کرده‌ایم.

بگذارید به خط زمانی برگردیم. وقتی به حکایت درخت انجیر فکر می‌کردم، به یک مفهوم جذاب عبری برخوردم اگر از تقویم دایره‌ای استفاده کنید، می‌توانید یک سال را با تخصیص یک روز به هر درجه از دایره اندازه‌گیری کنید به طوری که دایره کامل، ۳۶۰ درجه، یک سال کامل را نشان می‌دهد. عبری‌ها این را «سال نبوتی» می‌نامند.

این همان روشی است که آنها برای محاسبه پیشگویی در دانیال ۹:۲۱-۲۷ استفاده می‌کنند، که به ۷۰ هفته اشاره دارد. بر اساس این روش، دانشمندان معتقدند که هفته نهایی این پیشگویی می‌تواند به عنوان ۷ سال از ۳۶۰ روز هر کدام محاسبه شود که مجموعاً ۲۵۲۰ روز می‌شود.

وقتی که بین ژوئن و ژوئیه آن سال در گوادالاخارا به این ایده‌ها فکر می‌کردم، خودم را در نوشتن یک کتاب الهیاتی به نام «او هست» غرق کردم، جایی که می‌خواستم ویژگی‌های خدا را بررسی کنم. لینک کتاب

<https://www.amazon.com/dp/B09NVTQ76M/>

هدف من از این کتاب ساده و صادقانه بود: معرفی عیسی، مسیح به خوانندگان، امیدوارم که آنها به او نزدیک‌تر شوند. همانطور که من او را تجربه کرده بودم.

برای دستیابی به این هدف، تصمیم گرفتم کتاب را به عنوان هدیه به دوستان، آشنایان و تماس‌هایم بدهم، به ویژه کسانی که در روز تولدم برایم آرزوی خوبی کرده بودند (چون آنها را انسان‌های مهربانی می‌دانستم). امیدوار بودم هر کدام چیزی ارزشمند در صفحات آن پیدا کنند.

<p>In sending out this book, I also wanted to test a hypothesis that had come to mind:</p> <p>“If people show no interest in something as important as the salvation of their soul, why would they be interested in something as mundane as Bina?”</p> <p>In the months that followed, I gave away over a thousand books, but the positive responses I received were less than 2%.</p> <p>After distributing as many books as I could, I came to the following conclusion: the distractions and concerns of this world are many and so absorbing that most people rarely stop to think about something as significant as eternity.</p> <p>When I combined these findings with the responses that I received during the “friends and family” round of capital raising for Bina, I spent August reflecting on a recurring obstacle: people kept telling me that basically they “don’t have time to pay attention.”</p> <p>Despite everything I said above, in my view, I choose to believe people speak sincerely. If they don’t, sooner or later, the truth always comes to light as I have demonstrated in the previous idea.</p> <p>In July, I recorded my first series of videos for YouTube, based on a review of Ben Graham’s principles in his book <i>The Intelligent Investor</i>: https://bina.mx/inicio/revision-literaria-el-inversor-inteligente/</p> <p>In parallel, I analyzed the situation of the largest companies in Mexico and worldwide to document the state of business at that time and leave a record for history.</p> <p>The results are available for anyone who wants to see them. https://bina.mx/inicio/las-20-empresas-publicas-mas-grandes/</p> <p>Also, in August 2021, I had a peculiar dream in which I saw drawings inspired by the Beatitudes. This led me to hire my friend, Juan Pablo Robles Ruiz, in fact, he is one of our shareholders, to bring those ideas to life in a series of black-and-white illustrations.</p>	<p>در هنگام ارسال این کتاب، من همچنین می‌خواستم یک فرضیه را که به ذهنم رسیده بود، آزمایش کنم:</p> <p>اگر مردم به چیزی به اهمیت نجات روحشان توجهی نشان «نمی‌دهند، چرا باید به چیزی به این پیش‌پاافتاده به نام "بینا" علاقه‌مند شوند؟»</p> <p>در ماه‌های بعد، بیش از هزار کتاب توزیع کردم، اما پاسخ‌های مثبتی که دریافت کردم کمتر از ۲٪ بود.</p> <p>پس از توزیع هر چه بیشتر کتاب‌ها، به نتیجه‌ای رسیدم مشغله‌ها و نگرانی‌های این دنیا آنقدر زیاد و جذب‌کننده‌اند که بیشتر مردم به ندرت به چیزی به اهمیت ابدیت فکر می‌کنند.</p> <p>وقتی این یافته‌ها را با پاسخ‌هایی که در حین دور اول جذب سرمایه برای "بینا" از دوستان و خانواده دریافت کردم ترکیب کردم، در ماه اوت بر روی مانع تکراری‌ای فکر کردم: مردم مدام به من می‌گفتند که اصولاً «وقت ندارند که توجه کنند»</p> <p>با وجود تمام مواردی که بالا گفتم، از نظر من، من تصمیم می‌گیرم که باور کنم مردم صادقانه صحبت می‌کنند. اگر هم، اینطور نباشد، دیر یا زود، حقیقت همیشه آشکار می‌شود. همانطور که در ایده قبلی نشان دادم.</p> <p>در ماه ژوئیه، اولین سری ویدیوهای خود را برای یوتیوب ضبط کردم که بر اساس بررسی اصول بن گراهام در کتاب: سرمایه‌گذار هوشمند «بود» لینک به بررسی https://bina.mx/inicio/revision-literaria-el-inversor-inteligente/</p> <p>همزمان، وضعیت بزرگترین شرکت‌های مکزیکی و جهان را تحلیل کردم تا وضعیت کسب‌وکار آن زمان را مستند کنم و برای تاریخ ثبت کنم.</p> <p>نتایج برای هر کسی که بخواهد آنها را مشاهده کند، در دسترس است. https://bina.mx/inicio/las-20-empresas-publicas-mas-grandes/</p> <p>همچنین، در آگوست ۲۰۲۱، خوابی عجیب دیدم که در آن تصاویری الهام‌گرفته از خوشبختی‌ها را دیدم. این موضوع من را به استخدام دوستم، خوان پابلو رولس رویز، که در واقع یکی از سهامداران ماست، هدایت کرد تا آن ایده‌ها را در یک سری تصاویر سیاموسفید به زندگی بیاورد.</p>
---	---

<p>This work can be seen in a video and, to me, represents a visual reflection of that thought. https://www.youtube.com/watch?v=BBzvgn0kuIU</p> <p>The measurement of time has always been a fascinating challenge. On August 21, 2021, I started gathering some conclusions about time, ideas I had developed while writing my other book, Principles for Capital Allocation: https://www.amazon.com/dp/B099MZBGLB/</p> <p>The basic principle goes like this: time is essentially "a rate of change"; it's "the order in which things progress," and, as we know well, it is "irreversible".</p> <p>Regarding the statement: "I don't have time" my conclusion was as follows</p> <p>First, there are those who lie because that's how they were taught to make excuses and have grown used to normalizing lies in their lives and relationships. With these, it's best to verify and keep a healthy distance for mental well-being.</p> <p>Then, there are those who tell the truth. These can be split into two groups.</p> <p>Some don't have time because they use it well and maximize it. Others waste it because they're caught up in unimportant matters.</p> <p>I believe the largest group is the last one since nearly everyone has struggled with time at some point in their life.</p> <p>This is where we find ourselves trapped by distractions: false idols, overwork, overwhelming information, and often, driven by fear of death or poverty.</p> <p>Situations like these drain the courage needed to face our insecurities and fears, preventing us from reaching a life that is truly rich, full, and meaningful.</p>	<p>این کار را می‌توان در یک ویدیو مشاهده کرد و برای من این نمایشی بصری از آن تفکر است. https://www.youtube.com/watch?v=BBzvgn0kuIU</p> <p>انداز‌مگیری زمان همیشه یک چالش جذاب بوده است. در ۲۱ اگوست ۲۰۲۱، شروع به جمع‌آوری برخی از نتایج در مورد زمان کردم، ایده‌هایی که در حین نوشتن کتاب دیگرم اصول تخصیص سرمایه، به آن‌ها رسیدیم. https://www.amazon.com/dp/B099MZBGLB/</p> <p>اصل اصلی اینگونه است: زمان اساساً "نرخ تغییر" است؛ این "ترتیب پیشرفت امور" است و همانطور که به خوبی می‌دانیم، "غیرقابل بازگشت" است.</p> <p>در مورد جمله "من وقت ندارم"، نتیجه‌گیری من به شرح زیر بود:</p> <p>اولاً، کسانی هستند که دروغ می‌گویند چون اینطور به آن‌ها آموخته شده است که بهانه‌جویی کنند و به دروغ‌ها عادت کرده‌اند و در روابطشان آن‌ها را نرمال کرده‌اند. با این افراد بهتر است که صحت را بررسی کنید و برای سلامت روانی خود فاصله‌ای سالم نگه دارید.</p> <p>سپس، کسانی هستند که حقیقت را می‌گویند. این افراد را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد.</p> <p>برخی وقت ندارند چون وقت خود را به خوبی استفاده می‌کنند و آن را به حداکثر می‌رسانند. دیگران وقت خود را تلف می‌کنند چون در مسائل بی‌اهمیت غرق شده‌اند.</p> <p>من معتقدم که بزرگترین گروه، گروه آخر است زیرا تقریباً همه افراد در مقطعی از زندگی خود با مشکل زمان مواجه شده‌اند.</p> <p>در اینجا است که خود را گرفتار حواس‌پرتی‌ها می‌بینیم. بت‌های دروغین، کار بیش از حد، اطلاعات فراوان و اغلب، تحت تأثیر ترس از مرگ یا فقر.</p> <p>چنین موقعیت‌هایی شجاعت لازم برای مواجهه با ناامنی‌ها و ترس‌های ما را از بین می‌برد و مانع از رسیدن به زندگی‌ای می‌شود که واقعاً غنی، پر از معنا و ارزشمند باشد.</p>
--	--

<p>In this context, my conclusion was that based on what I found in the book "How to be happier", the answer for the group I wanted to help (the last one) lies in finding wisdom and applying smart work to experience a more valuable life. Then they can join the other group that practices sincerity, where, strangely enough, there tends to be time for what's essential and important.</p> <p>So, on August 31, 2021, I decided to launch an initiative I called "Eutos" — a Greek word meaning "well done" — hoping to offer a practical application of wisdom.</p> <p>I thought that through Eutos, I could help others channel their efforts toward a more fulfilling life.</p> <p>On September 7, I gathered all the information I had studied and created for this purpose, envisioning an initial prototype: an easy-to-access online portal that anyone could use to improve their life.</p> <p>However, just two weeks later, due to a minor disagreement with the person I was living with in Guadalajara, I realized my life there was going nowhere. So, on September 21, I made an important decision: I moved to Durango with the intention of setting up my permanent capital there.</p> <p>This decision was not made lightly. I remember that as I traveled down the highway with my belongings, a feeling stirred inside me, something like, "I want you to get involved with Durango."</p> <p>A few days after I settled in, I was talking with my brother David and a friend, Rodrigo, who is a software engineer. The idea came up to turn Eutos into a digital application.</p> <p>To do this, it was suggested that I should first dive deeply into a topic that had always interested me: the principles that govern time and our human relationship with it.</p> <p>So, I decided to study how we currently measure days and weeks, aiming to create tools that would allow us to manage time more meaningfully.</p>	<p>در این زمینه، نتیجه‌گیری من این بود که بر اساس آنچه در کتاب "چطور خوشحال‌تر باشیم" پیدا کردم، پاسخ برای گروهی که می‌خواستم به آن کمک کنم (آخرین گروه) یافتن حکمت و به‌کارگیری کار هوشمندانه است تا زندگی ارزشمندتری را تجربه کنند. سپس می‌توانند به گروه دیگر که در آن صداقت تمرین می‌شود بپیوندند، جایی که به طرز عجیبی وقت برای امور ضروری و مهم پیدا می‌شود.</p> <p>بنابراین، در ۳۱ اگوست ۲۰۲۱، تصمیم گرفتم یک ابتکار جدید راه‌اندازی کنم که آن را "اوتوس" نامیدم — واژه‌ای یونانی به معنای "خوب انجام شده" — با امید اینکه کاربرد عملی حکمت را ارائه دهم.</p> <p>فکر کردم که از طریق اوتوس، می‌توانم به دیگران کمک کنم تا تلاش‌های خود را به سمت یک زندگی پر بارتر هدایت کنند.</p> <p>در ۷ سپتامبر، تمام اطلاعاتی که مطالعه کرده بودم و برای این هدف ایجاد کرده بودم را جمع‌آوری کردم و یک نمونه اولیه را تصور کردم: یک پورتال آنلاین با دسترسی آسان که هر کسی بتواند از آن برای بهبود زندگی خود استفاده کند.</p> <p>با این حال، تنها دو هفته بعد، به دلیل یک اختلاف جزئی با کسی که با او در گوادالاخارا زندگی می‌کردم، متوجه شدم که زندگی من در آنجا به جایی نمی‌رود. بنابراین، در ۲۱ سپتامبر، تصمیم مهمی گرفتم: به دورنگو رفتم با این نیت که سرمایه دائمی خود را در آنجا راه‌اندازی کنم.</p> <p>این تصمیم به راحتی اتخاذ نشد. به یاد دارم که وقتی در جاده با وسایلم در حال حرکت بودم، احساسی در درونم به وجود آمد، چیزی شبیه به: "می‌خواهم با دورنگو درگیر شوی".</p> <p>چند روز پس از اسکان در آنجا، در حال صحبت با برادرم دیوید و دوستی به نام رودریگو که مهندس نرم‌افزار است بودم. ایده‌ای مطرح شد که اوتوس را به یک اپلیکیشن دیجیتال تبدیل کنیم.</p> <p>برای این کار، پیشنهاد شد که ابتدا باید به طور عمیق در موضوعی که همیشه برایم جالب بوده است غرق شوم. اصولی که زمان را اداره می‌کنند و رابطه انسانی ما با آن.</p> <p>بنابراین، تصمیم گرفتم مطالعه کنم که چگونه در حال حاضر روزها و هفته‌ها را اندازه‌گیری می‌کنیم، با هدف ایجاد ابزارهایی که به ما امکان دهد زمان را به شکلی معنادارتر مدیریت کنیم.</p>
--	--

Among my first observations, I began with something that had been difficult for me as a child — the fact that our analog clocks display cycles of 12 hours, and that our cultural convention marks the start of each day at midnight.

On the other hand, from a natural perspective and based on the principle described in Genesis, the day actually begins after sunset. First comes the night after sunset, then dawn, and after that, the daytime.

With this idea in mind, I moved toward a broader understanding. First, my hypothesis was that the world is rebelling in how it wants to measure the passage of time.

This led me to the next thought: If Genesis describes the day as starting with the evening followed by morning, then this same pattern could apply to a week.

Thus, the first days could be the "night of the week" (to organize ourselves with caution), and the second half, the "day of the week" (to act boldly).

The same could apply to the design of a year: a cycle of contraction and expansion, like the heartbeat, with winter as a "night" for rest and planning, and summer as a "day" for work and harvest.

By October 4, at home I received a 24-hour clock I had ordered online, and based on it, I designed a proposal for an analog clock that would optimize time management.

Using this logic, I then adopted the ancient concept of specific hours (like the first, third, sixth hour in the day) and, at night, the idea of "watches" or blocks of time for rest. I concluded that a smart way to work would be to work for 2 hours after sunrise and then use 1 hour for rest.

My hypothesis is that this tool — though it may seem simple — can help us change a false paradigm about time and allow us to improve the way we approach each day, week, and year.

در میان اولین مشاهدات من، با چیزی شروع کردم که در دوران کودکی برایم سخت بود — این واقعیت که ساعت‌های آنالوگ ما دوره‌های ۱۲ ساعته را نمایش می‌دهند و اینکه سنت فرهنگی ما آغاز هر روز را از نیمه شب می‌داند.

از طرف دیگر، از منظر طبیعی و بر اساس اصولی که در کتاب پیدایش آمده است، روز واقعاً بعد از غروب آفتاب آغاز می‌شود. ابتدا شب پس از غروب آفتاب می‌آید، سپس سپیده دم و بعد از آن روز.

با این ایده در ذهن، به سوی درک وسیع‌تری حرکت کردم. ابتدا فرضیه من این بود که جهان در نحوه اندازه‌گیری گذر زمان شورش کرده است.

این من را به فکر بعدی برد: اگر پیدایش روز را از شب آغاز می‌کند و سپس صبح می‌آید، پس همین الگو می‌تواند برای یک هفته نیز اعمال شود.

بنابراین، اولین روزها می‌توانند "شب هفته" باشند (برای اینکه با احتیاط سازماندهی شویم (و نیمه دوم، "روز هفته" (برای عمل جسورانه).

همین مفهوم می‌تواند برای طراحی یک سال نیز کاربرد داشته باشد: یک چرخه انقباض و انبساط، مانند ضربان قلب، با زمستان به عنوان "شب" برای استراحت و برنامه‌ریزی و تابستان به عنوان "روز" برای کار و برداشت.

تا ۴ اکتبر، در خانه یک ساعت ۲۴ ساعته که آنالین سفارش داده بودم دریافت کردم و بر اساس آن، پیشنهادی برای یک ساعت آنالوگ طراحی کردم که به بهینه‌سازی مدیریت زمان کمک کند.

با استفاده از این منطق، سپس مفهوم باستانی ساعت‌های مشخص (مثل ساعت اول، سوم، ششم روز (را به کار گرفتم و شب‌ها ایده "نگهبانی" یا بلوک‌های زمانی برای استراحت را مطرح کردم. نتیجه گرفتم که یک روش هوشمندانه برای کار کردن این است که ۲ ساعت بعد از طلوع آفتاب کار کنیم و سپس ۱ ساعت برای استراحت استفاده کنیم.

فرضیه من این است که این ابزار — اگرچه ممکن است ساده به نظر برسد — می‌تواند به ما کمک کند تا یک پارادایم غلط در مورد زمان را تغییر دهیم و اجازه دهد روش نزدیک شدن به هر روز، هفته و سال را بهبود بخشیم.

<p>You can view the prototype here: https://www.instagram.com/p/CUoLTLegCTo/</p> <p>In practice, Hebrews end their day at sunset. This makes it clear why they would end their year at an important astronomical point, like the September equinox in the Northern Hemisphere.</p> <p>So, instead of just following the existing calendar, I imagined a system that reflected this perspective in a logical and visual way.</p> <p>Just like sunset leads to darkness, the equinox represents the transition between light and darkness in a year. Therefore, I decided to represent the year with a circle, similar to my 24-hour analog clock. I drew a horizontal line where the equinoxes mark the shift between the two natural seasons.</p> <p>On October 5, 2021, I published my first design of an annual solar calendar based on this principle.</p> <p>One day later, another idea came to mind: the prophetic week of 2,520 days, covering seven years of 360 days each.</p> <p>So, considering that the Hebrew natural year ends at the September equinox, I made a simple calculation on a spreadsheet. I tested it by using the year 2028 as a reference.</p> <p>This led me to October 29, 2021, a starting point for my calendar, which was about to begin in just a couple of weeks.</p> <p>On October 21, 2021, I decided to create a bilingual calendar, in Spanish and English.</p> <p>I planned to share it on social media each year, adjusted to this 360-day cycle, as a celebration of everything I believe I had recognized and as an annual record.</p>	<p>شما می‌توانید نمونه اولیه را اینجا مشاهده کنید: https://www.instagram.com/p/CUoLTLegCTo/</p> <p>در عمل، عبری‌ها روز خود را در غروب آفتاب به پایان می‌رسانند. این توضیح می‌دهد که چرا آن‌ها سال خود را در یک نقطه مهم نجومی، مانند اعتدال سپتامبر در نیمکره شمالی، پایان می‌دهند.</p> <p>بنابراین، به جای پیروی صرف از تقویم موجود، من یک سیستم تصور کردم که این دیدگاه را به روشی منطقی و بصری نشان دهد.</p> <p>دقیقاً مانند این که غروب آفتاب به تاریکی می‌انجامد، اعتدال نشان‌دهنده انتقال بین نور و تاریکی در یک سال است. بنابراین، تصمیم گرفتم سال را با یک دایره نمایش دهم مشابه ساعت آنالوگ ۲۴ ساعته‌ام. یک خط افقی کشیدم که در آن اعتدال‌ها تغییر فصول طبیعی را نشان می‌دهند.</p> <p>در ۵ اکتبر ۲۰۲۱، اولین طراحی تقویم خورشیدی سالانه‌ام را بر اساس این اصل منتشر کردم.</p> <p>یک روز بعد، ایده دیگری به ذهنم رسید: هفته پیش‌بینی‌شده روزه، که هفت سال ۳۶۰ روزه را شامل می‌شود ۲۵۲۰.</p> <p>بنابراین، با توجه به اینکه سال طبیعی عبری‌ها در اعتدال سپتامبر به پایان می‌رسد، یک محاسبه ساده در یک صفحه گسترده انجام دادم. آن را با استفاده از سال ۲۰۲۸ به عنوان مرجع آزمایش کردم.</p> <p>این من را به ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱ رساند، که نقطه شروع تقویم من بود، که تنها چند هفته دیگر آغاز می‌شد.</p> <p>در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱، تصمیم گرفتم یک تقویم دو زبانه، به اسپانیایی و انگلیسی، ایجاد کنم.</p> <p>برنامه‌ریزی کردم که آن را هر سال در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارم، که بر اساس این چرخه ۳۶۰ روزه تنظیم شده باشد، به عنوان جشن هر آنچه که به نظر شناخته‌ام و به عنوان یک ثبت سالانه.</p>
---	--

Here it is in Spanish:

<https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBf7EpEC6iFHAVZC5qSM7CaVdRTEJlr>

Here it is in English:

<https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBf7EpEC6jiQtpyDOFVMdXfSNcXebbd>

On October 23, 2021, I published the results of all this research. Here is the Spanish version:

<https://eumartus.wordpress.com/jesus-is-king/change/resultados-de-reflexion-del-tiempo/>

And here is the English version:

<https://eumartus.wordpress.com/jesus-is-king/change/results-of-thoughts-about-time/>

On November 3, 2021, just a few days after the first video was posted, while thinking about the structure of time, another question arose: in chapters 6 to 19 of Revelation, John describes 21 events divided into three series of seven — seals, trumpets, and cups.

I wondered if a pattern of 21 events could be connected with the 2,520 days. So, I thought about dividing these days by this sequence of events, which resulted in segments of 120 days.

Following this idea as a hypothesis, I created a table to calculate events every 120 days, starting on October 29, 2021. This is the first time I'm sharing it:

اینجا نسخه اسپانیایی است:

<https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBf7EpEC6iFHAVZC5qSM7CaVdRTEJlr>

اینجا نسخه انگلیسی است:

<https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBf7EpEC6jiQtpyDOFVMdXfSNcXebbd>

در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۲۱، من نتایج تمام این تحقیقات را منتشر کردم. اینجا نسخه اسپانیایی آن است:

<https://eumartus.wordpress.com/jesus-is-king/change/resultados-de-reflexion-del-tiempo/>

و اینجا نسخه انگلیسی آن است:

<https://eumartus.wordpress.com/jesus-is-king/change/results-of-thoughts-about-time/>

در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۱، تنها چند روز پس از انتشار، اولین ویدیو، در حالی که به ساختار زمان فکر می‌کردم سوال دیگری مطرح شد: در فصل‌های ۶ تا ۱۹ کتاب مکاشفه، یوحنا ۲۱ رویداد را توصیف می‌کند که به سه سری از هفت تقسیم شده‌اند — مهرها، شیپورها، و جام‌ها

من تعجب کردم که آیا یک الگوی از ۲۱ رویداد می‌تواند با روز مرتبط باشد. پس به این فکر کردم که این ۲,۵۲۰ روزها را با این دنباله از رویدادها تقسیم کنم، که به بخش‌هایی از ۱۲۰ روز منتهی شد

با دنبال کردن این ایده به عنوان یک فرضیه، من یک جدول ایجاد کردم تا رویدادها را هر ۱۲۰ روز محاسبه کنم، از تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱ شروع شود. این اولین باری است که آن را به اشتراک می‌گذارم

From	Event	To	Days	Year
2021-10-29	Seal 1	2022-02-26	120	1
2022-02-26	Seal 2	2022-06-26	120	
2022-06-26	Seal 3	2022-10-24	120	
2022-10-24	Seal 4	2023-02-21	120	2
2023-02-21	Seal 5	2023-06-21	120	
2023-06-21	Seal 6	2023-10-19	120	
2023-10-19	Seal 7	2024-02-16	120	3
2024-02-16	Trumpet 1	2024-06-15	120	
2024-06-15	Trumpet 2	2024-10-13	120	
2024-10-13	Trumpet 3	2025-02-10	120	4
2025-02-10	Trumpet 4	2025-06-10	120	
2025-06-10	Trumpet 5	2025-10-08	120	
2025-10-08	Trumpet 6	2026-02-05	120	5
2026-02-05	Trumpet 7	2026-06-05	120	
2026-06-05	Cup 1	2026-10-03	120	
2026-10-03	Cup 2	2027-01-31	120	6
2027-01-31	Cup 3	2027-05-31	120	
2027-05-31	Cup 4	2027-09-28	120	
2027-09-28	Cup 5	2028-01-26	120	7
2028-01-26	Cup 6	2028-05-25	120	
2028-05-25	Cup 7	2028-09-22	120	

از	رویداد	به	روزها	سال
2021-10-29	مهر و موم 1	2022-02-26	120	1
2022-02-26	مهر و موم 2	2022-06-26	120	
2022-06-26	مهر و موم 3	2022-10-24	120	
2022-10-24	مهر و موم 4	2023-02-21	120	2
2023-02-21	مهر و موم 5	2023-06-21	120	
2023-06-21	مهر و موم 6	2023-10-19	120	
2023-10-19	مهر و موم 7	2024-02-16	120	3
2024-02-16	شنبیور 1	2024-06-15	120	
2024-06-15	شنبیور 2	2024-10-13	120	
2024-10-13	شنبیور 3	2025-02-10	120	4
2025-02-10	شنبیور 4	2025-06-10	120	
2025-06-10	شنبیور 5	2025-10-08	120	
2025-10-08	شنبیور 6	2026-02-05	120	5
2026-02-05	شنبیور 7	2026-06-05	120	
2026-06-05	جام 1	2026-10-03	120	
2026-10-03	جام 2	2027-01-31	120	6
2027-01-31	جام 3	2027-05-31	120	
2027-05-31	جام 4	2027-09-28	120	
2027-09-28	جام 5	2028-01-26	120	7
2028-01-26	جام 6	2028-05-25	120	
2028-05-25	جام 7	2028-09-22	120	

<p>If this hypothesis is correct, today, Saturday, November 9, would mean we are on day 17 of month 2 in year 4, or day 7 of week 6 in year 4.</p> <p>Out of the 2,520 days, we have not yet reached the halfway point, as today would be 1,107 days in, almost 44% of the total since October 29, 2021.</p> <p>There are still 1,413 days left, which is less than four years, until the equinox on September 22, 2028.</p> <p>As I thought about this, I asked myself, "What significant event might have happened when, according to this count, the first seal was opened?" So, I searched the news for something that could resemble what John described.</p> <p>In learning to reason, experts often warn us about "biases." Biases are mental traps that can affect how we think.</p> <p>One of the most dangerous and common forms of self-deception we fall into when trying to understand something is the so-called "confirmation bias."</p> <p>In simple terms, people tend to seek, interpret, or remember information that supports their beliefs or ideas. At the same time, we often ignore information that contradicts what we want to believe.</p> <p>I am aware of this bias as I share this with you.</p> <p>If October 29, 2021, marked a significant beginning, I started paying close attention to major global events on that date and afterward.</p> <p>Since then, I have focused on observing important events worldwide, documenting them as historical events unfold.</p> <p>I have noticed a surprising pattern in these events, as they seem to align in a cycle of about 120 days. Below is the table with the events I have recorded so far:</p>	<p>اگر این فرضیه درست باشد، امروز، شنبه ۹ نوامبر، به این معنی است که ما در روز ۱۷ از ماه ۲ در سال ۴ هستیم، یا روز ۷ از هفته ۶ در سال ۴.</p> <p>از ۲,۵۲۰ روز، هنوز به نیمه راه نرسیده‌ایم، چون امروز روز گذشته است، تقریباً ۴۴٪ از کل زمان از ۱,۱۰۷، تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱.</p> <p>هنوز ۱,۴۱۳ روز باقی مانده است که کمتر از چهار سال است، تا رسیدن به اعتدال سپتامبر ۲۲، ۲۰۲۸.</p> <p>وقتی به این موضوع فکر می‌کردم، از خودم پرسیدم: "چه رویداد مهمی ممکن است در زمانی که اولین مهر باز شد طبق این شمارش، رخ داده باشد؟" پس به دنبال چیزی در اخبار گشتم که ممکن است با آنچه که یوحنا توصیف کرده مشابه باشد.</p> <p>"در یادگیری استدلال، کارشناسان اغلب از "تعصبات هشدار می‌دهند. تعصبات تله‌های ذهنی هستند که می‌توانند بر نحوه تفکر ما تأثیر بگذارند.</p> <p>یکی از خطرناکترین و رایج‌ترین اشکال خودفریبی که هنگام تلاش برای درک چیزی در آن گرفتار می‌شویم تعصب تأیید "نامیده می‌شود"</p> <p>به زبان ساده، مردم تمایل دارند اطلاعاتی را جستجو کنند، تفسیر کنند یا به خاطر بسپارند که باورها یا ایده‌هایشان را تأیید کند. در عین حال، اغلب اطلاعاتی را که با آنچه می‌خواهیم باور کنیم مغایر است، نادیده می‌گیریم.</p> <p>من از این تعصب آگاه هستم وقتی که این را با شما به اشتراک می‌گذارم.</p> <p>اگر ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱ یک شروع مهم را نشان می‌داد، من شروع به توجه دقیق به رویدادهای جهانی مهم در آن تاریخ و بعد از آن کردم.</p> <p>از آن زمان، من بر مشاهده رویدادهای مهم در سطح جهانی متمرکز شده‌ام و آنها را در حال وقوع به عنوان رویدادهای تاریخی مستند کرده‌ام.</p> <p>من یک الگوی شگفت‌انگیز در این رویدادها متوجه شده‌ام، زیرا به نظر می‌رسد که این رویدادها در یک چرخه حدود روزه هماهنگ هستند. در زیر جدول رویدادهایی که ۱۲۰ تاکنون ثبت کرده‌ام آورده شده است.</p>
--	---

Date	Num.	Symbol	Event	Reference
2021-10-29	1	Seal	Elon Musk becomes the richest person in the world	Rev 6:1-2
2022-02-26	2	Seal	Russia-Ukraine War	Rev 6:3-4
2022-06-26	3	Seal	Global inflation	Rev 6:5-6
2022-10-24	4	Seal	Xi Jinping renews third term, Taiwan tensions	Rev 6:7-8
2023-02-21	5	Seal	Spiritual revival in U.S. university campuses	Rev 6:9-11
2023-06-21	6	Seal	Global heat wave	Rev 6:12-17; 7:1-17
2023-10-19	7	Seal	Israel-Palestine War; Annular Solar Eclipse in America	Rev 8:1-5
2024-02-16	1	Trumpet	Wildfires in Chile; Heat wave; Auroras	Rev 8:6-7
2024-06-15	2	Trumpet	Houthi naval conflict; Chinese-Filipino ship incident; russian ships in Cuba	Rev 8:8-9
2024-10-13	3	Trumpet	Tsuchinshan-Atlas comet near Earth; hurricanes; river crisis in Ukraine	Rev 8:10-11
2025-02-10	4	Trumpet		Rev 8:12-13
2025-06-10	5	Trumpet		Rev 9:1-12
2025-10-08	6	Trumpet		Rev 9:13-21; 10:1-11; 11:1-14
2026-02-05	7	Trumpet		Rev 11-14
2026-06-05	1	Cup		Rev 15:1-8; 16:1-2
2026-10-03	2	Cup		Rev 16:3
2027-01-31	3	Cup		Rev 16:4-7
2027-05-31	4	Cup		Rev 16:8-9
2027-09-28	5	Cup		Rev 16:10-11
2028-01-26	6	Cup		Rev 16:12-16
2028-05-25	7	Cup		Rev 16:17-21; 17:1-18; 18:1-24
2028-09-22				Rev 19:1-21

تاریخ	شماره	نماد	رویداد	مرجع
2021-10-29	1	مهر	شودمی تبدیل جهان فرد ثروتمندترین به ماسک ایلان	رؤیا 2-6:1
2022-02-26	2	مهر	جنگ روسیه و اوکراین	رؤیا 4-6:3
2022-06-26	3	مهر	تورم جهانی	رؤیا 6-6:5
2022-10-24	4	مهر	تایوان در هانتش، کندمی تمدید را خود سوم دوره بینگ جین شی	رؤیا 8-6:7
2023-02-21	5	مهر	متحدہ ایالات های دانشگاه در معنوی احیای	رؤیا 11-6:9
2023-06-21	6	مهر	جهانی سطح در گرما موج	رؤیا 17-7:1; 17-6:12
2023-10-19	7	مهر	آمریکا در حلقوی کسوف فلسطین؛ و اسرائیل جنگ	رؤیا 5-8:1
2024-02-16	1	شیپور	قطبی شفق گرما؛ موج شبلی؛ در جنگلی های سوزی آتش	رؤیا 7-8:6
2024-06-15	2	شیپور	روسی های کشتی فیلیپینی؛ چینی کشتی حادثه ها؛ حوئی دریایی درگیری کوبا در	رؤیا 9-8:8
2024-10-13	3	شیپور	بحران ها؛ طوفان زمین؛ به نزدیک اطلس-شان تسوچین دار دنباله اوکراین در هارودخانه	رؤیا 11-8:10
2025-02-10	4	شیپور		رؤیا 13-8:12
2025-06-10	5	شیپور		رؤیا 12-9:1
2025-10-08	6	شیپور		رؤیا -10:1; 21-9:13 11; 11:1-14
2026-02-05	7	شیپور		رؤیا 14-11
2026-06-05	1	جام		رؤیا 2-16:1; 8-15:1
2026-10-03	2	جام		رؤیا 16:3
2027-01-31	3	جام		رؤیا 7-16:4
2027-05-31	4	جام		رؤیا 9-16:8
2027-09-28	5	جام		رؤیا 11-16:10
2028-01-26	6	جام		رؤیا 16-16:12
2028-05-25	7	جام		رؤیا -17:1; 21-16:17 18; 18:1-24
2028-09-22				رؤیا 21-19:1

<p>I want to emphasize that this is only a hypothesis, and I am not claiming to know the exact day or hour when the Son of Man will come.</p> <p>By the way, when Jesus said this a long time ago, it was years before He gave His revelation to John. I am also not saying that I can show you exactly what John saw in that revelation, or that my interpretation is the only possible one.</p> <p>Even more, I don't think I have greater insight than theologians who hold onto the belief that they will be "raptured" before the first year of the "great tribulation."</p> <p>This hypothesis, however, suggests that we may already be experiencing it, and things aren't unfolding the way any of us have imagined.</p> <p>As I have shown many times in this letter, I have made mistakes in judgment, and I do not hesitate to admit that, like any human being, I am prone to errors of omission.</p> <p>Still, I am amazed at how accurately these global events continue to happen at regular intervals of 120 days as time passes.</p> <p>Additionally, it's clear that I have not had any direct involvement in these events, nor have I caused them to happen.</p> <p>Despite a small gap at the beginning (possibly because I used 360-day years instead of the natural 365), I have noticed that events are aligning with greater accuracy over time as we get closer to September 22, 2028.</p> <p>A clear example of this precision is the appearance of the Atlas comet in the sky, which occurred exactly on October 13. This coincides with the reference to the "bitter" star, which we have recently seen reflected in political conflicts, like what happened in Spain following the DANA storm.</p> <p>There is one more idea I have been exploring, which strengthens the idea of using the year 28 as a reference point, along with the founding of the State of Israel on May 14, 1948.</p>	<p>می‌خواهم تأکید کنم که این تنها یک فرضیه است و من ادعا نمی‌کنم که روز یا ساعت دقیق آمدن پسر انسان را می‌دانم.</p> <p>راستی، زمانی که عیسی این را گفت، سال‌ها قبل از آن بود که او وحی خود را به یوحنا بدهد. من همچنین نمی‌گویم که می‌توانم دقیقاً به شما نشان دهم که یوحنا چه چیزی را در آن وحی دید، یا اینکه تفسیر من تنها تفسیر ممکن است.</p> <p>حتی بیشتر از آن، فکر نمی‌کنم که درک من از این مسائل بیشتر از الهی‌دانانی باشد که به این باور دارند که قبل از سال اول "مسیبیت بزرگ" آن‌ها به "ر بوده" خواهند شد.</p> <p>با این حال، این فرضیه پیشنهاد می‌دهد که ممکن است ما اکنون در حال تجربه آن باشیم، و امور به گونه‌ای که هیچ‌یک از ما تصور کرده‌ایم در حال پیشروی نیستند.</p> <p>همانطور که در این نامه بارها نشان داده‌ام، من در قضاوت خود اشتباه کرده‌ام و در پذیرش آن تردیدی ندارم که مانند هر انسان دیگری، مستعد اشتباهات از نوع سهو هستم.</p> <p>با این حال، شگفت‌زده می‌شوم که چگونه این رویدادهای جهانی به طور دقیق در فواصل منظم 120 روزه در حال وقوع هستند، همانطور که زمان می‌گذرد.</p> <p>علاوه بر این، واضح است که من هیچ‌گونه دخالت مستقیمی در این رویدادها نداشته‌ام، و آن‌ها را موجب نشده‌ام.</p> <p>با وجود فاصله کوتاهی در ابتدای کار (احتمالاً به دلیل اینکه من از سال‌های 360 روزه به جای 365 روز طبیعی استفاده کردم)، متوجه شده‌ام که رویدادها با دقت بیشتری در حال هماهنگ شدن هستند، به ویژه وقتی به 22 سپتامبر 2028 نزدیکتر می‌شویم.</p> <p>یک مثال واضح از این دقت، ظهور دنباله‌دار آتلان است که "دقیقاً در 13 اکتبر اتفاق افتاد. این با اشاره به ستاره "تلخ" هم‌زمان است که اخیراً در درگیری‌های سیاسی مشاهده کرده‌ایم، مانند آنچه در اسپانیا پس از طوفان دنا اتفاق افتاد.</p> <p>یک ایده دیگر دارم که در حال بررسی آن هستم، که ایده استفاده از سال 28 به عنوان نقطه مرجع، همراه با تأسیس دولت اسرائیل در 14 مه 1948 را تقویت می‌کند.</p>
--	---

When Jesus spoke about the destruction of the Temple and said He would raise it up in three days (John 2:19), many interpret this not only as a reference to His resurrection but also as a hint of a future, significant change.

In the second letter of Peter, there is a reference to Psalm 90:4, which says that one day for the Lord is like a thousand years.

This leads some people to expect that, when two thousand years have passed since Christ's resurrection, something significant and supernatural might happen.

This brings up an important question about calculating these years accurately, especially because many believe that our human calendar has errors that could hide the exact timing of any prophetic dates, making it nearly impossible to track without a trained eye.

According to my calculations, today, Saturday, November 9, 2024, is the 9th day of the 7th month in the year 1996 after Christ's Resurrection.

I will now explain how I arrived at this conclusion.

First, while the historical existence of Jesus is not seriously questioned by historians, the exact dates of His crucifixion and resurrection are still a matter of debate.

One key event in this timeline is the death of Herod the Great, the Edomite who ruled Judea as a vassal of Rome when Jesus was born. Historians estimate this occurred around the year 4 before the "common era," which apparently puzzles any common calculation.

One year after Herod's death, the roman Emperor Augustus divided the region among Herod's successors.

To make matters more complicated, there is no "year 0" in our calendar, meaning the timeline moves directly from -1 to 1.

For example, if Jesus was 3 years old in the year -1, then when He turned 4, it was already the year 1.

زمانی که عیسی در مورد ویرانی معبد صحبت کرد و گفت، که در سه روز آن را باز خواهد ساخت (یوحنا ۲:۱۹) بسیاری این را نه تنها به عنوان اشاره‌ای به قیامت او بلکه به عنوان نشانه‌ای از یک تغییر مهم در آینده تفسیر می‌کنند.

در نامه دوم پطرس، اشاره‌ای به مزمور ۹۰:۴ وجود دارد که می‌گوید یک روز برای خداوند مانند هزار سال است.

این موضوع باعث می‌شود که برخی مردم انتظار داشته باشند که وقتی دو هزار سال از قیامت مسیح گذشته باشد چیزی مهم و ماوراء طبیعی رخ دهد.

این سوال مهمی را مطرح می‌کند درباره محاسبه دقیق این سال‌ها، به ویژه به این دلیل که بسیاری معتقدند تقویم انسانی ما اشتباهاتی دارد که می‌تواند زمان دقیق تاریخ‌های پیش‌بینی شده را پنهان کند و ردیابی آن‌ها بدون چشم تربیت شده تقریباً غیرممکن است.

طبق محاسبات من، امروز، شنبه ۹ نوامبر ۲۰۲۴، نهمین روز از ماه هفتم در سال ۱۹۹۶ پس از قیامت مسیح است.

حالا می‌خواهم توضیح دهم که چگونه به این نتیجه رسیدم.

اولاً، اگرچه وجود تاریخی عیسی به طور جدی توسط تاریخ‌نگاران مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، تاریخ دقیق مصلوب شدن و قیامت او هنوز مورد بحث است.

یکی از رویدادهای کلیدی در این خط زمانی، مرگ هیروود بزرگ، ادمیایی که در زمان تولد عیسی بر یهودیه به عنوان حاکم دست‌نشانده روم حکومت می‌کرد، است. تاریخ‌نگاران تخمین می‌زنند که این اتفاق در حدود سال ۴ پیش از میلاد رخ داده است، که به وضوح هر محاسبه معمولی را گیج می‌کند.

یک سال پس از مرگ هیروود، امپراتور رومی آگوستوس منطقه را میان جانشینان هیروود تقسیم کرد.

"برای پیچیده‌تر شدن موضوع، در تقویم ما "سال صفر" وجود ندارد، به این معنی که خط زمانی مستقیماً از -۱ به ۱ حرکت می‌کند.

برای مثال، اگر عیسی در سال -۱ سه ساله بود، پس وقتی او چهار ساله شد، دیگر سال ۱ بود.

<p>This reveals a possible margin of error in how we calculate the years of anyone's life from that time.</p> <p>And there's more. When we closely examine Jesus' age at the time of His crucifixion, another question arises.</p> <p>In 2 Samuel 5:4-5, it says that David began to reign at age thirty and ruled for forty years.</p> <p>This made me question the commonly accepted idea that Jesus was 33 years old when He wore the crown of thorns.</p> <p>In fact, there is no clear basis for claiming He was 33, except for a later interpretation of Luke 3:23, which mentions that Jesus was "about 30 years old."</p> <p>With this reference, it can be understood that 27 years old also meets the description of being "about" 30.</p> <p>There is also no certainty that His ministry lasted 3.5 years. This assumption only comes from counting the number of feasts where His words and miracles were recorded in the Gospels.</p> <p>Since Jesus fulfilled everything written about Him in the Law, the Psalms, and the Prophets, I tend to think He was around 30.5 years old at the time of the crucifixion—similar to His father David—rather than the number 33.</p> <p>The proposal of an age of 33 feels forced and is closer to the Masonic use of that number to signify the highest rank members reach in those groups.</p> <p>In Matthew 12:40, Jesus says that just as Jonah spent three days and three nights in the belly of a fish, the Son of Man would spend the same amount of time in the heart of the earth.</p> <p>This implies a precise calculation:</p> <p>Jesus had His last supper on the night of Nisan 14. He was then arrested early in the morning, tried during that morning, crucified and suffered for several hours, and was buried before sunset on that same day, Nisan 14.</p>	<p>این موضوع نشان می‌دهد که ممکن است در نحوه محاسبه سال‌های عمر افراد از آن زمان، یک حاشیه خطا وجود داشته باشد.</p> <p>و این هنوز تمام ماجرا نیست. وقتی که سن عیسی در زمان مصلوب شدنش را به دقت بررسی می‌کنیم، سوال دیگری پیش می‌آید.</p> <p>در ۲ سموئیل ۵:۴-۵ گفته شده است که داوود در سی سالگی سلطنت خود را آغاز کرد و چهل سال پادشاهی کرد.</p> <p>این موضوع مرا به شک انداخت که آیا عیسی در سی و سه را به سر گذاشت thorns سالگی بود که تاج.</p> <p>در واقع، هیچ مبنای واضحی برای ادعای اینکه او ۳۳ ساله بود وجود ندارد، جز یک تفسیر بعدی از لوقا ۳:۲۳ که می‌گوید عیسی "تقریباً سی ساله" بود.</p> <p>با این ارجاع، می‌توان فهمید که ۲۷ سالگی هم با توصیف تقریباً "۳۰ سال همخوانی دارد"</p> <p>همچنین هیچ قطعیتی وجود ندارد که وزارت او ۳.۵ سال طول کشید. این فرضیه تنها از شمارش تعداد جشن‌هایی که در آن‌ها سخنان و معجزات او در انجیل‌ها ثبت شده است به دست آمده است.</p> <p>چون عیسی تمام آنچه را که در تورات، مزامیر و پیامبران نوشته شده بود انجام داد، من به این نتیجه می‌رسم که او حدود ۳۰.۵ ساله بود در زمان مصلوب شدن—شبیبه به پدرش داوود—نه عدد ۳۳.</p> <p>پیشنهاد سن ۳۳ ساله احساس می‌شود که تحمیل شده است و بیشتر به استفاده فراماسونیک از این عدد برای نشان دادن بالاترین رتبه‌ای که اعضای این گروه‌ها به آن دست می‌یابند نزدیک است.</p> <p>در متی ۱۲:۴۰، عیسی می‌گوید که همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی گذراند، پسر انسان نیز همان مقدار زمان در دل زمین خواهد بود.</p> <p>این اشاره به یک محاسبه دقیق دارد:</p> <p>عیسی شام آخر خود را در شب چهارده نisan داشت. سپس صبح زود دستگیر شد، در همان صبح محاکمه شد، مصلوب شد و چندین ساعت رنج کشید، و پیش از غروب آفتاب در همان روز، چهارده نisan، دفن شد.</p>
--	--

<p>At the start of Nisan 15, as the sun set, the Jews celebrated the Passover lamb meal, beginning the Feast of Unleavened Bread, a very important day of rest.</p> <p>Counting three full days and nights—from the end of Nisan 14 to the end of Nisan 17—we deduce that the resurrection would have occurred on Saturday, Nisan 17, showing He is the Lord of the Sabbath.</p> <p>However, as first-born, He also shows Himself as Lord of the first day of the week because, according to the written accounts, Mary Magdalene was the first to find the empty tomb on the morning of the following day after Sabbath.</p> <p>Moreover, Christ Jesus continued to appear to many of His disciples over the following weeks during the first day of the week to establish the sacrament of celebrating him on Sundays.</p> <p>Christ Jesus spent time with them, eating and drinking, both indoors and outdoors, while they worked or traveled, confirming the truth of His resurrection in many different settings.</p> <p>Using artificial intelligence, I developed a code to identify the years that meet a specific criterion, and I will explain it below.</p> <p>The goal of the code is to determine if, in a given year of our era, the 14th of Nisan on the Hebrew calendar falls on a Wednesday according to the Gregorian calendar.</p> <p>To do this, the code checks if the 14th of Nisan falls on the fourth day of the Hebrew week (Sunday is 1, Monday is 2, and so on), and if it corresponds to the same Wednesday on the Gregorian calendar. In the years where both conditions are met, the code will print those years as valid.</p>	<p>در ابتدای ۱۵ نیشان، هنگام غروب خورشید، یهودیان جشن عید فصح را با خوردن گوشت بره عید فصح آغاز کردند که آغاز جشن نان‌های بدون خمیر بود، یک روز بسیار مهم برای استراحت.</p> <p>با شمارش سه شبانه‌روز کامل—از پایان ۱۴ نیشان تا پایان نیشان—نتیجه می‌گیریم که رستاخیز باید در روز شنبه ۱۷ نیشان، اتفاق افتاده باشد، که نشان می‌دهد او پروردگار ۱۷ شنبه است.</p> <p>اما به عنوان نخست‌زاده، او همچنین خود را به عنوان پروردگار روز اول هفته نشان می‌دهد، زیرا طبق گزارش‌های مکتوب، مریم مجدلیه اولین کسی بود که صبح روز بعد از شنبه، قبر خالی را پیدا کرد.</p> <p>علاوه بر این، عیسی مسیح در هفته‌های بعدی به بسیاری از شاگردانش در روز اول هفته ظاهر شد تا مراسم جشن او در روز یکشنبه‌ها را برقرار کند.</p> <p>عیسی مسیح با آنها وقت می‌گذراند، خوراک می‌خورد و می‌نوشید، چه در داخل خانه و چه در فضای باز، در حالی که آنها کار می‌کردند یا سفر می‌کردند، و حقیقت رستاخیز خود را در موقعیت‌های مختلف تایید می‌کرد.</p> <p>با استفاده از هوش مصنوعی، من کدی توسعه دادم تا سال‌هایی که یک معیار خاص را برآورده می‌کنند شناسایی کنم و در زیر توضیح خواهم داد.</p> <p>هدف از این کد این است که تعیین کند در یک سال خاص از دوران ما، ۱۴ نیشان در تقویم عبری به روز چهارشنبه در تقویم گریگوری می‌افتد یا نه.</p> <p>برای انجام این کار، کد بررسی می‌کند که آیا ۱۴ نیشان به روز چهارم هفته عبری (یکشنبه = ۱، دوشنبه = ۲ و غیره) می‌افتد و آیا مطابق با همان روز چهارشنبه در تقویم گریگوری است. در سال‌هایی که هر دو شرط برقرار باشد، کد آن سال‌ها را به عنوان سال‌های معتبر چاپ می‌کند.</p>
--	---

```

python

import math

def calculate_passover_date_and_weekday(gregorian_year):
    # Adjust for 3760 years from the Hebrew calendar
    hebrew_year = gregorian_year - 3760

    # Calculate the date of Passover in the Hebrew calendar
    m = 1
    n = hebrew_year
    k = math.floor((12 * n + 17) % 19)
    c = math.floor(n / 100)
    k1 = math.floor((3 * c + 5) / 4)
    k2 = math.floor(8 * c + 13)
    k3 = math.floor((15 * k) - k1 - k2)
    k4 = math.floor((4 * n + k3 + 30) % 7)
    d = math.floor(114 + 30 * k + k3 + k4)

    # Adjust for the nightfall, as the Hebrew day starts at sunset
    d += 1

    # Assign the month and day for Passover
    passover_month = 4 # Nisan
    passover_day = d

    if d < 31:
        passover_month = 3 # Adar II
    elif d == 31:
        if k != 0 and (k3 + k4) > 0:
            passover_month = 3 # Adar II
    elif d == 32:
        passover_month = 2 # Adar
    elif d == 33:
        passover_month = 3 # Adar II

    # Calculate the weekday in the Hebrew calendar (Sunday = 1, Monday = 2, etc.)
    weekday_hebrew = ((passover_day + math.floor(13 * (passover_month + 1) / 5) + k) % 7) + 1

    # Condition for Wednesday at 19:01 on the fourth Hebrew day
    if weekday_hebrew == 4:
        # Translate Hebrew day to common name
        common_days = ["Sunday", "Monday", "Tuesday", "Wednesday", "Thursday", "Friday", "Saturday"]
        weekday_name_hebrew = common_days[weekday_hebrew - 1]

        return {
            "gregorian_year": gregorian_year,
            "hebrew_date": f"Nisan {passover_day}",
            "sunset_time": "19:01",
            "weekday": weekday_hebrew,
            "weekday_name": weekday_name_hebrew
        }
    else:
        return None

# Range of Gregorian years to check
valid_years = []
for gregorian_year in range(25, 36):
    result = calculate_passover_date_and_weekday(gregorian_year)
    if result:
        valid_years.append(result)

# Print the valid years with the required format
print("Here are the calculation results:")
print("Hebrew Date\tGregorian Year\tSunset Time\tWeekday\tCommon Weekday Name")
for result in valid_years:
    print(f"{result['hebrew_date']}\t{result['gregorian_year']}\t{result['sunset_time']}\t{result['weekday']}\t{result['weekday_name']}")

```

<p>I could be wrong, however, according to my calculations, between the years 25 and 35 of our era, only in the years 28 and 31 does the condition hold that, at 19:01, which is our Wednesday night, it aligns with the fourth day of the Hebrew week.</p> <p>Here are the details of the calculation results:</p>	<p>ممکن است اشتباه کرده باشم، اما طبق محاسبات من، بین سال‌های ۲۵ تا ۳۵ دوران ما، تنها در سال‌های ۲۸ و ۳۱ است که این شرایط برقرار است که در ساعت ۱۹:۰۱، که شب چهارشنبه ماست، با روز چهارم هفته عبری هماهنگ می‌شود.</p> <p>در اینجا جزئیات نتایج محاسبات را مشاهده می‌کنید:</p>
---	---

Hebrew date	Gregorian year	Sunset common hour	Day of the week	Common day of the week
Nisan 14, 3785	25	19:01	Sixth	Friday
Nisan 14, 3786	26	19:01	Fifth	Thursday
Nisan 14, 3787	27	19:01	Third	Tuesday
Nisan 14, 3788	28	19:01	Fourth	Wednesday
Nisan 14, 3789	29	19:01	Sabbath	Saturday
Nisan 14, 3790	30	19:01	Fifth	Thursday
Nisan 14, 3791	31	19:01	Fourth	Wednesday
Nisan 14, 3792	32	19:01	Second	Monday
Nisan 14, 3793	33	19:01	First	Sunday
Nisan 14, 3794	34	19:01	Sabbath	Saturday
Nisan 14, 3795	35	19:01	Fifth	Thursday

روز معمولی هفته	روز هفته	ساعت معمولی غروب سال میلادی	تاریخ عبری
جمعه	ششم	۱۹:۰۱	۲۵ نیسان، ۱۴۳۷۸۵
شنبه‌پنج	پنجم	۱۹:۰۱	۲۶ نیسان، ۱۴۳۷۸۶
شنبه‌سه	سوم	۱۹:۰۱	۲۷ نیسان، ۱۴۳۷۸۷
چهارشنبه	چهارم	۱۹:۰۱	۲۸ نیسان، ۱۴۳۷۸۸
شنبه	شنبه	۱۹:۰۱	۲۹ نیسان، ۱۴۳۷۸۹
شنبه‌پنج	پنجم	۱۹:۰۱	۳۰ نیسان، ۱۴۳۷۹۰
چهارشنبه	چهارم	۱۹:۰۱	۳۱ نیسان، ۱۴۳۷۹۱
دوشنبه	دوم	۱۹:۰۱	۳۲ نیسان، ۱۴۳۷۹۲
یکشنبه	اول	۱۹:۰۱	۳۳ نیسان، ۱۴۳۷۹۳
شنبه	شنبه	۱۹:۰۱	۳۴ نیسان، ۱۴۳۷۹۴
شنبه‌پنج	پنجم	۱۹:۰۱	۳۵ نیسان، ۱۴۳۷۹۵

<p>If we want to pick the date of 31 AD, with the restriction of King Herod the Great's death, Christ would have had to be crucified at the age of 33. If we put these considerations in a chronological table, my calculation is that, consistent with criticisms that Christ's birth could not have been around the winter solstice. My estimate is that Christ was born during the Feast of Tabernacles, around the equinox, in early October of the year 4 BCE.</p>	<p>اگر بخواهیم تاریخ سال ۳۱ میلادی را انتخاب کنیم، با محدودیتی که مرگ پادشاه هیروود بزرگ به همراه دارد، مسیح باید در سن ۳۳ سالگی مصلوب شده باشد. اگر این ملاحظات را در یک جدول زمانی قرار دهیم، محاسبه من این است که، با توجه به نقدهایی که بر تولد مسیح وارد شده و این که تولد او نمی‌تواند در حوالی انقلاب زمستانی بوده باشد، تخمین من این است که مسیح در زمان جشن سکینه (خیمه‌ها) در حوالی اعتدال پاییزی، در اوایل اکتبر سال ۴ پیش از میلاد به دنیا آمده است.</p>
---	--

If we accept that His ministry lasted 3.5 years, then He was anointed as king and priest when He turned 27, in the year 24 of our calendar.

Like King David, He was crowned at the age of 30. The date of the coronation is Nisan 14, and He rose from the dead on April 29, in the year 28 of our calendar.

I may have made a mistake in some part of the code. I could also be wrong in this entire hypothesis. If that's the case, in a few years, when we look back, we will laugh about all of this. However, if what I am presenting is correct and the hypothesis is true, I believe it has the potential to change the understanding of certain people's lives, as well as the way they view work, investment, and expectations about the future.

That's why I want to emphasize that I am not trying to predict the future, nor do I consider myself a prophet. And I'm not trying to impress anyone. In reality, the only gain from exploring these topics here is to share something that has the potential to be an interesting deduction.

I am just passionate about numbers and calculations, and I have an immense curiosity to understand reality. The way my brain was designed allows me to have enough discipline to focus on topics I find interesting, even if that means questioning our most basic and common notions about how life works.

An algorithm to redeem lost time as a risk management strategy

If the hypothesis of the previous idea is true, then we all face an essential question of our existence: "If the return of the Lord is inevitable and each day brings us closer, am I prepared to give an account of my life?"

اگر قبول کنیم که وزارت او ۳.۵ سال به طول انجامید، پس او زمانی که ۲۷ ساله شد، در سال ۲۴ میلادی از سوی خداوند به عنوان پادشاه و کاهن مسح شد.

مانند پادشاه داوود، او در سن ۳۰ سالگی تاجگذاری کرد، تاریخ تاجگذاری ۱۴ نisan است و او در تاریخ ۲۹ آوریل در سال ۲۸ میلادی از مردگان برخاست.

ممکن است در بخشی از کد اشتباه کرده باشم. همچنین ممکن است در این فرضیه به طور کلی اشتباه کرده باشم. اگر اینطور باشد، چند سال بعد که به این موضوع نگاه کنیم، به این همه موضوع می‌خندیم. با این حال، اگر آنچه که من ارائه می‌دهم درست باشد و فرضیه صحیح باشد، من معتقدم که این توانایی را دارد که درک زندگی برخی افراد را تغییر دهد، همچنین نحوه دیدگاه آنها نسبت به کار، سرمایه‌گذاری و انتظارات از آینده.

به همین دلیل می‌خواهم تأکید کنم که من قصد پیش‌بینی آینده را ندارم و خودم را پیامبر نمی‌دانم. همچنین قصد ندارم کسی را تحت تأثیر قرار دهم. در واقع، تنها سودی که از بررسی این موضوعات در اینجا به دست می‌آید، به اشتراک گذاشتن چیزی است که پتانسیل تبدیل شدن به یک استنتاج جالب را دارد.

من فقط به اعداد و محاسبات علاقه‌مند هستم و کنجکاوی زیادی دارم تا واقعیت را درک کنم. طوری که مغز من طراحی شده به من این امکان را می‌دهد که به اندازه کافی انضباط داشته باشم تا روی موضوعاتی که برایم جالب هستند تمرکز کنم، حتی اگر این به معنای پرسش از ابتدایی‌ترین و رایج‌ترین تصورات ما درباره چگونگی کارکرد زندگی باشد.

الگوریتمی برای جبران زمان از دست رفته به عنوان یک استراتژی مدیریت ریسک

اگر فرضیه ایده قبلی درست باشد، پس همه ما با یک سوال اساسی از وجود خود روبرو هستیم: «اگر بازگشت پروردگار اجتناب‌ناپذیر است و هر روز ما را به آن نزدیکتر می‌کند، آیا آماده هستم که از زندگی خود حساب پس دهم؟»

This thought is not insignificant because it invites deep reflection. So, one might ask other similar questions: What have I done with what God has placed in my hands, under my authority and responsibility? Why did I allow myself to make so many mistakes, waste so much time, or make such bad decisions in the past?

An inevitable reality for everyone is death, but the problem with it is that we tend to avoid thinking about it by distracting ourselves or even by idolizing false things. However, that doesn't prevent us from having to face it someday.

In fact, these questions may seem similar to those a believer with a terminal illness might ask himself.

The questions raised are not trivial if we accept the possibility of the supernatural. As you can see, the hypothesis from the previous idea led me to a significant reflection, and my conclusion was clear:

Jesus Himself warns us in Matthew 24 about the importance of staying vigilant, and so, I decided that I don't want to face that moment unprepared, unaware, or asleep. Therefore, I understood that it's never too late to act.

I want to share some examples of how one can redeem wasted time, if, like me, you come to a similar conclusion. I am not sharing these to boast or show off, but to document my experience and perhaps inspire someone else to do something similar.

What you read next may actually be more of a timeline of what John the Baptist referred to as bearing "fruits of repentance," but what I have gained so far has amazed me, and it has everything to do with what we will do in Bina.

To date, I have tried to do everything humanly possible to reach as many people as possible with the message of Christ.

However, I have learned that the value is not in the number of people reached or how many disciples you've made, but in acting in obedience to the guidance of the Holy Spirit to do God's will for a specific situation and moment.

این فکر بی اهمیت نیست زیرا دعوت به تفکر عمیق می‌کند. بنابراین، ممکن است سوالات مشابه دیگری مطرح شود: من با آنچه که خداوند در دستم گذاشته، تحت مسئولیت و اختیاری که دارم، چه کرده‌ام؟ چرا اجازه دادم که اشتباهات زیادی مرتکب شوم، زمان زیادی را هدر دهم یا تصمیمات بد زیادی بگیرم؟

واقعیت اجتناب‌ناپذیر برای همه مرگ است، اما مشکل این است که ما تمایل داریم از فکر کردن به آن خودداری کنیم یا با حواس‌پرتی یا حتی پرستش چیزهای دروغین با این حال، این مانع از آن نمی‌شود که روزی مجبور به روبرو شدن با آن نشویم.

در واقع، این سوالات ممکن است مشابه سوالاتی باشد که فردی با بیماری لاعلاج از خود می‌پرسد.

این سوالات بی اهمیت نیستند اگر امکان ماوراءالطبیعه را بپذیریم. همانطور که می‌بینید، فرضیه‌ای که از ایده قبلی داشتم مرا به یک تفکر جدی هدایت کرد و نتیجه‌گیری من روشن بود:

عیسی خود در انجیل متی ۲۴ به ما هشدار می‌دهد درباره اهمیت هوشیاری، و بنابراین من تصمیم گرفتم که نمی‌خواهم در آن لحظه بی‌خبر، ناآماده یا خوابیده مواجه شوم. بنابراین فهمیدم که هیچ وقت برای عمل کردن دیر نیست.

می‌خواهم چند مثال از اینکه چگونه می‌توان زمان از دست رفته را جبران کرد، به اشتراک بگذارم، اگر مثل من به نتیجه مشابهی برسید. من این‌ها را به اشتراک نمی‌گذارم که خود را به نمایش بگذارم یا فخر فروشی کنم، بلکه برای ثبت تجربه‌ام و شاید الهام بخشیدن به دیگران برای انجام کاری مشابه.

آنچه که بعد از این می‌خوانید ممکن است بیشتر شبیه یک خط زمانی از چیزی باشد که یحیی تعمید دهنده از آن به عنوان "ثمرات توبه" یاد کرده است، اما آنچه که تاکنون به دست آورده‌ام مرا شگفت زده کرده است و همه آن با چیزی که در «بینا» خواهیم کرد ارتباط دارد.

تا به امروز، من تلاش کرده‌ام هر آنچه که به طور انسانی ممکن بوده انجام دهم تا پیام مسیح را به بیشترین تعداد افراد ممکن برسانم.

با این حال، آموخته‌ام که ارزش در تعداد افرادی نیست که به آنها رسیده‌ایم یا در تعداد شاکردانی که ساخته‌ایم، بلکه در اطاعت از هدایت روح‌القدس برای انجام اراده خداوند در یک موقعیت و لحظه خاص است.

Each one of us has unique talents and abilities, and comparisons don't help anything.

In my opinion, what matters are the small and humble steps because the gospel works like a mustard seed or like a little yeast that transforms the whole dough.

We can also think of any action related to the gospel as a chain reaction, similar to a nuclear reaction, that has an impact like compound growth, which leads to eternal value because we are talking about the Kingdom of Heaven.

For example, even though I have less than 2,000 subscribers on my Facebook page, thanks to using advertising and several organic techniques, I have reached over 700,000 people.
<https://www.facebook.com/GuillermoEstefaniMonarrez>

I believe that, although the numbers are modest when compared to more popular pages, I am convinced that this effort has been timely and has contributed, in some way, to some of the changes we see in the current reality.

In January 2022, I set myself a goal: to review each chapter of "Mere Christianity" by C.S. Lewis and record a series of explanatory videos for each one.

Lewis is considered one of the most influential theologians of the 20th century, and in this work, he clearly and deeply addresses the arguments of modern atheism, offering a solid and relevant Christian response.

Between January and February of that year, I worked on developing content that I hope will serve as a resource for those seeking a deeper understanding of Christian thought in today's world.

The most interesting thing about this work is that Lewis examines what Christianity really is, among other topics such as the foundation of Christian morality, the virtues that support it, and the hope we have by being part of God's people.

هر یک از ما استعدادها و توانایی‌های منحصر به فردی داریم، و مقایسه‌ها هیچ کمکی نمی‌کنند.

به نظر من، چیزی که اهمیت دارد، قدم‌های کوچک و فروتنانه است، زیرا انجیل مانند دانه خردل یا مانند خمیری است که همه خمیر را تغییر می‌دهد.

ما همچنین می‌توانیم هر عملی که با انجیل مرتبط است را مانند یک واکنش زنجیره‌ای تصور کنیم، مشابه به واکنش هسته‌ای، که تأثیری مانند رشد ترکیبی دارد و به ارزش‌های ابدی منجر می‌شود چون داریم درباره پادشاهی آسمان صحبت می‌کنیم.

برای مثال، حتی اگر کمتر از 2000 نفر مشترک در صفحه فیس‌بوک من دارم، به لطف استفاده از تبلیغات و چندین تکنیک ارگانیک، من توانسته‌ام به بیش از 700,000 نفر دست پیدا کنم.

<https://www.facebook.com/GuillermoEstefaniMonarrez>

من معتقدم که اگرچه این اعداد در مقایسه با صفحات محبوب‌تر کم است، اما من متقاعد هستم که این تلاش به موقع بوده و به نحوی به تغییراتی که در واقعیت کنونی مشاهده می‌کنیم، کمک کرده است.

در ژانویه 2022، هدفی برای خودم تعیین کردم: بررسی هر و ضبط C.S. Lewis فصل از کتاب "مسیحیت ساده" نوشته یک سری ویدیوهای توضیحی برای هر فصل.

لویس یکی از تأثیرگذارترین الهی‌دانان قرن بیستم محسوب می‌شود، و در این اثر، او به‌طور واضح و عمیق به استدلال‌های آنتیسم مدرن پرداخته و پاسخی مسیحی و مستحکم ارائه می‌دهد.

بین ژانویه و فوریه همان سال، من بر روی توسعه محتوایی کار کردم که امیدوارم به عنوان یک منبع برای کسانی که به دنبال درک عمیق‌تری از تفکر مسیحی در دنیای امروز هستند، مفید باشد.

جالب‌ترین نکته در مورد این کار این است که لویس به بررسی این موضوع می‌پردازد که مسیحیت واقعاً چیست، در کنار دیگر موضوعات مانند بنیان اخلاق مسیحی فضائلی که از آن حمایت می‌کنند و امیدی که ما با عضویت در مردم خداوند داریم.

<p>The series is available on YouTube for those who want to explore Lewis' approach, chapter by chapter.</p> <p>https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBF7EpEC6g-08VMxBa0f54AkFUVQEcY</p> <p>From March to May of 2022, I focused on another important work of modern Christian apologetics: "The Case for Christ" by Lee Strobel.</p> <p>This book documents and proves the historical evidence and arguments about the life of Christ, His death, and His resurrection.</p> <p>Inspired by Strobel's work, I created another series of videos where I added additional evidence and reasoning that, in my opinion, further strengthen the case presented by Strobel.</p> <p>This material is also available on YouTube, as an invitation to dive deeper into the evidence and reflect.</p> <p>https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBF7EpEC6j9Rx_3g7iIsIcI-2yolpAQ</p> <p>From May to July, my focus shifted again, this time to the principles of Christian stewardship. I felt the need to document and share the principles that I believe are essential for living a life of stewardship in all areas, especially in relation to material things and finances.</p> <p>This collection of videos is also available on YouTube, and it aims to offer a practical and accessible perspective for those who want to live with a sense of responsibility and Christian purpose.</p> <p>https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBF7EpEC6jb_Oy_5aS7x28TVstIIPCS</p> <p>At the same time, between April and June 2022, I started another project: recording the Bible in Spanish so that it could be available on Spotify.</p> <p>The possibility that anyone, anywhere with internet access, could listen to the Bible in a modern language seemed invaluable to me.</p>	<p>این سریال در یوتیوب برای کسانی که می‌خواهند به شیوه لوئیس، فصل به فصل، بپردازند، در دسترس است</p> <p>https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBF7EpEC6g-08VMxBa0f54AkFUVQEcY</p> <p>از مارس تا مه 2022، من تمرکز خود را بر روی یک اثر مهم دیگر از آپولوگتیک مسیحی مدرن گذاشتم: "مورد مسیح" نوشته لی استروبل.</p> <p>این کتاب مدارک و شواهد تاریخی و استدلال‌ها درباره زندگی مسیح، مرگ او و قیامش را مستند و ثابت می‌کند.</p> <p>الهام گرفته از کار استروبل، من یک سری ویدیو دیگر ایجاد کردم که در آن شواهد و استدلال‌های اضافی اضافه کردم که به نظر من، پرونده‌ای که استروبل ارائه داده را بیشتر تقویت می‌کند.</p> <p>این مطالب نیز در یوتیوب در دسترس است و به عنوان دعوتی برای کاوش بیشتر در شواهد و تفکر است</p> <p>https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBF7EpEC6j9Rx_3g7iIsIcI-2yolpAQ</p> <p>از مه تا ژوئیه، تمرکز من دوباره تغییر کرد و این بار به اصول امانتداری مسیحی پرداختم. من احساس کردم که باید اصولی را که به نظر من برای زندگی به عنوان یک امانتدار در تمام زمینه‌ها ضروری است، به ویژه در رابطه با مسائل مادی و مالی، مستند و به اشتراک بگذارم.</p> <p>این مجموعه ویدیوها نیز در یوتیوب در دسترس است و هدف آن ارائه یک دیدگاه عملی و قابل دسترس برای کسانی است که می‌خواهند با حس مسئولیت و هدف مسیحی زندگی کنند.</p> <p>https://www.youtube.com/playlist?list=PL0HBF7EpEC6jb_Oy_5aS7x28TVstIIPCS</p> <p>در عین حال، بین آوریل و ژوئن 2022، من یک پروژه دیگر را شروع کردم: ضبط کتاب مقدس به زبان اسپانیایی تا در اسپانیای در دسترس باشد.</p> <p>امکان اینکه هر کسی در هر جایی با دسترسی به اینترنت بتواند کتاب مقدس را به زبان مدرن گوش دهد، برای من بی‌قیمت به نظر می‌رسید.</p>
---	--

So far, more than 2,300 people in 50 countries have played these audio recordings about 26,000 times. This project has been an unexpected privilege; I never imagined that I could read the Scriptures to so many people at once.

To make it easier to listen, I've organized playlists on Spotify.

<https://open.spotify.com/playlist/2FfP5XivCBYnrAxYJYslx0?si=48933ba98042468a>

Here's one playlist dedicated exclusively to the New Testament based on this podcast.

<https://open.spotify.com/playlist/6y2lxKiXrgNOZZvXhHVkKH?si=6b84e3d4d2664845>

On August 28, 2022, after two weeks, I finished the manuscript of a book I titled "How to Value Your Days? (or How to Recover from Lost Time)."

I used the reflections I had made about time to create a simple thesis: a manual with a practical method for using our days, weeks, and seasons wisely.

My main discovery here is an algorithm based on questions, which tries to follow the order in which God made everything in one week, and I called it "the creative week."

After years of wrong decisions, I believe it is possible to recover lost time using a method that encourages decisions based on applying wisdom.

<https://www.amazon.com/dp/B0BD1V2GS7>

I show this algorithm in the following table, but for practical purposes, bear in mind that the explanations are in the book.

تاکنون، بیش از ۲,۳۰۰ نفر از ۵۰ کشور مختلف این ضبط‌های صوتی را حدود ۲۶,۰۰۰ بار گوش داده‌اند. این پروژه یک امتیاز غیرمنتظره بوده است؛ هرگز تصور نمی‌کردم که بتوانم کتاب مقدس را به این تعداد از مردم به طور همزمان بخوانم.

برای راحت‌تر کردن گوش دادن، من پلی‌لیست‌هایی را در اسپاتیفای سازماندهی کرده‌ام.

<https://open.spotify.com/playlist/2FfP5XivCBYnrAxYJYslx0?si=48933ba98042468a>

در اینجا یک پلی‌لیست اختصاصی برای عهد جدید بر اساس این پادکست وجود دارد.

<https://open.spotify.com/playlist/6y2lxKiXrgNOZZvXhHVkKH?si=6b84e3d4d2664845>

در تاریخ ۲۸ آگوست ۲۰۲۲، پس از دو هفته، دست‌نویس کتابی را که با عنوان "چگونه روزهای خود را ارزیابی کنیم؟" (یا چگونه از زمان‌های از دست رفته بهبود یابیم) به پایان رساندم.

من از تأملاتی که درباره زمان داشتم برای ایجاد یک پایان‌نامه ساده استفاده کردم: یک راهنمای عملی با روشی برای استفاده عاقلانه از روزها، هفته‌ها و فصول زندگی.

کشف اصلی من در اینجا الگوریتمی است که بر اساس سوالات ساخته شده است، که سعی می‌کند ترتیب کارهایی را که خداوند در یک هفته انجام داد، دنبال کند و آن را "هفته خلاقانه" نامیدم.

بعد از سال‌ها تصمیمات اشتباه، معتقدم که می‌توان با استفاده از روشی که تصمیمات مبتنی بر حکمت را تشویق می‌کند، زمان از دست رفته را بازیابی کرد.

<https://www.amazon.com/dp/B0BD1V2GS7>

من این الگوریتم را در جدول زیر نشان می‌دهم، اما برای کاربردهای عملی، به یاد داشته باشید که توضیحات در کتاب آمده است.

To use this tool properly, the approach is as follows: "In prayer time, ask the Holy Spirit for help to answer the following questions..."

#	Day	Focus	At night, before sleep	At dawn, before working
1.	Firstborn	What can I do today to celebrate Christ Jesus as the Firstborn?	(Saturday night) What is the ONE thing I can do this week to expand the kingdom of Heaven on Earth?	What is the ONE significant achievement for this week if everything goes well?
2.	Clear	Decide how to overcome the main obstacle.	(Sunday night) What is the main obstacle in my heart that hinders me from accomplishing the ONE thing I need to do this week?	How can I address the main obstacle preventing me from accomplishing the ONE thing I must do this week?
3.	Sort out	Choose the ONE category that will have the most impact on the desired outcome.	(Monday night) Which area of my heart am I strongest in and willing to compromise to achieve the ONE thing?	Which area am I strongest in and willing to sacrifice to achieve the ONE thing?
4.	Systems	Implement the simplest approach to accomplish the ONE thing.	(Tuesday night) What should be the sole focus in my heart to expand the kingdom of Heaven in the simplest way?	Are there any overlooked factors hindering my focus on the ONE thing?
5.	Multiply	Share the opportunity to accomplish the ONE thing.	(Wednesday night) What hinders me in my heart from placing what I have in the hands of Christ Jesus to bless it?	If limited to two hours of work per day due to a heart attack, what's the ONE thing I should prioritize and how can I delegate the rest?
6.	Culminate	Do something wonderful	(Thursday night) Where in my life does the mighty hand of the Lord Jesus require a miracle?	What is the ONE thing that would make this task wonderful?
7.	Rest	Embrace mercy	(Friday night) Who is the person I feel owes me the most, and how much do they owe me?	How can I celebrate that Christ Jesus is the Lord of Rest?

برای استفاده صحیح از این ابزار، رویکرد به این صورت است: «در وقت نماز از روح القدس برای پاسخ به سؤالات زیر کمک...بخواهید»

#	روز	تمرکز	شب قبل از خواب	صبح زود قبل از کار
1	زاده‌نخستین	امروز توانم می‌کاری چه مسیح تا دهم انجام عنوان به را عیسی جشن زاده‌نخستین بگیرم؟	هفته این توانم می‌کاری تنها (شنبه شب) زمین روی بر را آسمان پادشاهی تا دهم انجام چیست؟ دهم گسترش	برود پیش خوبی به چیز همه اگر چیست؟ هفته این مهم دستاورد
2	روشن	چگونه که بگیر تصمیم کنی غلبه اصلی مانع بر	که من قلب در اصلی مانع (یکشنبه شب) هفته این که است کاری تنها انجام از مانع چیست؟ دهم انجام باید	جلوی که اصلی مانع توانم می‌چگونه را دهم انجام باید که کاری تنها انجام کنم؟ برطرف، گیردی
3	مرتب کردن	را هابندی دسته از یکی بیشترین که کن انتخاب مطلوب نتیجه بر را تأثیر داشت خواهد	من قلب از بخش کدام (دوشنبه شب) تنها به رسیدن برای ام‌آماده و است ترین قوی کنم؟ فدای را آن، هدف	و است ترین قوی من از بخش کدام را آن، هدف تنها به رسیدن برای ام‌آماده کندم؟ فدای
4	هاسیستم	برای را روش ترین ساده انتخاب کار تنها انجام کن.	من قلب در که تمرکزی تنها (شنبه سه شب) ترین ساده به را آسمان پادشاهی تا باشد باید چیست؟ دهم گسترش روش	بر من تمرکز که دارند وجود عواملی آیا کنند؟ محدود را هدف تنها روی
5	المثل ضرب	را کار تنها انجام فرصت بگذار اشتراک به	مانع من قلب در چیزی چه (چهارشنبه شب) مسیح دستان در دارم که آنچه دادن قرار از است؟ آن دادن برکت برای عیسی	ساعت دو تنها قلبی حمله دلیل به اگر باید چه من اولویت، کنم کار روز در واگذار را بقیه توانم می‌چگونه و باشد کنم؟
6	اوج	انگیز انجام کاری شگفت بده.	دستان من زندگی در کجا (پنجشنبه شب) دارند؟ نیاز معجزه به عیسی خداوند قدرتمند	انگیزشگفت را وظیفه این که کاری تنها چیست؟ کندمی
7	استراحت	رحمت را بپذیر	کنم می‌احساس که کسی (جمعه شب) چقدر و کیست دارد من به را بدهی بیشترین است؟ بدهکار من به	مسیح که بگیرم جشن توانم می‌چگونه است؟ استراحت خداوند، عیسی

A couple of days after finishing this book, a persistent question came to my mind: "Given that this book describes the reality, what should my priority be?"

I soon came across a report from 2021 that gave an impressive number: of the more than 8 billion adults in the world, around 1.6 billion identified as members of the Christian Church.

With that number in mind, on August 30, I wrote an essay thinking about the size of the task of preaching the gospel for the Christian church in the 21st century.

Using logic, to achieve total evangelization in 150 weeks, it can be calculated that a growth rate of +1.1% per week for the Christian church would be needed.

(مداوم) persistent چند روز پس از اتمام این کتاب، سوالی به ذهنم آمد: "با توجه به اینکه این کتاب واقعیت‌ها را توصیف می‌کند، اولویت من باید چه چیزی باشد؟"

به زودی گزارشی از سال 2021 پیدا کردم که عدد قابل توجهی را ارائه می‌داد: از بیش از 8 میلیارد بزرگسال در جهان، حدود 1.6 میلیارد نفر خود را عضو کلیسای مسیحی معرفی کرده‌اند.

با توجه به این عدد، در تاریخ 30 اوت، مقاله‌ای نوشتم که در آن به اندازه‌ی وظیفه تبلیغ انجیل برای کلیسای مسیحی در قرن 21 فکر می‌کردم.

با استفاده از منطق، برای دستیابی به تبلیغ کامل انجیل در هفته، می‌توان محاسبه کرد که برای کلیسای مسیحی 150 نرخ رشد +1.1 درصد در هر هفته لازم است.

After carefully considering the matter and praying about it, my conclusion was that the most logical and practical method to achieve this seemed to be the following: one believer of the current Christian Church reaching one non-believer each year.

The process of the algorithm doesn't require software but is repeated with a simple and logical pattern:

- In the first year, one believer could share the gospel with three non-believing friends, expecting at least one of them to accept it.
- In the second year, two believers would communicate the gospel to six non-believers, expecting that two would accept it.
- In the third year, three believers would share the message with nine people, thus completing the task on a global scale.

I also remember that, from September to December 2022, while I was writing this manual, the state of Durango was going through a financial crisis. It was said that the previous government had left the public finances in ruins, and overall, there was a sense of pessimism and depression throughout the city.

In the middle of this situation, I focused on documenting a simple method of evangelism for anyone, regardless of their temperament.

During September 2022, I worked on shaping this plan into a personal evangelism manual, for which I received wonderful help and feedback from several members of the Christian church in Durango.

Roxana, a friend and a fellow shareholder of Bina, reviewed the final text on October 28, and on October 30, it was published, along with illustrations by Juan Pablo Robles, which he had completed about the Beatitudes of Jesus.

<https://www.amazon.com/dp/B0BP2Y3TC5>

پس از بررسی دقیق موضوع و دعا کردن در این مورد نتیجه‌گیری من این بود که منطقی‌ترین و عملی‌ترین روش برای دستیابی به این هدف به نظر می‌رسید این باشد: یک مؤمن از کلیسای مسیحی کنونی هر سال باید به یک غیرمؤمن دست پیدا کند.

فرایند الگوریتم نیازی به نرم‌افزار ندارد، بلکه با یک الگوی ساده و منطقی تکرار می‌شود:

- در سال اول، یک مؤمن می‌تواند انجیل را با سه دوست غیرمؤمن خود به اشتراک بگذارد و انتظار داشته باشد که حداقل یکی از آنها آن را بپذیرد.
- در سال دوم، دو مؤمن انجیل را با شش غیرمؤمن به اشتراک می‌گذارند و انتظار دارند که دو نفر آن را بپذیرند.
- در سال سوم، سه مؤمن پیام را با نه نفر به اشتراک می‌گذارند و بدین ترتیب کار را در سطح جهانی تکمیل می‌کنند.

همچنین به یاد دارم که از سپتامبر تا دسامبر 2022، در حالی که من مشغول نوشتن این راهنما بودم، ایالت دورانگو در حال گذراندن یک بحران مالی بود. گفته می‌شد که دولت قبلی وضعیت مالی عمومی را به ویرانی کشانده است و به طور کلی در سراسر شهر حس بدبینی و افسردگی وجود داشت.

در وسط این وضعیت، من بر مستندسازی یک روش ساده، بشارت دهی برای هر کسی، صرف‌نظر از شخصیت او تمرکز کردم.

در سپتامبر 2022، من بر روی شکل دادن این طرح به یک راهنمای بشارت شخصی کار کردم، که در این راستا کمک و بازخوردهای شگفت‌انگیزی از چندین عضو کلیسای مسیحی در دورانگو دریافت کردم.

روکسانا، یک دوست و شریک تجاری من در بینا، متن نهایی را در تاریخ 28 اکتبر بررسی کرد و در تاریخ 30 اکتبر منتشر شد، همراه با تصاویری از خوان پابلو رولز که او درباره خوشبختی‌های عیسی تکمیل کرده بود.

<https://www.amazon.com/dp/B0BP2Y3TC5>

<p>After finishing the book, one day while washing the dishes at my parents' house, my mother joked, suggesting that I write about the "fruit of the Holy Spirit."</p> <p>Then, in November 2022, during a trip to Guadalajara, I had a conversation with Santiago Castillo, who mentioned something about Ray Dalio and his book "Principles."</p> <p>This motivated me to read Dalio's work, which I had once put aside, and from that reading, an idea came to me: to write a Christian response to his approach, which I felt was colored with pantheistic ideas.</p> <p>My book, "Principles for Living in the Spirit," was published in December 2022 and offers a Christian perspective, which I believe is more realistic than Dalio's. Although I respect Dalio a lot, I think he ignores the reality of the Holy Spirit, which makes his work incomplete. https://www.amazon.com/dp/B0BP1GL58T/</p> <p>During that trip in November, while returning to Durango on the Zacatecas highway, I listened to the song "No Longer Slaves" by Zack Williams, recorded live in a Tennessee prison. https://open.spotify.com/intl-es/track/1e2WZAaJXIFAk5801jlyM7?si=fbe45cc56f954344</p> <p>Something resonated deeply inside me, and I thought: "No one has as much time to reflect on what matters as those who are in prison."</p> <p>So, I concluded that, unlike my acquaintances who I sent the 2021 book "He Is," the guys at prison would be more than interested to pay attention to the message of the book.</p> <p>I decided I needed to find a way to get the message to them. I told my mother about it, and she told me about a pastor from a local church who had been involved in this ministry in the state prison of Durango for many years.</p> <p>However, when I looked into the situation at the state prison, I heard disturbing rumors within the Christian community.</p>	<p>بعد از تمام کردن کتاب، روزی در حالی که در خانه والدینم ظرف می‌شستم، مادرم شوخی کرد و پیشنهاد داد که درباره میوه‌های روح‌القدس "بنویسم"</p> <p>سپس، در نوامبر 2022، در طی یک سفر به گوادالاخارا گفتگویی با سانتیاگو کاستیلو داشتم که در مورد ری دالیو و کتابش "اصول" چیزی گفت.</p> <p>این موضوع من را تحریک کرد تا کتاب دالیو را که قبلاً کنار گذاشته بودم، دوباره بخوانم و از آن مطالعه، ایده‌ای به ذهنم رسید: نوشتن یک پاسخ مسیحی به رویکرد او که احساس می‌کردم با ایده‌های پانتئیستی رنگ‌آمیزی شده است.</p> <p>کتاب من، "اصول زندگی در روح"، در دسامبر 2022 منتشر شد و دیدگاه مسیحی‌ای ارائه می‌دهد که من اعتقاد دارم از دیدگاه دالیو واقع‌بینانه‌تر است. اگرچه احترام زیادی برای دالیو قائلم، ولی فکر می‌کنم او واقعیت روح‌القدس را نادیده می‌گیرد، که باعث می‌شود کار او ناقص باشد https://www.amazon.com/dp/B0BP1GL58T/</p> <p>در طول همان سفر در نوامبر، در حالی که به دراگون No برگشتم و از جاده زاکاتکاس عبور می‌کردم، آهنگ از زاک ویلیامز را گوش دادم که در "No Longer Slaves" یک زندان در تنسی به صورت زنده ضبط شده بود. https://open.spotify.com/intl-es/track/1e2WZAaJXIFAk5801jlyM7?si=fbe45cc56f954344</p> <p>چیزی عمیقاً در درونم طنین انداخت و فکر کردم: "هیچ‌کس به اندازه کسانی که در زندان هستند، وقت کافی برای تفکر" در مورد آنچه که مهم است ندارد.</p> <p>بنابراین، نتیجه‌گیری کردم که برخلاف آشنایانی که کتاب من، "او هست"، را دریافت کرده بودند، افرادی که 2021 در زندان هستند بیش از اندازه علاقه‌مند خواهند بود که به پیام کتاب توجه کنند.</p> <p>تصمیم گرفتم که باید راهی پیدا کنم تا پیام را به آن‌ها برسانم به مادرم گفتم و او از یک کشیش در یک کلیسای محلی صحبت کرد که سال‌هاست در این وزارت در زندان ایالتی دورانگو فعالیت می‌کند.</p> <p>اما زمانی که وضعیت زندان ایالتی را بررسی کردم، شایعات نگران‌کننده‌ای را در داخل جامعه مسیحی شنیدم.</p>
--	--

It was said that organized crime had infiltrated the church, with some of its members pretending to be pastors. It was also said that it was nearly impossible to access the prison through a Christian ministry at that time.

In the midst of this uncertainty, I decided to keep pushing with the leaders of my church to try again. I was determined about this, and throughout those months, we prayed about it constantly.

In February, something unexpected happened: federal authorities from Mexico City arrested those who had been blocking the Christian ministry in the state prison. As a result, the doors to the local church were opened again. It wasn't something we did; I'm sure it was the power of the Holy Spirit answering the prayers of several Christian congregations.

From February to May 2023, I had the chance to share the gospel in the main prison of the state of Durango.

The Catholic Church welcomed us on Thursday's noon. During that time, something became clear to me, and it can be summed up in a phrase that is common in the ministry there: "There are free people who are prisoners of their sin, and there are prisoners who are free in Christ."

In addition to offering them a hug and a sign of dignity that is rare in those places, I wanted them to have the opportunity to read the Bible out loud.

Months before my time in visiting that prison ended, I started encouraging the prisoners to get a Bible. We used to pray for authorities such as our governor and judges.

During each time I had a short time to share an idea with them, with support from the priest at the church, I encouraged some brave individuals to come forward and read a Psalm or another passage aloud to all the prisoners assembled.

گفته می‌شد که جرم سازمان‌یافته به کلیسا نفوذ کرده است، به طوری که برخی از اعضای آن خود را به عنوان کشیش معرفی می‌کردند. همچنین گفته می‌شد که در آن زمان تقریباً غیرممکن بود که از طریق یک وزارت مسیحی به زندان دسترسی پیدا کرد.

در میان این ابهام، تصمیم گرفتم که همچنان با رهبران کلیسایم تلاش کنم تا دوباره اقدام کنیم. من در این مورد مصمم بودم و در طول آن ماه‌ها، مرتباً برای این موضوع دعا کردیم.

در ماه فوریه، اتفاقی غیرمنتظره افتاد: مقامات فدرال از مکزیکو سیتی افرادی را که مانع از فعالیت وزارت مسیحی در زندان ایالتی شده بودند، دستگیر کردند. در نتیجه، درها به روی کلیسای محلی دوباره باز شد. این چیزی نبود که ما انجام دادیم؛ مطمئنم که این قدرت روح‌القدس بود که به دعا‌های چندین جماعت مسیحی پاسخ می‌داد.

از فوریه تا مه 2023، این فرصت را داشتم که انجیل را در زندان اصلی ایالت دورانگو به اشتراک بگذارم.

کلیسای کاتولیک در ظهر روز پنجشنبه از ما استقبال کرد. در آن زمان، چیزی برای من روشن شد که می‌توان آن را در یک جمله که در آن وزارت خانه رایج است، خلاصه کرد: "افرادی آزاد هستند که اسیر گناه خود هستند، و افرادی در زندان هستند که در مسیح آزادند."

علاوه بر اینکه می‌خواستم به آنها یک بغل و نشانه‌ای از کرامت که در آنجا نادر است، بدهم، می‌خواستم فرصتی برای خواندن کتاب مقدس به صورت بلند داشته باشند.

چند ماه قبل از پایان زمانم در آن زندان، شروع به تشویق زندانیان کردم تا یک کتاب مقدس بگیرند. ما برای مقامات مانند فرماندار و قضات دعا می‌کردیم.

در هر زمانی که فرصتی کوتاه داشتم تا یک ایده با آنها به اشتراک بگذارم، با حمایت کشیش کلیسا، بعضی از افراد شجاع را تشویق می‌کردم که جلو بیایند و یک مزامیر یا بخش دیگری را بلند برای تمام زندانیان حاضر بخوانند.

Seeing how it brought them joy inspired me to urge them to ask their families to bring them a Bible. Their situation became a personal burden for me. I prayed a lot, asking God for resources so that each of them could receive their own Bible.

One of those visits, after I repeatedly suggested they ask their families for a Bible, one of the prisoners said to me in front of everyone:

"No, you don't understand. Yesterday, they went through each of our cells and handed us a Bible." She showed me a small blue booklet. It was a New Testament like the ones you find in hotels. Each prisoner pulled a Gideon Bible out of their pocket!

In May, when my time in the prison ended, I began to get involved in the local church's street evangelism initiatives.

Because of this, I felt a calling to share the gospel out loud from Plazuela Baca Ortiz a local town square. The evangelism team supported me the few times we were together. This happened around May and June of 2024.

Eventually, I decided to join another church where they read the Bible verse by verse, but I didn't stop my commitment to the Plazuela. From June 2023 to June 2024, every Thursday I went to this square to openly preach the gospel to tens of thousands of people from Durango.

The results and the explanation in Spanish of what was done with the preaching program in the town square can be found here:

https://guillermoestmon.substack.com/p/el-dia-10-del-mes-2-del-ano-1996?utm_source=publication-search

It was at this square, known as the "terror square," where I first came into contact with the Tepehuan communities, who have been using the plaza as a meeting point for centuries.

Between September 25 and October 14, 2023, I conducted a survey to understand the motivations, desires, needs, and aspirations of Bina's members regarding life.

دیدن اینکه چگونه این کار به آنها شادی می‌دهد، مرا تشویق کرد که آنها را ترغیب کنم تا از خانواده‌هایشان بخواهند که یک کتاب مقدس برایشان بیاورند. وضعیت آنها تبدیل به یک بار شخصی برای من شد. من زیاد دعا کردم و از خدا خواستم که منابعی فراهم کند تا هر یک از آنها بتوانند کتاب مقدس خود را دریافت کنند.

در یکی از این بازدیدها، بعد از اینکه من به طور مکرر پیشنهاد کردم که از خانواده‌هایشان درخواست کنند تا کتاب مقدسی برایشان بیاورند، یکی از زندانیان در حضور همه به من گفت:

نه، شما نمی‌فهمید. دیروز، آنها از هر سلول ما عبور کردند و یک کتاب مقدس به ما دادند. "او یک کتابچه کوچک آبی را به من نشان داد. این یک عهد جدید مانند آنهایی بود که در هتل‌ها پیدا می‌کنید. هر زندانی یک کتاب مقدس از اجیش درآورد"

در ماه مه، وقتی زمانم در زندان تمام شد، شروع به شرکت در ابتکارات بشارت خیابانی کلیسای محلی کردم.

به همین دلیل، من احساس کردم که باید انجیل را از میدان پلازولا باکا اورتیز، یک میدان محلی، بلند بخوانم. تیم بشارت از من حمایت کرد، هر چند که تعداد کمی از دفعاتی که با هم بودیم. این اتفاق در ماه‌های مه و ژوئن 2024 رخ داد.

در نهایت، تصمیم گرفتم به کلیسای دیگری بپیوندم که آیات کتاب مقدس را آیه به آیه می‌خواندند، اما تعهدم به پلازولا متوقف نکردم. از ژوئن 2023 تا ژوئن 2024، هر پنج‌شنبه به این میدان می‌رفتم تا انجیل را به طور علنی به ده‌ها هزار نفر از مردم دورانگو بشارت بدهم.

نتایج و توضیح به زبان اسپانیایی از آنچه در برنامه بشارت در میدان شهر انجام شد، در اینجا قابل مشاهده است:

https://guillermoestmon.substack.com/p/el-dia-10-del-mes-2-del-ano-1996?utm_source=publication-search

در این میدان، که به نام "میدان ترس" شناخته می‌شود، جایی بود که اولین بار با جوامع تپه‌وآن آشنا شدم، که قرن‌هاست از این میدان به عنوان نقطه ملاقات استفاده می‌کنند.

بین 25 سپتامبر و 14 اکتبر 2023، یک نظرسنجی انجام دادم تا انگیزه‌ها، خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای اعضای بینا را در مورد زندگی درک کنم.

The results showed me that these topics could benefit a larger audience because the value I found in these conversations was worth sharing.

That's when, on October 13, I decided to start a newsletter called "Comunicación de Guillermo" with the aim of writing about relevant and useful topics for society.

The first essay, titled "Intrinsic Value," explores this concept in depth, and you can read it here (in Spanish):

<https://guillermoestmon.substack.com/p/el-secreto-del-valor-intrinseco> .

By December 2023, I had formed a friendship with several people who came to the Plazuela on Thursday afternoons, including Don Calixto. I also became friends with Perfecto, a Tepehuan leader who pointed out that I wouldn't really help his people in that square, so he helped me by guiding me to find the common house for indigenous people in the city of Durango.

At the beginning of 2024, I decided to begin an evangelism process at this Tepehuan house in Santa María de Ocotan.

This allowed me to meet Eliseo, a relative of Perfecto and a leader of this community in the city of Durango.

Eliseo kindly shared with me important aspects of Tepehuan life, and I had the privilege of receiving his direct guidance.

Every Tuesday afternoon, we read the gospels in both Spanish and the O'Dam language.

What I have learned from these interactions is documented in a memorandum that I can freely share upon request.

In mid-2024, I met Plácido, a Tepehuan from Pueblo Nuevo, through Andrew, an Australian missionary that has spent more than a decade among these people deep in the Tepehuan Sierra in San Francisco de Lajas, where they are Au'Dam, a different community from Eliseo's O'Dam group, with whom I also formed a deep friendship.

نتایج به من نشان داد که این موضوعات می‌توانند به یک جمعیت بزرگتر سود برسانند، زیرا ارزشی که من در این گفتگوها پیدا کردم، ارزش به اشتراک گذاری داشت.

در همین زمان، در 13 اکتبر، تصمیم گرفتم یک خبرنامه به نام "ارتباطات گویلمو" راه‌اندازی کنم با هدف نوشتن در مورد موضوعات مرتبط و مفید برای جامعه.

اولین مقاله با عنوان "ارزش ذاتی" این مفهوم را به طور عمیق بررسی می‌کند و شما می‌توانید آن را در اینجا بخوانید (به زبان اسپانیایی):

<https://guillermoestmon.substack.com/p/el-secreto-del-valor-intrinseco> .

تا دسامبر 2023، من دوستی‌هایی با چند نفر که عصرهای پنج‌شنبه به پلازولا می‌آمدند، از جمله دون کالیستو، برقرار کردم. همچنین با پرفکتو، یک رهبر تهپهوان که به من گفت که در آن میدان واقعاً به مردمش کمک نمی‌کنم، دوست شدم او با راهنمایی من به خانه مشترک مردم بومی در شهر دورانگو کمک کرد.

اوایل سال 2024، تصمیم گرفتم که یک فرآیند بشارتی در این خانه تهپهوان در سانتا ماریا د اوکوتان آغاز کنم.

این فرصت به من داد تا با الیسو، یکی از بستگان پرفکتو و یک رهبر این جامعه در شهر دورانگو، آشنا شوم.

الیسو به طور مهربانانه جنبه‌های مهمی از زندگی تهپهوان را با من به اشتراک گذاشت و من این فرصت را داشتم که از راهنمایی مستقیم او بهره‌مند شوم.

هر سه‌شنبه عصر، ما انجیل‌ها را هم به زبان اسپانیایی و هم به زبان اودام می‌خواندیم.

آنچه از این تعاملات آموختم، در یک یادداشت ثبت شده است که می‌توانم در صورت درخواست به اشتراک بگذارم.

در میانه سال 2024، من از طریق اندرو، یک مبلغ استرالیایی که بیش از یک دهه در میان این مردم در اعماق سیرا تهپهوان در سان فرانسیسکو د لاخاس زندگی کرده، با پلاسیدو، یک تهپهوان از پوبلو نوو آشنا شدم. اندرو در آنجا با گروه اودام زندگی می‌کند، که یک جامعه متفاوت از گروه اودام الیسو است، و من همچنین با الیسو دوستی عمیقی برقرار کرده‌ام.

Plácido faced rejection from the Christian people of Durango because he had a large family with four wives. This situation shocked the local Christian communities. I decided that we would have a Bible study in Au'Dam, which we held for several months at his ranch. Eventually, we managed to get Plácido and his family accepted into a nearby local community just a couple of months ago.

I then set a clear goal: to do what was necessary to print Bibles in the O'Dam language for the Tepehuan community. However, I soon discovered a limitation: my resources were not enough because this community has over 10,000 families spread across more than 1,000 locations throughout the mountains, in the municipalities of Mezquital and Pueblo Nuevo, south of Durango.

Thus, I understood that the project was huge and that it would not be feasible without substantial financial support. For this reason, I now visit my brothers from Santa María Ocotán only occasionally. Because I learned in Betsela the power of a good strategy, we are developing a self-sustaining evangelism plan through the sale of sheep in the Gran Nayar region. This area is home to the largest concentration of indigenous communities in Mexico, including the Tepehuans from Durango.

At the same time, in November 2023, I started a program to prepare my body for a marathon through the practice of compound gain. This program paid off, and on June 10, 2024, I reached my goal. You can read more about this experience here:

https://guillermoestmon.substack.com/p/el-dia-14-del-mes-2-del-ano-1996?utm_source=publication

Starting in March, my newsletter "Comunicación de Guillermo" changed from being a collection of essays to a weekly newspaper.

پلاسیدو با رد شدن از سوی مردم مسیحی دورانگو مواجه شد زیرا او خانواده بزرگی داشت و چهار همسر داشت. این وضعیت باعث شوک در میان جوامع مسیحی محلی شد. من تصمیم گرفتم که یک مطالعه کتاب مقدس در آو دام برگزار کنیم، که این مطالعه برای چندین ماه در مزرعه اش برگزار شد. در نهایت، ما موفق شدیم پلاسیدو و خانواده اش را در یک جامعه محلی نزدیک به پذیرش برسانیم، که تنها چند ماه پیش این اتفاق افتاد.

سپس هدف واضحی برای خود تعیین کردم: انجام هر کاری که لازم است برای چاپ کتاب‌های مقدس به زبان او دام: برای جامعه تهپه‌وان. اما به زودی متوجه محدودیتی شدم: منابع من کافی نبود زیرا این جامعه بیش از 10,000 خانواده دارد که در بیش از 1,000 مکان مختلف در سراسر کوه‌ها، در شهرداری‌های مزکی‌تال و پوبلو نوو، در جنوب دورانگو پراکنده شده‌اند.

بنابراین، متوجه شدم که پروژه بسیار بزرگ است و بدون حمایت مالی قابل توجه، امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین دلیل، اکنون فقط به طور گهگاهی به برادرانم از سانتا ماریا اوکوتان سر می‌زنم. چون در بتسلا قدرت یک استراتژی خوب را آموختم، اکنون در حال توسعه یک طرح انجیل‌پراکنی خودکفا از طریق فروش گوسفند در منطقه گران نایار هستیم. این منطقه خانه بزرگترین تمرکز جوامع بومی در مکزیک است، از جمله تهپه‌وان‌های دورانگو.

در همان زمان، در نوامبر 2023، برنامه‌ای برای آمادگی بدنی برای شرکت در یک ماراتن از طریق تمرین کمپاند گین شروع کردم. این برنامه نتیجه داد و در 10 ژوئن به هدفم رسیدم. می‌توانید درباره این تجربه بیشتر، 2024 بخوانید اینجا:

https://guillermoestmon.substack.com/p/el-dia-14-del-mes-2-del-ano-1996?utm_source=publication

از مارس به بعد، خبرنامه من "ارتباطات گیلرمو" از یک مجموعه مقاله به یک روزنامه هفتگی تغییر کرد.

It is now designed to document the most important qualitative events in humanity as a sort of a chronicle, and I complement it with a quantitative review of prices and markets to better understand the economic and social evolution through statistics.

Around May 2024, Jerry, my current pastor, invited me to a mission conference organized in Durango.

I told him that it seemed curious to send missionaries to other countries when there was so much to do locally, but he replied, I believe inspired by the Holy Spirit, "There are different categories, and we need to support them all."

One of those days at the missionary conference, moved by all the information I was receiving, the Holy Spirit touched my spirit, and I said to the Lord, "I give you Bina, do whatever you want with it. It's all yours. I can't handle this anymore. Use it for your glory."

After a few weeks, I talked to Jerry about my concern and told him I might be thinking of using the Bina model, but focused on investing in missions.

He suggested I come up with a name for the initiative, which I called "Tesoros Puros" (Pure Treasures).

<https://www.facebook.com/profile.php?id=61563651233690>

Since June 2024, through Tesoros Puros, I began working with another Guillermo, from the missionary agency LAMM to promote sending Latin American missionaries to the world.

Thanks to the support of the local church I attend, we were able to support a missionary who is now in Indonesia. In August 2024, we had a conversation with her during her visit to Durango, which you can listen here (Spanish):

<https://www.youtube.com/watch?v=BYmN-DqGp98>

اینک این برنامه برای مستندسازی مهم‌ترین رویدادهای کیفی انسانیت به‌عنوان نوعی کرونیك طراحی شده است و آن را با یک بررسی کمی از قیمت‌ها و بازارها تکمیل می‌کنم تا تکامل اقتصادی و اجتماعی را از طریق آمار بهتر درک کنیم.

حدود ماه مه 2024، جری، کشیش فعلی من، من را به یک کنفرانس مأموریتی که در دورانگو برگزار شده بود، دعوت کرد.

به او گفتم که به نظرم عجیب است که به کشورهای دیگر مأمور فرستاده می‌شود در حالی که کارهای زیادی در سطح محلی باید انجام شود، اما او پاسخ داد، که من معتقدم تحت تأثیر روح القدس بود: "دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد و ما باید از همه آنها حمایت کنیم."

یکی از روزهای کنفرانس مأموریتی، تحت تأثیر همه اطلاعاتی که دریافت می‌کردم، روح القدس روح من را لمس کرد و به خداوند گفتم: "بینا را به تو می‌دهم، هر کاری که می‌خواهی با آن انجام بده. همه‌چیز مال توست. من دیگر نمی‌توانم این را مدیریت کنم. از آن برای جلال خودت استفاده کن."

چند هفته بعد، با جری درباره نگرانی‌ام صحبت کردم و به او گفتم که شاید در نظر دارم از مدل بینا استفاده کنم اما با تمرکز بر سرمایه‌گذاری در مأموریت‌ها.

او پیشنهاد کرد که برای این ابتکار یک نام انتخاب کنم که من آن را "تسوروس پورو" "گنج‌های خالص (نامیدم)" نامیدم.

<https://www.facebook.com/profile.php?id=61563651233690>

از ژوئن 2024، از طریق "تسوروس پورو"، شروع به همکاری با گویلمو دیگری از آژانس مأموریتی کردم تا مأموران لاتین‌آمریکایی را به سراسر جهان ارسال کنم.

<https://www.latinoamericaalmundo.org/>

به لطف حمایت کلیسای محلی که در آن شرکت می‌کنم، توانستیم از یک مأموریتی که اکنون در اندونزی است حمایت کنیم. در اگوست 2024، در طول بازدید او از دورانگو، با او گفت‌وگویی داشتیم که می‌توانید آن را اینجا گوش دهید (اسپانیایی):

<https://www.youtube.com/watch?v=BYmN-DqGp98>

<p>At the end of 2023, my brother David got a job in the United States. He recently explained me that one day, while talking to our mom on the phone and telling her about his hotel room, he found something unexpected: a Qur'an and an English Bible in the drawer. Without thinking twice, my mom asked him, "Bring them so you can give them to your brother."</p>	<p>در پایان سال 2023، برادرم دیوید در ایالات متحده شغلی پیدا کرد. او به تازگی برایم توضیح داد که روزی، هنگام صحبت با مادرمان از طریق تلفن و تعریف کردن از اتاق هتلی که در آن بود، چیزی غیرمنتظره پیدا کرد: یک قرآن و یک انجیل به زبان انگلیسی در کشو. بدون اینکه دو بار فکر کند، مادرمان از او خواست: "آنها را بیاور، تا به برادرت بدهی."</p>
<p>When David returned, he gave me a beautiful English Bible from the Gideons.</p>	<p>وقتی دیوید برگشت، یک انجیل زیبا به زبان انگلیسی از گیدئون‌ها به من داد.</p>
<p>I interpreted this as an answer to my prayer to bring a Bible to the Tepehuan people, so I asked my brother Daniel to contact a Gideon member he knew at his church, a retired colonel whom I didn't remember meeting personally.</p>	<p>این را به عنوان پاسخی به دعای خود برای آوردن یک انجیل به مردم تپهوان تفسیر کردم، بنابراین از برادرم دانیل خواستم با یکی از اعضای گیدئون که او در کلیسایش می‌شناخت، ارتباط برقرار کند؛ یک سرهنگ بازنشسته که یادم نمی‌آید شخصاً او را ملاقات کرده باشم.</p>
<p>A few days later, in the morning, while I was visiting the home of a Tepehuan community, I received a call from the colonel. With a firm but friendly voice, he said, "They told me you were looking for me. Let's meet at such and such place for coffee, and come prepared with your decision to join the Gideons."</p>	<p>چند روز بعد، صبح هنگام، وقتی که در خانه یکی از جوامع تپهوان بازدید می‌کردم، از سرهنگ تماس گرفتم. با صدای محکم ولی دوستانه گفت: "به من گفتند که به دنبالم می‌گشتی بیا در فلان جا برای قهوه ملاقات کنیم و آماده تصمیمات برای پیوستن به گیدئون‌ها بیا."</p>
<p>When I hung up, I felt deeply moved in my spirit, which I interpreted as a call. When we met, he gave me a precious Bible covered in military camouflage, designed specifically to be shared among the military forces. I was even more moved. Without hesitation, I told the colonel, "We are at war. Of course, I accept."</p>	<p>وقتی تلفن را قطع کردم، در روح خود احساس عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفتن کردم که آن را به عنوان یک فراخوان تفسیر کردم. وقتی ملاقات کردیم، او یک انجیل گرانبها با پوشش استتار نظامی به من داد که به طور خاص برای به اشتراک گذاشتن میان نیروهای نظامی طراحی شده بود. حتی بیشتر تحت تاثیر قرار گرفتم بدون تردید به سرهنگ گفتم: "ما در جنگ هستیم. البته، من قبول می‌کنم."</p>
<p>Finally, in the first week of September 2024, I officially joined the Gideons International, a ministry dedicated to sharing the Word of God in institutions and all corners of society where possible. https://gideons.org/</p>	<p>سرانجام، در هفته اول سپتامبر 2024، به طور رسمی به گیدئون‌های بین‌المللی پیوستم، یک وزارتخانه که به اشتراک‌گذاری کلام خدا در مؤسسات و تمامی نقاط جامعه https://gideons.org/ که ممکن است، اختصاص دارد.</p>
<p>Since then, as part of the team, we have distributed tens of thousands of New Testaments in these 3 months.</p>	<p>از آن زمان، به عنوان بخشی از تیم، در این 3 ماه ده‌ها هزار نسخه عهد جدید توزیع کرده‌ایم.</p>
<p>For example, during the Independence Day military parade in Durango, we distributed more than 2,500 copies among the public and the military and police forces that were marching.</p>	<p>برای مثال، در طول رژه نظامی روز استقلال در دورانگو، بیش از 2500 نسخه میان مردم و نیروهای نظامی و پلیس که در حال رژه بودند، توزیع کردیم.</p>

<p>In October, I participated in a joint activity in Chihuahua with Gideons from all over the country, where we distributed over 40,000 copies in schools, rehabilitation centers, and hospitals.</p> <p>In October, we were also able to deliver more than 4,000 copies at the state prison, and we are working to do the same with the Mexican army and other institutions.</p> <p>On September 9th, less than a month before the federal government changed, a low-intensity war broke out in our neighbor state Sinaloa between two factions of a criminal drug cartel .</p> <p>This conflict has mostly affected Culiacán, although it has also reached Mazatlán, which is less than three hours from Durango. The situation is still unresolved.</p> <p>Meanwhile, in China, there was a rumor that the government would take measures to reactivate the economy. This news, along with official announcements, caused an unexpected rally in Alibaba's stock price.</p> <p>Surprisingly, Alibaba's stock price rose from \$83 on August 30th to \$117 on October 7th, which represents an increase of almost 41% in just over a month. This rise has impacted Bina's financial reports.</p> <p>Durango, on the other hand, lives in a peculiar peace. Despite the tension in the region, public life goes on with relative calm. I dare to say that, in the middle of all this, Durango is still one of the best cities to live in the country these days. However, there is still one major challenge: economic development remains unresolved.</p> <p>Although I had distanced myself from the ruling party "Movimiento Regeneración Nacional" years ago because I believed it promoted a false democracy to push its agenda, on September 23, 2024, I officially resigned from that party because I believe it promotes, among other problems, a culture of nepotism and religious idolatry.</p> <p>https://www.instagram.com/p/DARWPxjSUG5/</p>	<p>در ماه اکتبر، در یک فعالیت مشترک در چیواوا با گیدئون‌ها از سراسر کشور شرکت کردم، جایی که بیش از 40,000 نسخه در مدارس، مراکز بازتوانی و بیمارستان‌ها توزیع کردیم.</p> <p>در ماه اکتبر، همچنین توانستیم بیش از 4,000 نسخه را در زندان ایالتی تحویل دهیم و در حال کار برای انجام همین کار با ارتش مکزیک و دیگر نهادها هستیم.</p> <p>در تاریخ 9 سپتامبر، کمتر از یک ماه قبل از تغییر دولت فدرال، جنگی با شدت کم در ایالت همسایه‌مان سینالوا بین دو گروه از یک کارتل جنایتکار مواد مخدر آغاز شد.</p> <p>این درگیری بیشتر روی شهر کولیاکان تأثیر گذاشته است، اگرچه به مازاتلان نیز رسیده است که کمتر از سه ساعت با دورانگو فاصله دارد. وضعیت هنوز حل نشده است.</p> <p>در همین حال، در چین شایعه‌ای مبنی بر اینکه دولت اقداماتی برای احیای اقتصاد انجام خواهد داد به وجود آمد این خبر، به همراه اعلامیه‌های رسمی، باعث یک افزایش غیرمنتظره در قیمت سهام علی‌بابا شد.</p> <p>به طور شگفت‌آوری، قیمت سهام علی‌بابا از 83 دلار در تاریخ 30 اوت به 117 دلار در 7 اکتبر رسید که نشان‌دهنده افزایش تقریبی 41٪ در کمتر از یک ماه است. این افزایش بر گزارش‌های مالی بینه تأثیر گذاشته است.</p> <p>از سوی دیگر، دورانگو در یک آرامش خاص زندگی می‌کند. با وجود تنش‌ها در منطقه، زندگی عمومی با آرامش نسبی ادامه دارد. جرات می‌کنم بگویم که در وسط همه این‌ها، دورانگو هنوز یکی از بهترین شهرها برای زندگی در کشور است. اما هنوز یک چالش بزرگ وجود دارد. توسعه اقتصادی حل نشده است.</p> <p>"اگرچه سال‌ها پیش از حزب حاکم "حرکت تجدید ملی فاصله گرفته بودم چون معتقد بودم که این حزب دموکراسی کاذبی را برای پیشبرد برنامه‌های خود ترویج می‌کند، در تاریخ 23 سپتامبر 2024، به طور رسمی از این حزب استعفا دادم چون معتقدم که این حزب علاوه بر مشکلات دیگر، فرهنگی از پارتی‌بازی و بت‌پرستی مذهبی را ترویج می‌کند.</p> <p>https://www.instagram.com/p/DARWPxjSUG5/</p>
---	--

This marks the end of my political relationship with them and any political or legitimate support from me toward this movement. As you may have noticed, I have long used all my wisdom and political skills to expand the kingdom of Heaven.

When the current Mexican president took office on October 1, 2024, I watched with concern as she adopted practices of idolatry similar to those promoted by the previous president, turning to false pre-Hispanic gods.

It seems as if she wants to lead the Mexican people down the same path of idol worship through her government, which has never led to anything good, as it results in corruption and more deception which keeps the country trapped in lies and myths.

I believe it is essential to raise our voices and call for reflection.

In fact, during a quick trip in the third week of October, I had the opportunity to visit Mexico City and preach the gospel in some of its most emblematic places, including the castle of Chapultepec, the Hunter, the Angel of the Independence, and the Reforma Monument.

One of these places was the Zócalo, in front of the National Palace. From there, I made a public call for repentance because I sincerely hope that our president will reconsider and change course before dragging the nation toward these terrible practices.

<https://www.instagram.com/guillermoestmon/p/DBZk6C4yBiH/>

That day, it seemed like it was going to rain. However, many people passing by stopped to listen to the message.

Among all the signs of appreciation I received from people while doing this, one man came up to me and said: "What you're saying is true. I think we all know it, but no one dares to say it openly."

این پایان رابطه سیاسی من با آنها و هرگونه حمایت سیاسی یا مشروع از طرف من به این حرکت است. همانطور که ممکن است متوجه شده باشید، من مدت‌هاست که از تمام حکمت و مهارت‌های سیاسی‌ام برای گسترش پادشاهی آسمان استفاده کرده‌ام.

وقتی رئیس‌جمهور فعلی مکزیکی در تاریخ 1 اکتبر 2024 به دفتر خود رسید، با نگرانی مشاهده کردم که او شیوه‌هایی مشابه با آنچه رئیس‌جمهور قبلی ترویج می‌کرد، پیش گرفته است و به خدایان دروغین پیش از هیسپانیک روی آورده است.

به نظر می‌رسد که او می‌خواهد مردم مکزیکی را از طریق دولتش به همان مسیر پرستش بت‌ها هدایت کند، مسیری که هیچگاه به نتیجه خوبی نرسیده است، چرا که باعث فساد و فریب بیشتر می‌شود که کشور را دروغ‌ها و افسانه‌ها گرفتار می‌کند.

من معتقدم که ضروری است که صدای خود را بلند کنیم و برای تفکر فراخوانی کنیم.

در واقع، در طول یک سفر سریع در هفته سوم اکتبر، این فرصت را داشتم که به مکزیکو سیتی سفر کنم و در برخی از برجسته‌ترین مکان‌های آن انجیل را موعظه کنم، از جمله قلعه چاپولتپک، شکارچی، فرشته استقلال و بنای رفم.

یکی از این مکان‌ها زوکالو، مقابل کاخ ملی بود. از آنجا من فراخوان عمومی برای توبه دادم زیرا صمیمانه امیدوارم که رئیس‌جمهور ما تجدید نظر کند و پیش از اینکه کشور را به سوی این شیوه‌های وحشتناک هدایت کند، مسیر خود را تغییر دهد.

<https://www.instagram.com/guillermoestmon/p/DBZk6C4yBiH/>

آن روز به نظر می‌رسید که باران خواهد آمد. با این حال، بسیاری از افرادی که از آنجا عبور می‌کردند، متوقف شدند تا پیام را گوش دهند.

در میان تمام نشانه‌های قدردانی که از مردم دریافت کردم یک مرد به من نزدیک شد و گفت: «آنچه می‌گویی درست است. فکر می‌کنم همه ما این را می‌دانیم، اما هیچ‌کس جرأت نمی‌کند آن را آشکارا بگوید.»

<p>On another note, we are supporting Jorge, a missionary who is going to India. He will arrive in Durango in the third week of November to visit local churches with Tesoros Puros and share his vision of how businesses can be a channel for missions and seek spiritual support.</p> <p>Maybe Jorge hasn't realized it, but his life has deeply inspired me and helped me find the wisdom I had been looking for.</p> <p>All these events have been a source of inspiration for the last two ideas I will share at the end of this collection. I believe that the Holy Spirit, in a miraculous way, has helped me fit all the pieces together to solve the crossroads I was at.</p> <p>The main point I want to share with you here is clear: I won't keep anything to myself.</p> <p>I will do everything in my power to share with as many people as possible the gift of salvation that Christ Jesus offers to anyone who decides to repent.</p> <p>Paraphrasing C.S. Lewis, I would like "on the day of my earthly death, may there be a celebration in hell because I am finally out of the battlefield."</p> <p>Still, I admit that I continue to make many mistakes, and there are still parts of my character that need to be corrected. My life is far from perfect, and it has not been free of difficulties.</p> <p>In fact, since October 2021, I feel that the challenges have increased. Every time I think there's an opportunity to fulfill my desire to form a Christian family, it slips through my fingers without me understanding the real reason behind of this.</p> <p>My two cents is that as social chaos and geopolitical events grow, it becomes harder for anyone to predict the future and, at the same time, be prepared for what's to come.</p> <p>However, I've seen how faith, like a mustard seed, can produce abundant fruit with even the smallest efforts.</p>	<p>از سوی دیگر، ما از خورخه، یک مبلغ که به هند خواهد رفت، حمایت می‌کنیم. او در هفته سوم نوامبر به دوراگو خواهد آمد تا از کلیساهای محلی با تیم تسوروس پوروس بازدید کند و دیدگاه خود را در مورد اینکه چگونه کسب‌وکارها می‌توانند به عنوان کانالی برای ماموریت‌ها عمل کنند و از پشتیبانی معنوی بهره‌مند شوند، به اشتراک بگذارند.</p> <p>شاید خورخه متوجه نشده باشد، اما زندگی او به طور عمیقی مرا الهام بخشیده است و به من کمک کرده است تا حکمت مورد نظر خود را پیدا کنم.</p> <p>تمام این رویدادها منبع الهام برای دو ایده آخری بوده‌اند که در انتهای این مجموعه با شما به اشتراک خواهم گذاشت. من معتقدم که روح القدس به طور معجزه‌آسا به من کمک کرده است تا تمام قطعات را کنار هم بگذارم و تقاطع‌هایی را که در آن قرار داشتیم، حل کنم.</p> <p>نکته اصلی که می‌خواهم با شما به اشتراک بگذارم واضح است: هیچ چیزی را برای خودم نگه نخواهم داشت.</p> <p>من هر چه در توان دارم خواهم کرد تا هدیه نجاتی که عیسی، مسیح به هر کسی که تصمیم به توبه می‌گیرد ارائه می‌دهد. با هر تعداد نفر که ممکن است، به اشتراک بگذارم.</p> <p>لویس بازگو کنم، دوست دارم C.S. اگر بخواهم به عبارت بگویم: «در روز مرگ زمینی‌ام، امیدوارم در جهنم جشن بگیرند زیرا من بالاخره از میدان جنگ خارج شده‌ام».</p> <p>با این حال، اعتراف می‌کنم که هنوز اشتباهات زیادی می‌کنم. و هنوز بخش‌هایی از شخصیت من نیاز به اصلاح دارند. زندگی من دور از کمال است و بدون مشکلات نبوده است.</p> <p>در واقع، از اکتبر 2021 به بعد، احساس می‌کنم که چالش‌ها بیشتر شده‌اند. هر بار که فکر می‌کنم فرصتی برای تحقق آرزوی تشکیل یک خانواده مسیحی وجود دارد، آن از دست می‌رود بدون اینکه دلیل واقعی پشت این موضوع را بفهمم.</p> <p>نظری که دارم این است که هر چه هرج و مرج اجتماعی و رویدادهای ژئوپولتیک بیشتر می‌شوند، پیش‌بینی آینده برای هر کسی سخت‌تر می‌شود و در عین حال آماده بودن برای آنچه که در پیش است، چالش برانگیزتر می‌شود.</p> <p>با این حال، من دیده‌ام که ایمان، مانند دانه خردل، می‌تواند با کوچکترین تلاش‌ها، میوه‌های فراوانی تولید کند.</p>
---	---

<p>I am amazed by the impact of every action and everything that follows from doing things with wisdom and intrinsic value. I had a taste of something similar in the 2018 Mexican election. But this time, it's different. No matter how small an action seems related to the gospel, it becomes incredibly powerful in God's hands.</p>	<p>من شگفت‌زده هستم از تاثیر هر عمل و هر چیزی که از انجام کارها با حکمت و ارزش درونی به دنبال می‌آید. تجربه‌ای شبیه به این را در انتخابات مکزیک در سال 2018 داشتم. اما این بار متفاوت است. هیچ‌مهم نیست که عمل مرتبط با انجیل چقدر کوچک به نظر برسد، وقتی در دست خدا قرار می‌گیرد، به طرز شگفت‌آوری قدرتمند می‌شود.</p>
<p>With a little bit of faith, amazing and wonderful things can happen.</p>	<p>با کمی ایمان، اتفاقات شگفت‌انگیز و فوق‌العاده می‌تواند رخ دهد.</p>
<p>Today, I believe that Christianity is expanding more globally, driven by the Church and the personal witness of evangelism I see everywhere, even in the midst of difficulties, which brings me great peace.</p>	<p>امروز، من معتقدم که مسیحیت در حال گسترش بیشتر در سطح جهانی است، که توسط کلیسا و شهادت شخصی از موعظه‌ای که در همه جا می‌بینم، حتی در میان مشکلات هدایت می‌شود، که این به من آرامش زیادی می‌دهد.</p>
<p>I feel at peace with the path I've taken so far and with a clear conscience regarding the testimony of Jesus I've tried to share in this world. To this day, I believe I've been faithful to what God has entrusted me with, and I am ready to give a good account of my actions.</p>	<p>من با مسیرهایی که تا به حال طی کرده‌ام و با وجدان آرامی که در مورد شهادت عیسی که تلاش کرده‌ام در این دنیا به اشتراک بگذارم، احساس آرامش می‌کنم. تا به امروز، معتقدم که به آنچه خدا به من سپرده، وفادار بوده‌ام و آماده‌ام که پاسخ خوبی از کارهایم بدهم.</p>
<p>To be honest, since I published the book "How to Value your Days" in September 2022, I have put into practice the method of the "creative week" that I describe there.</p>	<p>صادقانه بگویم، از زمانی که کتاب «چگونه روزهای خود را ارزیابی کنیم» را در سپتامبر 2022 منتشر کردم، روش هفته خلاق» که در آنجا توضیح می‌دهم را به کار گرفته‌ام.</p>
<p>In the book, my main argument is that one week of wise decisions can produce better results than a month of foolish decisions.</p>	<p>در این کتاب، استدلال اصلی من این است که یک هفته از تصمیمات حکیمانه می‌تواند نتایج بهتری از یک ماه تصمیمات احمقانه تولید کند.</p>
<p>By focusing on small, wise daily actions, I estimate that applying these principles with discipline for a quarter can be equivalent to making up for a lost year in a common life.</p>	<p>با تمرکز بر روی اقدامات کوچک و حکیمانه روزانه، تخمین می‌زنم که اعمال این اصول با نظم و انضباط برای یک فصل، می‌تواند معادل جبران یک سال از دست رفته در یک زندگی عادی باشد.</p>
<p>With the same approach, I believe that six months of practicing this algorithm could make up for three years of lost time, while a full year of disciplined practice could recover six or seven years.</p>	<p>با همان رویکرد، معتقدم که شش ماه تمرین این الگوریتم می‌تواند معادل سه سال زمان از دست رفته باشد، در حالی که یک سال کامل تمرین منظم می‌تواند شش یا هفت سال را جبران کند.</p>
<p>Since August 28, 2022, when I finished that book, 815 days have passed, or 115 weeks.</p>	<p>از تاریخ 28 اوت 2022، زمانی که آن کتاب را تمام کردم، روز گذشته است، یا 115 هفته 815.</p>
<p>Although we haven't reached the 150 weeks I had envisioned after finishing that book, I am convinced that these efforts have supported at least a 1.1% weekly growth rate of Christianity in what's within my reach.</p>	<p>اگرچه به 150 هفته‌ای که پس از اتمام آن کتاب تصور کرده بودم نرسیده‌ایم، من متقاعد شده‌ام که این تلاش‌ها حداقل از نرخ رشد هفتگی 1.1 درصد مسیحیت در آنچه در دسترس من است، حمایت کرده است.</p>

With current technology, like smartphones and social media, I also believe that the statistics used by some Christian ministries are outdated, and the strength of Christianity in the whole world is much greater today than just a few years ago.

Christianity has regained such strength in the world that you can see it as the power that recently helped Donald Trump win in the United States just a few days ago.

My conclusion after 2.2 years of discovering the wisdom of the "creative week" that God designed is that, according to my calculations, I have been able to make up for more than 15 years lost to foolish decisions.

I didn't do anything. The Lord gave all of this into my hands. But I feel that I've replaced all the lost time with the fruits of repentance, which I trust will bring even more fruit toward eternal life.

Geopolitical risk and Comunicación de Guillermo

The impact of the war between Ukraine and Russia on Alibaba's stock price taught me something important.

Even though I believe my investment thesis is correct, we are reaching a point in history where we cannot ignore geopolitical risk.

Even when predictions and business theories you think you understand seem well-founded, the global political reality can change quickly and affect what was once considered stable.

The impact of these events is not limited to big nations or corporations; it also affects our everyday decisions and long-term strategies.

This is how I decided to adapt the "Comunicación de Guillermo" newsletter.

با تکنولوژی کنونی، مانند گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، من همچنین معتقدم که آمارهایی که برخی از وزارتخانه‌های مسیحی استفاده می‌کنند، قدیمی شده است، و قدرت مسیحیت در سراسر جهان امروز بسیار بیشتر از چند سال پیش است.

مسیحیت به قدری در جهان قوت گرفته است که می‌توان آن را به عنوان قدرتی دید که اخیراً به دونالد ترامپ کمک کرد تا در ایالات متحده در چند روز گذشته پیروز شود.

"نتیجه‌گیری من پس از ۲.۲ سال کشف حکمت "هفته خلاق"، که خدا طراحی کرده این است که، طبق محاسبات من توانسته‌ام بیش از ۱۵ سال زمان از دست رفته را که به تصمیمات احمقانه اختصاص یافته بود، جبران کنم.

من هیچ کاری نکردم. خداوند همه اینها را به دستان من سپرد. اما احساس می‌کنم که من تمام وقت‌های از دست رفته را با میوه‌های توبه جبران کرده‌ام که به آن اعتماد دارم و امیدوارم این میوه‌ها بیشتر به سوی حیات ابدی برسند.

ریسک ژئوپولیتیک و ارتباطات گویلومه

اثر جنگ بین اوکراین و روسیه بر قیمت سهام علی‌بابا به من درس مهمی آموخت.

حتی اگر من معتقد باشم که فرضیه سرمایه‌گذاری من درست است، ما به نقطه‌ای در تاریخ رسیده‌ایم که نمی‌توانیم ریسک ژئوپولیتیک را نادیده بگیریم.

حتی زمانی که پیش‌بینی‌ها و نظریه‌های تجاری که فکر می‌کنید آن‌ها را درک کرده‌اید، به نظر مستحکم می‌رسند و واقعیت سیاسی جهانی می‌تواند به سرعت تغییر کند و بر آنچه زمانی ثابت به نظر می‌رسید تأثیر بگذارد.

تأثیر این رویدادها محدود به کشورهای بزرگ یا شرکت‌ها نیست؛ بلکه بر تصمیمات روزمره ما و استراتژی‌های بلندمدت نیز تأثیر می‌گذارد.

اینطور بود که من تصمیم گرفتم خبرنامه "ارتباطات گویلومه" را تطبیق دهم.

If you prefer to receive it in English, you can subscribe here:

<https://www.linkedin.com/build-relation/newsletter-follow?entityUrn=7249503021808680960>.

If you speak Spanish, you can subscribe here:

<https://guillermoestmon.substack.com/>

The goal of this initiative is to help as many people as possible understand reality in an accessible way, as if Warren Buffett were writing to his mom.

I couldn't think of a better name, but if you have any suggestions, I'd be happy to hear them.

A sensible approach to the unavoidable future

It might seem strange, but for me, writing these lines and publishing them is not easy. I never imagined in my wildest dreams that I would be sharing something like this, especially not in this context of Bina.

Perhaps, with different choices, my life would be different. First, because I missed my first opportunity to start a Christian family, though I have faith that the God of miracles has something good planned for me.

But now, serving the Lord, I believe I have regained more than a lost decade of my life.

Although I still long to be a father, I don't consider myself naive. I see how things are unfolding, and I notice everything is changing very quickly, so I feel I am prepared spiritually, mentally, and physically for whatever comes next.

I'm also sure that, for a few years now, it should not surprise any of you to know my beliefs about Christianity and how its values are changing the way I see reality.

My commitment to you, as friends and shareholders of Bina, remains intact. Essentially, my focus continues to be: to use the capital contributed by shareholders and invest them in extraordinary businesses at reasonable prices.

اگر ترجیح می‌دهید که این را به انگلیسی دریافت کنید، می‌توانید از این لینک اشتراک کنید:

<https://www.linkedin.com/build-relation/newsletter-follow?entityUrn=7249503021808680960>.

اگر اسپانیایی صحبت می‌کنید، می‌توانید از این لینک اشتراک کنید:

<https://guillermoestmon.substack.com/>

هدف از این ابتکار کمک به هرچه بیشتر افراد برای درک واقعیت به روشی قابل دسترس است، گویی که وارن بافت در حال نوشتن به مادرش است.

نتوانستم اسم بهتری به ذهنم برسد، اما اگر پیشنهاداتی دارید، خوشحال می‌شوم آنها را بشنوم.

یک رویکرد منطقی به آینده‌ای اجتناب‌ناپذیر

ممکن است عجیب به نظر برسد، اما برای من نوشتن این خطوط و انتشار آنها کار آسانی نیست. هرگز در دیوانه‌ترین رؤیاهایم تصور نمی‌کردم که چیزی شبیه به این را به اشتراک بگذارم، به خصوص نه در این زمینه از بینا.

شاید با انتخاب‌های متفاوت، زندگی من متفاوت می‌بود. اولاً چون اولین فرصت برای شروع یک خانواده مسیحی را از دست دادم، اگرچه ایمان دارم که خدای معجزات برای من برنامه خوبی دارد.

اما حالا، با خدمت به خداوند، معتقدم که بیش از یک دهه از زندگی‌ام که از دست رفته بود، بازگشته است.

اگرچه هنوز آرزوی پدر شدن را دارم، خودم را سادملوح نمی‌بینم. می‌بینم که چگونه همه چیز در حال پیشرفت است، و متوجه می‌شوم که همه چیز خیلی سریع تغییر می‌کند. بنابراین احساس می‌کنم از نظر روحی، ذهنی و جسمی برای هر آنچه که در پیش است، آماده هستم.

همچنین مطمئن هستم که از چند سال پیش، نباید برای هیچ‌کدام از شما تعجب‌آور باشد که باورهای من در مورد مسیحیت و چگونه ارزش‌های آن نحوه دیدن واقعیت را برای من تغییر داده است.

تعهد من به شما، به عنوان دوستان و سهامداران بینا، دست نخورده باقی می‌ماند. اساساً، تمرکز من همچنان این است که از سرمایه‌ای که سهامداران اهدا کرده‌اند استفاده کنم و آن را در کسب‌وکارهای فوق‌العاده با قیمت‌های معقول سرمایه‌گذاری کنم.

However, it is clear to me that this is now being shaped by a philosophy of life that is richer, broader, and deeper.

For me, it is very clear that in less than five years, the world as we know it will transform into something different, and what we are living today may be just a vague memory.

You may not agree with what I've shared and decide to withdraw your investment. If that's the case, I won't stop you, because your capital has always been yours. Please contact me if that's the case.

But regardless of whether you agree or disagree with everything I've shared, I believe that, as a shareholder of Bina, you are facing a trilemma with this vision:

1. I am lying to you.
2. I've gone crazy or I am deceived by false ideas that dominate my imagination, and they have numbed my conscience.
3. I am telling you the truth.

If you think I'm lying to you and that my intention is to scam you like one of the many dishonest people I've mentioned in this letter, please contact me so you can withdraw your investment in Bina as soon as possible.

One of my principles is to only keep healthy, fruitful, and trusting relationships. On my side, I believe what I'm saying is true, and I wouldn't joke about something so important.

If you decide to trust my sincerity, then a dilemma arises: Am I correct in these ideas, or am I terribly wrong?

But even if I am wrong, I have reasons to believe that our investment thesis is sound and will protect our interests.

اما برای من واضح است که اکنون این به وسیله فلسفه‌ای از زندگی شکل می‌گیرد که غنی‌تر، وسیع‌تر و عمیق‌تر است.

برای من کاملاً روشن است که در کمتر از پنج سال، دنیای ما همان‌طور که می‌شناسیم تغییر خواهد کرد و آنچه که امروز تجربه می‌کنیم ممکن است تنها یک یادآوری مبهم باشد.

ممکن است شما با آنچه که من به اشتراک گذاشته‌ام موافق نباشید و تصمیم بگیرید که سرمایه‌گذاری خود را برداشت کنید. اگر چنین باشد، من شما را متوقف نخواهم کرد، زیرا سرمایه شما همیشه متعلق به خودتان بوده است. لطفاً در صورت بروز این وضعیت با من تماس بگیرید.

اما فارغ از اینکه شما با آنچه که من به اشتراک گذاشته‌ام موافقت یا نه، من معتقدم که به عنوان یک سهامدار بینا، شما با یک مثلث تصمیم‌گیری مواجه هستید:

1. من به شما دروغ می‌گویم.

2. من دیوانه شده‌ام یا توسط افکار غلطی که تخیل من را تسخیر کرده‌اند، فریب خورده‌ام و وجدانم را از دست داده‌ام.

3. من به شما حقیقت را می‌گویم.

اگر فکر می‌کنید که من به شما دروغ می‌گویم و قصد دارم شما را فریب دهم مانند یکی از بسیاری از افراد نادرستی که در این نامه ذکر کرده‌ام، لطفاً با من تماس بگیرید تا بتوانید سرمایه‌گذاری خود را هر چه سریع‌تر از بینا برداشت کنید.

یکی از اصول من این است که تنها روابط سالم، پربار و مبتنی بر اعتماد را حفظ کنم. از طرف من، من معتقدم آنچه که می‌گویم حقیقت است و نمی‌خواهم در مورد چیزی این‌قدر مهم شوخی کنم.

اگر تصمیم بگیرید به صداقت من اعتماد کنید، در این صورت یک معضل پیش می‌آید: آیا من در این ایده‌ها درست هستم یا کاملاً اشتباه می‌کنم؟

اما حتی اگر اشتباه کنم، دلایلی دارم که باور کنم فرضیه سرمایه‌گذاری ما محکم است و منافع ما را محافظت خواهد کرد.

First, I base this on a reasoning developed by Jeff Van Duzer in his book "Why Business Matters to God?" while I was researching the ideas Jorge shared with me when I met him, which I described in detail in the idea just before this one.

<https://www.amazon.com/Why-Business-Matters-God-Still/dp/0830838880>

The reasoning goes something like this: First of all, no one knows for sure the exact mechanism of what's called the "end times," and interpretations of this topic are often full of speculation and debate.

However, there is a solid perspective, which I personally support, called "continuity."

In many passages of the Scriptures, both in the Old and in the New Testament, we see that the work we do and the way we do it are very important to God.

Some of us believe that every action we take in our lives has the potential to be a sacred service to God.

This theology, from the early days of Christianity, highlights the idea that there is no longer a physical temple; rather, we ourselves are the temple where the Holy Spirit dwells.

Professional work then becomes a central service, as my beloved Catholic friends from the Panamericana University would say, an "Opus Dei," which enriches our relationship with God and our purpose in life.

We cannot be sure what the Heavenly Jerusalem will look like, although we suspect that God will take the best of this world to build or use in this new city.

A key question arises then: Will our work in this life endure, and does it matter to God?

اولاً، من این را بر اساس استدلالی که جف ون دووزر در کتاب خود «چرا کسب‌وکار برای خدا مهم است؟» مطرح کرده است، بیان می‌کنم، در حالی که در حال تحقیق درباره ایده‌هایی بودم که خورخه هنگام دیدار با من به اشتراک گذاشت، ایده‌هایی که من آن‌ها را به‌طور دقیق در ایده‌ای که پیش از این ذکر کردم توضیح دادم.

<https://www.amazon.com/Why-Business-Matters-God-Still/dp/0830838880>

این استدلال به این صورت است: اول از همه، هیچ‌کس به طور قطعی نمی‌داند که مکانیزم دقیق آنچه که به عنوان زمان‌های آخر «شناخته می‌شود چیست و تفسیرهای این» موضوع اغلب پر از حدس و گمان و بحث است.

با این حال، یک دیدگاه مستحکم وجود دارد که من شخصاً از آن حمایت می‌کنم و آن را «استمرار» می‌نامند.

در بسیاری از بخش‌های کتاب مقدس، چه در عهد قدیم و چه در عهد جدید، می‌بینیم که کاری که انجام می‌دهیم و نحوه انجام آن برای خدا بسیار مهم است.

برخی از ما معتقدیم که هر عملی که در زندگی‌مان انجام می‌دهیم این پتانسیل را دارد که خدمت مقدسی به خدا باشد.

این الهیات که از روزهای اولیه مسیحیت وجود داشته است، ایده‌ای را برجسته می‌کند که دیگر معبد فیزیکی وجود ندارد؛ بلکه خود ما معبدی هستیم که روح‌القدس در آن سکونت دارد.

بنابراین، کار حرفه‌ای به یک خدمت مرکزی تبدیل می‌شود همان‌طور که دوستان عزیز کاتولیک‌های من از دانشگاه پان‌آمریکا می‌گویند، یک «اپوس دی» که رابطه ما با خدا و هدفمان در زندگی را غنی می‌کند.

ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که اورشلیم آسمانی چگونه خواهد بود، اگرچه گمان می‌کنیم که خدا بهترین‌های این دنیا را برای ساختن یا استفاده در این شهر جدید خواهد برد.

سوالی کلیدی مطرح می‌شود: آیا کار ما در این زندگی باقی خواهد ماند و آیا برای خدا اهمیت دارد؟

<p>To answer it, in practice, we encounter three philosophical perspectives within Christianity:</p> <p>1. The Agnostics:</p> <p>They are in constant uncertainty.</p> <p>They believe the world itself is flawed, that in some way, God made an error by creating a world subject to corruption, and that prophecies are ambiguous or symbolic.</p> <p>According to this view, we cannot expect the value of our efforts to continue in the new reality, as the promises are vague and only assure us of salvation through Christ's sacrifice.</p> <p>This view helps us understand that we cannot anticipate what will happen with this reality when we move on to the next.</p> <p>2. The Enthusiasts of Annihilation:</p> <p>They believe in a complete break between this world and the one to come, based on chapter 3 of the Second Letter of Peter.</p> <p>According to them, the world will be destroyed by fire and replaced by a new one.</p> <p>They point out that the Heavenly Jerusalem descends from heaven as an exclusive gift from God, pure and spotless, where humans, with their impurities, cannot contribute.</p> <p>For them, human work is just a means to sustain life here but has no intrinsic value, suggesting it is pointless to strive here.</p> <p>In their view, they ignore that Genesis states God created all things good.</p> <p>They also leave a question in the air: if work were insignificant, why would a good God call us to work, strive, and be courageous?</p>	<p>برای پاسخ به این سوال، در عمل، با سه دیدگاه فلسفی در مسیحیت روبرو هستیم:</p> <p>1. آگنوستیک‌ها:</p> <p>آن‌ها در حالت عدم قطعیت مداوم هستند.</p> <p>آن‌ها معتقدند که خود جهان ناقص است، به طوری که به نوعی خدا در خلق جهانی که به فساد دچار می‌شود اشتباه کرده است، و پیشگویی‌ها مبهم یا نمادین هستند.</p> <p>بر اساس این دیدگاه، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که ارزش تلاش‌های ما در واقعیت جدید ادامه یابد، زیرا وعده‌ها مبهم هستند و تنها ما را از طریق قربانی مسیح به نجات می‌رسانند.</p> <p>این دیدگاه به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که با این واقعیت چه اتفاقی خواهد افتاد زمانی که به دنیای بعدی منتقل شویم.</p> <p>2. شورشیان نابودی:</p> <p>آن‌ها به یک قطع کامل میان این جهان و دنیای آینده اعتقاد دارند، که بر اساس فصل سوم نامه دوم پطرس است.</p> <p>بر اساس نظر آن‌ها، جهان توسط آتش نابود خواهد شد و جای آن با جهانی جدید پر خواهد شد.</p> <p>آن‌ها اشاره می‌کنند که اورشلیم آسمانی به عنوان یک هدیه ویژه از سوی خدا از آسمان نزول می‌کند، جایی که انسان‌ها با آلودگی‌هایشان نمی‌توانند نقشی داشته باشند.</p> <p>برای آن‌ها، کار انسانی تنها وسیله‌ای برای حفظ زندگی در اینجا است، اما هیچ ارزشی ذاتی ندارد و اینطور به نظر می‌رسد که تلاش در اینجا بی‌فایده است.</p> <p>در دیدگاه آن‌ها، نادیده گرفته می‌شود که در سفر پیدایش آمده است که خدا همه چیز را خوب خلق کرده است.</p> <p>آن‌ها همچنین سوالی بی‌پاسخ باقی می‌گذارند: اگر کار بی‌اهمیت بود، چرا یک خداوند خوب ما را به کار کردن تلاش و شجاعت فرا می‌خواند؟</p>
---	---

<p>3. Adoption:</p> <p>This is the view I hold. I believe that the work we do matters to God and that its intrinsic value will survive, being purified and transformed to contribute to God's kingdom.</p> <p>The fire mentioned in Peter's letter is purifying, not destructive (1 Corinthians 3:12-15).</p> <p>God cares about the work we do in this world because it has intrinsic value and is connected to an eternal purpose.</p> <p>Through the sacraments of the Lord's Supper and baptism, Christ shows us that material things have a sacred and lasting role.</p> <p>The vision of the New Jerusalem unfolds here, in this reality; it doesn't mean we will be taken up to heaven.</p> <p>The idea that the Heavenly Jerusalem keeps the name "Jerusalem" in Revelation 21 and 22 suggests continuity. For example, this city is founded on the apostles and the twelve tribes of Israel, historical figures that connect the old world with the new.</p> <p>In this new reality, God, in His sovereignty, chooses to dwell among His people in the holy city established within our reality. It's there that the kings of the earth bring their splendor (Revelation 21:24).</p> <p>So, I believe that our work has a role in God's plan, and He will act through His Spirit in human works, incorporating what has value into the New Jerusalem.</p> <p>Since God has plans that include both this world and the one to come, we can trust that His will shall prevail in the new reality, and that He will remain sovereign.</p> <p>God will act through His Spirit in human work, and, in special and unexpected moments, His intervention will become even clearer at the end of times.</p>	<p>3. پذیرش:</p> <p>این دیدگاهی است که من دارم. من معتقدم که کاری که انجام می‌دهیم برای خدا مهم است و ارزش ذاتی آن باقی خواهد ماند، پاکسازی و تغییر شکل داده خواهد شد تا به پادشاهی خدا کمک کند.</p> <p>آتشی که در نامه پطرس ذکر شده، پاک‌کننده است، نه ویرانگر (۱ قرنتیان ۱۲:۳-۱۵).</p> <p>خداوند به کاری که ما در این دنیا انجام می‌دهیم اهمیت می‌دهد زیرا این کار ارزش ذاتی دارد و به یک هدف ابدی متصل است.</p> <p>از طریق مراسم عشاء ربانی و تعمید، مسیح به ما نشان می‌دهد که چیزهای مادی نقش مقدس و دائمی دارند.</p> <p>دیدگاه اورشلیم جدید در اینجا، در این واقعیت، به نمایش در می‌آید؛ این به این معنی نیست که ما به بهشت خواهیم رفت.</p> <p>ایده‌ای که در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ آمده است که اورشلیم آسمانی نام «اورشلیم» را حفظ می‌کند، به تداوم اشاره دارد برای مثال، این شهر بر اساس بنیان‌گذاران آن، حواریون و دوازده قبیله اسرائیل است که شخصیت‌های تاریخی هستند و دنیای قدیم را با دنیای جدید متصل می‌کنند.</p> <p>در این واقعیت جدید، خداوند، در حکمرانی خود، تصمیم می‌گیرد که در میان مردم خود در شهر مقدس که در واقعیت ما برقرار است، ساکن شود. در آنجا است که پادشاهان زمین شکوه خود را می‌آورند (مکاشفه ۲۴:۲۱).</p> <p>بنابراین، من معتقدم که کار ما نقشی در طرح خداوند دارد و، او از طریق روح خود در کارهای انسانی عمل خواهد کرد آنچه که ارزش دارد را به اورشلیم جدید وارد می‌کند.</p> <p>از آنجا که خداوند برنامه‌هایی دارد که شامل هر دو این دنیا و دنیای آینده است، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که اراده او در واقعیت جدید برتری خواهد یافت و او حکمرانی خود را حفظ خواهد کرد.</p> <p>خداوند از طریق روح خود در کارهای انسانی عمل خواهد کرد و در لحظات خاص و غیرمنتظره، مداخله او در پایان زمان‌ها حتی واضح‌تر خواهد شد.</p>
--	---

<p>There is no “Plan B.” From Genesis to Revelation, God’s intentions are revealed consistently. The peace designed for the Garden of Eden is the same peace we will experience in the eternal city, the New Jerusalem, our future reality.</p> <p>This doesn’t mean that all work contributes to the kingdom of God, as God Himself will judge and purify our works and deeds.</p> <p>Work that has intrinsic value will be transformed to shape the new world in the Heavenly Jerusalem. I imagine this new world could include, for instance, a Heavenly Mexico, a Heavenly Durango, a Heavenly Paris or London, a Heavenly New York, and even a Heavenly Guadalajara.</p> <p>God is certainly already at work in human history.</p> <p>Take the case of the Bible. God inspired specific people to write with their own hands the greatest story ever told, His “Word.”</p> <p>In a similar way, God creates temporary and tangible realities in our world through the lives of those willing to pay the cost of being His disciples, to take up their cross, and follow Him.</p> <p>So this divine call isn’t limited to the spiritual; it invites us to actively participate in business, building God’s kingdom here, in this reality.</p> <p>This call includes all areas of our life, even in activities like Bina.</p> <p>When you allocate a portion of the trust you have earned through your work to Bina, you gain rights over Bina’s shares. Bina, in turn, invests in businesses, acquiring titles that grant certain rights over these.</p> <p>But before moving on to the next idea, what about the culture I mentioned earlier, like the one dominated by fraudsters and liars in Mexico’s business and daily life?</p>	<p>هیچ «طرح ب» وجود ندارد. از پیدایش تا مکاشفه، نیت‌های خداوند به طور مداوم آشکار شده است. صلحی که برای باغ عدن طراحی شده بود همان صلحی است که ما در شهر ابدی، اورشلیم جدید، واقعیت آینده‌مان تجربه خواهیم کرد.</p> <p>این بدین معنی نیست که هر کاری به پادشاهی خداوند کمک می‌کند، زیرا خود خداوند کارها و اعمال ما را قضاوت و پاکسازی خواهد کرد.</p> <p>کارهایی که ارزش ذاتی دارند، به شکل جدیدی تبدیل خواهند شد تا دنیای جدید را در اورشلیم آسمانی شکل دهند. من تصور می‌کنم این دنیای جدید ممکن است شامل مکزیک، آسمانی، دورانگوی آسمانی، پاریس یا لندن آسمانی، نیویورک آسمانی و حتی گوادالاخارای آسمانی باشد.</p> <p>خداوند قطعاً در حال حاضر در تاریخ بشریت در حال کار است.</p> <p>برای مثال، در مورد کتاب مقدس، خداوند افرادی خاص را برانگیخت تا بزرگترین داستانی که تا به حال گفته شده یعنی «کلام» او، را با دست‌های خود بنویسند.</p> <p>به طور مشابه، خداوند واقعیت‌های موقت و ملموس را در دنیای ما از طریق زندگی کسانی که آماده‌اند هزینه پیروی از او را بپردازند، یعنی کسانی که صلیب خود را بردارند و از او پیروی کنند، خلق می‌کند.</p> <p>پس این دعوت الهی محدود به امور روحانی نیست؛ بلکه از ما می‌خواهد که فعالانه در کسب و کار مشارکت کنیم و پادشاهی خدا را در این دنیا بسازیم.</p> <p>این دعوت شامل تمام جنبه‌های زندگی ما است، حتی در فعالیت‌هایی مانند بینا.</p> <p>زمانی که بخشی از اعتمادی را که از طریق کار خود به دست آورده‌اید به بینا اختصاص می‌دهید، حقوقی نسبت به سهام‌های بینا پیدا می‌کنید. به نوبه خود، بینا در کسب و کارها سرمایه‌گذاری کرده و عنوان‌هایی را کسب می‌کند که حقوق خاصی نسبت به آن‌ها به دست می‌آورد.</p> <p>اما قبل از اینکه به ایده بعدی بپردازیم، در مورد فرهنگی که قبلاً به آن اشاره کردم چه می‌گویید، فرهنگی که در آن کلاهبرداران و دروغ‌گویان در کسب و کار و زندگی روزمره مکزیک حاکم هستند؟</p>
--	---

Here, 20th-century theologian Richard Niebuhr emphasized the importance of integrating faith into everyday life and proposed five paradigms that believers can adopt to face a challenging secular culture:

1. **Christ Against Culture.** The injustice and corruption in the world would lead us to isolate ourselves and wait outside, without getting involved, as if business and politics were incompatible with faith.
2. **Christ of Culture.** Here, there is no real tension between Christ and the demands of everyday culture.
3. **Christ Above Culture.** In this paradigm, businesses that follow the values of God's kingdom find harmony with the world.
4. **Christ Beyond Culture.** This view sees Christ's calling as an ethical force that lifts us above the demands of the dominant culture.
5. **Christ and Culture in Paradox.** The Christian lives in constant tension between the demands of the world and those of Christ, enduring the world's corruption while awaiting final transformation.
6. **Christ, the Transformer of Culture.** This recognizes the corruption in culture, but Christians, through the Holy Spirit, are called to redeem it by practicing business that reflects the values of God's kingdom.

All these ideas I have explained to you are the reference and prelude to consider Bina's role in the future.

در اینجا، الهیدان قرن بیستم، ریچارد نیهبور، بر اهمیت یکپارچه کردن ایمان در زندگی روزمره تأکید کرد و پنج الگو را پیشنهاد کرد که مؤمنان می‌توانند برای رویرو شدن با یک فرهنگ سکولار چالش‌برانگیز از آن‌ها استفاده کنند:

مسیح علیه فرهنگ بی‌عدالتی و فساد در جهان ما را به سمت انزوای خود می‌برد و ما را به انتظار می‌گذارد، بدون اینکه درگیر شویم، گویی کسب و کار و سیاست با ایمان ناسازگار است.

مسیح از فرهنگ در این الگو، هیچ تنش واقعی میان مسیح و خواسته‌های فرهنگ روزمره وجود ندارد.

مسیح بالاتر از فرهنگ در این الگو، کسب و کارهایی که از ارزش‌های پادشاهی خدا پیروی می‌کنند، با جهان هماهنگ می‌شوند.

مسیح فراتر از فرهنگ این دیدگاه، فراخوان مسیح را به عنوان یک نیروی اخلاقی می‌بیند که ما را فراتر از خواسته‌های فرهنگ غالب بالا می‌برد.

مسیح و فرهنگ در پارادوکس. مسیحی در کشمکش دائمی، میان خواسته‌های جهان و خواسته‌های مسیح زندگی می‌کند فساد جهان را تحمل می‌کند در حالی که منتظر تغییر نهایی است.

مسیح، تغییر دهنده فرهنگ این دیدگاه فساد در فرهنگ را شناسایی می‌کند، اما مسیحیان از طریق روح‌القدس به آن فراخوانده شده‌اند تا آن را با انجام کسب و کارهایی که ارزش‌های پادشاهی خدا را منعکس می‌کنند، رستگار کنند.

تمام این ایده‌ها که برای شما توضیح داده‌ام، مرجع و مقدمه‌ای هستند برای بررسی نقش بینا در آینده.

<p>Bina as mission</p> <p>God cares deeply about what we do in this world.</p> <p>Since Bina’s intrinsic value lies in holding valuable assets, it’s possible that the best parts of our rights here will remain and transition into the new reality.</p> <p>If the viewpoint I’m proposing is correct, then God will use the best of Bina to help build the new reality where we will enjoy His Presence.</p> <p>For example, the rights you hold now in “the new Bina” may give us access to the best of “the new Alibaba.”</p> <p>To me, it would be logical for a rational businessperson, when considering this outlook, to focus on acquiring rights in the most valuable parts of each industry, as much as possible.</p> <p>With the capital you invest in Bina, we have the chance to select the best of each industry, as we have the “intrinsic value map” outlined in the ideas shared previously. https://bina.mx/inicio/global-map-of-intrinsic-value/</p> <p>However, you don’t need Bina to follow this approach.</p> <p>You could pursue this path on your own or trust it to someone you consider wise and careful.</p> <p>As for us, I believe that through Bina, we can fulfill this mission carefully and with integrity, within our abilities.</p> <p>So far, I believe I’ve followed the guidance of the Holy Spirit, and I’ll continue to treat Bina with the utmost respect as part of my service to God.</p> <p>The story of Noah in Genesis 6 is a fitting example here.</p> <p>God saw the corruption and violence in humanity, so He decided to bring judgment upon the ancient world.</p>	<p>بینا به عنوان یک ماموریت</p> <p>خداوند به شدت به آنچه که در این دنیا انجام می‌دهیم اهمیت می‌دهد.</p> <p>از آنجایی که ارزش ذاتی بینا در نگهداری دارایی‌های ارزشمند است، این امکان وجود دارد که بهترین بخش‌های حقوق ما در اینجا باقی بمانند و به دنیای جدید منتقل شوند.</p> <p>اگر دیدگاهی که من پیشنهاد می‌کنم درست باشد، پس خداوند از بهترین بخش‌های بینا برای کمک به ساختن دنیای جدیدی استفاده خواهد کرد که در آن از حضور او لذت خواهیم برد.</p> <p>برای مثال، حقوقی که شما اکنون در "بینا جدید" دارید، ممکن است به ما دسترسی به بهترین بخش‌های "علی‌بابا" جدید بدهد.</p> <p>برای من، منطقی است که یک فرد بازرگان عاقل، هنگام بررسی این دیدگاه، بر روی به دست آوردن حقوق در ارزشمندترین بخش‌های هر صنعت تمرکز کند، هرچقدر که ممکن است.</p> <p>با سرمایه‌ای که در بینا سرمایه‌گذاری می‌کنید، ما شانس انتخاب بهترین بخش‌های هر صنعت را داریم، زیرا نقشه ارزش ذاتی "را" که در ایده‌های قبلی به اشتراک گذاشته‌ایم داریم. https://bina.mx/inicio/global-map-of-intrinsic-value/</p> <p>با این حال، شما نیازی ندارید که از بینا برای پیروی از این روش استفاده کنید.</p> <p>شما می‌توانید این مسیر را به طور مستقل دنبال کنید یا آن را به کسی که او را حکیم و دقیق می‌دانید بسپارید.</p> <p>اما برای ما، من معتقدم که از طریق بینا، می‌توانیم این ماموریت را با دقت و صداقت، در چارچوب توانایی‌های خود انجام دهیم.</p> <p>تا به حال، من معتقدم که از هدایت روح القدس پیروی کرده‌ام و ادامه خواهم داد تا با کمال احترام از بینا به عنوان بخشی از خدمت خود به خداوند برخوردار کنم.</p> <p>داستان نوح در سفر پیدایش ۶ مثال مناسبی برای اینجا است.</p> <p>خداوند فساد و خشونت در انسان‌ها را دید، بنابراین تصمیم گرفت که قضاوتی بر جهان باستان بیاورد.</p>
--	--

<p>However, Noah found grace before God's eyes, and by following His instructions, he built an ark to save his family and a pair of each kind of every living creature.</p> <p>Noah didn't have to bring every single animal on earth onto the ark. He only needed the feline ancestor of cats, lions, tigers, and pumas; the canine ancestor of wolves and domestic dogs; in other words, only the essential seed of each kind that needed to be preserved was enough.</p> <p>When the flood came, Noah and those on the ark survived, while everything else from the old world perished.</p> <p>Today, I see Bina as a modern ark, though our mission isn't to preserve living creatures, but to acquire stakes in the world's best businesses.</p> <p>I feel a deep sense of peace knowing that, in obedience, I'm doing my part by writing this letter to you, giving you a wider view of what we've built up to this point. To me, this is more than a meaningful story.</p> <p>I believe that Bina won't be the only vehicle that moves into the next reality, but I'm confident it will be one that does.</p> <p>Our competitive edge, compared to other vehicles, doesn't come from how clearly I understand this reality or the wisdom that has guided me to avoid harm. It simply comes from being blessed with obedient faith in the power of the Holy Spirit.</p> <p>With this perspective, I can confidently say that Bina is designed to move from the current world into the one that's coming, where we will live eternally.</p> <p>So, at Bina, we will acquire shares in the most solid businesses across each industry, according to our abilities and resources.</p> <p>This vision is simple because I believe the Holy Spirit has designed our model, making it achievable and scalable based on the resources we receive.</p>	<p>با این حال، نوح در چشم‌های خداوند فضل یافت و با پیروی از دستورهای او، کشتی‌ای ساخت تا خانواده‌اش و یک جفت از هر نوع موجود زنده را نجات دهد.</p> <p>نوح نیازی نداشت که هر حیوانی را از زمین به داخل کشتی بیاورد. او فقط به اجداد گربه‌ها، شیرها، ببرها و پوم‌ها؛ اجداد سگ‌ها و گرگ‌ها نیاز داشت. به عبارت دیگر، فقط دانه‌های ضروری از هر نوع که باید حفظ می‌شدند کافی بودند.</p> <p>زمانی که طوفان آمد، نوح و کسانی که در کشتی بودند نجات یافتند، در حالی که همه چیز از دنیای قدیم نابود شد.</p> <p>امروز، من بینا را به عنوان یک کشتی مدرن می‌بینم، هر چند ماموریت ما حفظ موجودات زنده نیست، بلکه خرید سهم در بهترین کسب‌وکارهای دنیا است.</p> <p>من احساس آرامش عمیقی دارم که می‌دانم با اطاعت از خداوند، قسمت خود را با نوشتن این نامه به شما انجام می‌دهم و دیدگاه وسیع‌تری از آنچه تا به امروز ساخته‌ایم به شما می‌دهم. برای من، این بیشتر از یک داستان معنادار است.</p> <p>من معتقدم که بینا تنها وسیله‌ای نخواهد بود که به واقعیت بعدی منتقل می‌شود، اما من اطمینان دارم که یکی از آن‌ها خواهد بود.</p> <p>برتری رقابتی ما، در مقایسه با دیگر وسیله‌ها، از فهم روشن من از این واقعیت یا حکمت راهنمایی که مرا از آسیب دور کرده است نمی‌آید. این برتری تنها از ایمان اطاعت‌گونه و برکت‌دیده‌ای است که در قدرت روح‌القدس داریم.</p> <p>با این دیدگاه، می‌توانم با اطمینان بگویم که بینا برای انتقال از دنیای کنونی به دنیای آینده که در آن برای همیشه خواهیم زیست طراحی شده است.</p> <p>پس، در بینا، ما سهم‌هایی از محکم‌ترین کسب‌وکارها در هر صنعت را طبق توانایی‌ها و منابع خود خریداری خواهیم کرد.</p> <p>این دیدگاه ساده است زیرا من معتقدم که روح‌القدس مدل ما را طراحی کرده است، به طوری که قابل تحقق و گسترش است. بر اساس منابعی که دریافت می‌کنیم.</p>
--	--

<p>With this thesis, Bina can welcome practically an unlimited number of new shareholders from all over the world as well, and I trust that as resources come in, the Lord will show me how to use them wisely to overcome the challenges the world will face in the coming years.</p> <p>How does this affect Bina as it is now?</p> <p>Today, I believe our position in Alibaba is exceptionally strong and valuable. However, if at any point I were to lose your trust, I would need to sell this position.</p> <p>I'm interested in keeping this investment and its potential. If you wish to exit, I won't hold you back, but if you would consider giving me a little extra notice, it would allow one of the remaining shareholders to buy your share.</p> <p>The good news is that, so far, I feel I have the support of Bina's main investors. As far as I know, none have committed funds that put their financial stability at risk.</p> <p>Also, Bina has no debts or obligations that limit us, which allows us to face any high-risk financial or economic challenges.</p> <p>We'll see what happens after you receive this message.</p> <p>With this new strategy, I understand that as new contributions come in, the impact of our position in Alibaba will decrease, since we'll be diversifying broadly into nearly all business sectors worldwide.</p> <p>In a way, we'll be moving away from how I originally conceived Bina, which was similar to Berkshire Hathaway. We'll still be a collection of strong businesses, but we'll become more like a super index focused on the quality of the world's most valuable businesses.</p> <p>Of course, we're not in the United States of 1965, and I am not Warren Buffett.</p> <p>Although he doesn't know I exist, I see Buffett as the best possible teacher I could get. I thank God for letting me witness the remarkable career of the greatest investor of all time.</p>	<p>با این پایان‌نامه، بینا می‌تواند شمار بی‌نهایتی از سهامداران جدید از سراسر جهان را پذیرا شود و من اطمینان دارم که وقتی منابع وارد شوند، خداوند به من نشان خواهد داد که چگونه از آن‌ها به درستی استفاده کنم تا بر چالش‌هایی که دنیا در سال‌های آینده با آن روبرو خواهد شد غلبه کنیم.</p> <p>این چگونه بر وضعیت کنونی بینا تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>امروز، من معتقدم که موقعیت ما در علی‌بابا فوق‌العاده قوی و ارزشمند است. با این حال، اگر در هر زمانی اعتماد شما را از دست بدهم، باید این موقعیت را بفروشم.</p> <p>من علاقه‌مند به حفظ این سرمایه‌گذاری و پتانسیل آن هستم، اگر شما بخواهید خارج شوید، من شما را متوقف نمی‌کنم، اما اگر بخواهید کمی زودتر به من اطلاع دهید، این به یکی از سهامداران باقی‌مانده اجازه می‌دهد سهم شما را خریداری کند.</p> <p>خبر خوب این است که تاکنون احساس می‌کنم از حمایت اصلی‌ترین سرمایه‌گذاران بینا برخوردار هستم. تا جایی که من می‌دانم، هیچ‌کدام از آن‌ها منابعی را که ثبات مالی آن‌ها را به خطر بیندازد اختصاص نداده‌اند.</p> <p>همچنین، بینا هیچ بدهی یا تعهدی ندارد که ما را محدود کند که این به ما این امکان را می‌دهد که با هر چالش مالی یا اقتصادی پرخطر روبرو شویم.</p> <p>خواهیم دید پس از دریافت این پیام چه اتفاقی خواهد افتاد.</p> <p>با این استراتژی جدید، من می‌فهمم که با ورود کمک‌های جدید، تأثیر موقعیت ما در علی‌بابا کاهش خواهد یافت، زیرا ما به‌طور گسترده به تقریباً تمام بخش‌های کسب‌وکار جهانی تنوع خواهیم داد.</p> <p>به نوعی، ما از آنچه که من در ابتدا از بینا تصور کرده بودم، که مشابه برکشایر هاتاوی بود، دور خواهیم شد. ما هنوز مجموعه‌ای از کسب‌وکارهای قوی خواهیم بود، اما بیشتر شبیه یک شاخص بزرگ خواهیم شد که بر کیفیت ارزشمندترین کسب‌وکارهای جهان تمرکز دارد.</p> <p>البته، ما در ایالات متحده سال ۱۹۶۵ نیستیم و من وارن بافت نیستم.</p> <p>اگرچه او نمی‌داند من وجود دارم، اما بافت را بهترین معلم ممکن می‌بینم که می‌توانستم پیدا کنم. من از خداوند سپاسگزارم که اجازه داد شاهد دوران شگفت‌انگیز حرفه‌ای بزرگترین سرمایه‌گذار تاریخ باشم.</p>
--	---

<p>I am grateful to God and bless Warren Buffett's life, as he has been a profound inspiration to me. Still, I don't believe God's intent for Bina was ever to copy Buffett's approach exactly.</p> <p>Looking back, I now understand a bit better the purpose of restarting operations in 2021, which fills me with joy.</p> <p>For Bina, each investment decision will be more than just a calculation.</p> <p>Each acquisition will be backed by a thoughtful thesis, and one of my responsibilities is to ensure that every business we acquire has strong economic fundamentals and provides lasting intrinsic value, ideally relevant even in a transcendent vision like the "new Jerusalem."</p> <p>This approach is an interesting challenge for me.</p> <p>I helped develop our algorithm, and I find in this work a source of enjoyment and satisfaction I never expected.</p> <p>I am not driven by any grand ambitions; I don't believe Bina will save the world, nor do I think I am special for this task.</p> <p>I only know I have prepared my whole life to fulfill this responsibility.</p> <p>Bina is not something to boast about, nor is it a source of personal pride; rather, I see it as a duty.</p> <p>I don't want anyone to feel pressured. We don't need to convince anyone else to join Bina right now.</p> <p>Bina is exactly the size God wants it to be in November 2024.</p> <p>What I've learned in recent years is that truly valuable things, like Bina, don't rely on a specific size to be meaningful; they rely on obedience to God. So, we work with what we have, just as Moses freed over a million people with only a staff, through the power of the Holy Spirit.</p>	<p>من از خداوند سپاسگزارم و زندگی وارن بافت را برکت می‌دهم، زیرا او الهام‌بخش عمیقی برای من بوده است. با این حال، من باور ندارم که هدف خداوند برای بینا این بوده که دقیقاً روش بافت را کپی کند.</p> <p>اگر به گذشته نگاه کنم، حالا کمی بهتر می‌فهمم هدف از آغاز دوباره عملیات در سال ۲۰۲۱ چه بوده است، که مرا پر از شادی می‌کند.</p> <p>برای بینا، هر تصمیم سرمایه‌گذاری بیشتر از یک محاسبه خواهد بود.</p> <p>هر خریدی پشتوانه یک رساله فکری خواهد داشت و یکی از مسئولیت‌های من این است که مطمئن شوم هر کسب‌وکاری که خریداری می‌کنیم، دارای اصول اقتصادی قوی است و ارزش درونی پایدار ایجاد می‌کند، که ایده‌آل آن است که حتی در دیدگاهی متعالی مانند "اورشلیم نو" نیز مرتبط باشد.</p> <p>این رویکرد برای من یک چالش جالب است.</p> <p>من به توسعه الگوریتم خود کمک کرده‌ام و در این کار منبعی از لذت و رضایت یافته‌ام که هرگز انتظارش را نداشتم.</p> <p>من به هیچ آرمان بزرگتری هدایت نمی‌شوم؛ باور ندارم که بینا دنیا را نجات دهد، و همچنین فکر نمی‌کنم که من برای این مسئولیت ویژه باشم.</p> <p>فقط می‌دانم که تمام عمرم را برای انجام این مسئولیت آماده کرده‌ام.</p> <p>بینا چیزی برای فخر فروشی نیست و منبعی از غرور شخصی هم نیست؛ بلکه من آن را یک وظیفه می‌بینم.</p> <p>نمی‌خواهم هیچ کسی احساس فشار کند. ما در حال حاضر نیازی به قانع کردن کسی برای پیوستن به بینا نداریم.</p> <p>بینا دقیقاً به اندازه‌ای است که خداوند می‌خواهد در نوامبر ۲۰۲۴ باشد.</p> <p>آنچه که من در سال‌های اخیر آموخته‌ام این است که چیزهای واقعاً باارزش، مانند بینا، به اندازه خاصی برای معنادار بودن وابسته نیستند؛ بلکه به اطاعت از خداوند وابسته هستند. پس ما با آنچه داریم کار می‌کنیم، همان‌طور که موسی بیش از یک میلیون نفر را تنها با یک عصا، از طریق قدرت روح‌القدس آزاد کرد.</p>
---	---

<p>In other words, in the larger scheme of things, Bina's initiative, though modest in size, has a unique importance. In Christ's eyes, it's comparable to Berkshire Hathaway, and that's all that matters.</p> <p>Through the "Comunicación de Guillermo" newsletter, I'll aim to connect with family offices and hedge funds within my reach.</p> <p>I've also received an invitation from Luis Rubén Chávez to collaborate with Zenfi, an opportunity to share some of my ideas in Mexico.</p> <p>It's already a high-end financial health platform with over 1 million users. https://www.zenfi.mx/</p> <p>When we agreed to work together on this, he mentioned something interesting at the end: "There's no downside, only upside for both of us."</p> <p>Rubén is right; through Zenfi's blog, I can publish monthly.</p> <p>While I've noticed that several thousand people read my thoughts on personal finance, which is a small but satisfying contribution to financial health in Mexico, I'm not sure many of them are interested in Bina. You can see my blog posts to date here (in Spanish): https://blog.zenfi.mx/profile/guillermo-estefani/</p> <p>I am sure that Bina's current shareholders are not the only wise people in the world, and that there are families with wise members who have many questions about what is going on and how the future will unfold.</p> <p>Perhaps some of them will find answers in Bina's mission and in what I share here.</p> <p>God will provide new partners, shareholders, friends and resources.</p> <p>If no new resources come in, I believe that our geopolitical position and our stake in Alibaba are strong enough to bring good results over the coming years, even at our modest size—unless the value grows much faster than I expect.</p>	<p>به عبارت دیگر، در طرح کلی امور، ابتکار بینا، گرچه اندازه کوچکی دارد، اما اهمیت منحصر به فردی دارد. از دیدگاه مسیح، این ابتکار معادل برکشایر هاتاوی است و همین مهم است.</p> <p>"Comunicación de Guillermo" از طریق خبرنامه هدف من این است که با دفترهای خانوادگی و صندوق‌های پوششی در دسترس ارتباط برقرار کنم.</p> <p>همچنین از لوئیس روبن چاوس دعوت نامه‌ای برای همکاری با زنفی دریافت کرده‌ام، فرصتی برای به اشتراک گذاشتن برخی از ایده‌هایم در مکزیک.</p> <p>زنفی هم‌اکنون یک پلتفرم سلامت مالی با کیفیت بالا است که بیش از یک میلیون کاربر دارد. https://www.zenfi.mx/</p> <p>زمانی که برای همکاری با هم توافق کردیم، او در پایان نکته جالبی گفت: "هیچ چیز منفی وجود ندارد، فقط جنبه‌های مثبت برای هر دوی ما خواهد بود"</p> <p>روبن درست می‌گوید؛ از طریق وبلاگ زنفی، می‌توانم به صورت ماهانه منتشر کنم.</p> <p>در حالی که متوجه شده‌ام که چندین هزار نفر افکار من را در مورد مالیات شخصی می‌خوانند، که این یک مشارکت کوچک اما رضایت‌بخش در سلامت مالی در مکزیک است. مطمئن نیستم که بسیاری از آنها به بینا علاقه داشته باشند شما می‌توانید پست‌های وبلاگ من را تا به امروز در اینجا مشاهده کنید (به زبان اسپانیایی): https://blog.zenfi.mx/profile/guillermo-estefani/</p> <p>مطمئن هستم که سهامداران فعلی بینا تنها افراد دانا در جهان نیستند و خانواده‌هایی وجود دارند که اعضای دانایی دارند و سؤالات زیادی در مورد آنچه در حال وقوع است و چگونه آینده پیش خواهد رفت دارند.</p> <p>شاید برخی از آنها پاسخی در مأموریت بینا و آنچه که من در اینجا به اشتراک می‌گذارم، پیدا کنند.</p> <p>خداوند شرکای جدید، سهامداران، دوستان و منابع جدید را فراهم خواهد کرد.</p> <p>اگر منابع جدیدی وارد نشود، من معتقدم که موقعیت ژئوپولیتیکی ما و سهم ما در علی‌بابا به اندازه کافی قوی است تا نتایج خوبی را در سال‌های آینده به همراه داشته ما - مگر اینکه ارزش به modest باشد، حتی با اندازه‌ی سرعت بیشتر از آنچه که انتظار دارم رشد کند.</p>
---	---

<p>I genuinely hope to see the final shape that God will give to Bina over time.</p> <p>Our new investment vehicle will only be limited by the capacity of our Mexican brokerage.</p> <p>However, if we have enough resources, I don't see any obstacle to scaling easily through a deal with an international brokerage that gives us access to all public companies worldwide.</p> <p>Now, coming back to the dilemma I present to you—assuming I am being fully honest with you—there is a chance that I may be wrong about everything I've said in this collection of ideas that I believe to be true.</p> <p>If that's the case, in five years, each share of Bina will still represent a portion of the best businesses that exist in this world.</p> <p>I sincerely don't see how things could go wrong if we follow this plan. In my view, only my teacher Warren Buffett has surpassed this brilliant idea.</p> <p>I don't claim credit for it, because for something that some might see as "mundane" like designing Bina, all the glory and honor truly belong to Jesus Christ.</p> <p>In other words, I never would have come to this wonderful conclusion if I hadn't gone through everything I've explained in this letter. So, the credit goes to Christ. For me, it's a joint effort where He inspires, and I am the one who writes it down.</p> <p>Why does this message need to come in a letter like this? Why should it be me and not someone else writing to you? Why should you be the one reading this and not someone else? Why would something like this come from a country like Mexico? And why something so valuable from an unlikely region like Durango?</p> <p>My answer is that I have no idea why things are the way they are. Sometimes, I simply accept them with joy, trusting that God will do powerful work with His Mighty Hand.</p>	<p>من به‌طور واقعی امیدوارم که شکل نهایی که خدا به مرور زمان به بینا خواهد داد، را ببینم.</p> <p>وسیله جدید سرمایه‌گذاری ما تنها محدود به ظرفیت کارگزاری مکزیکی ما خواهد بود.</p> <p>با این حال، اگر منابع کافی داشته باشیم، من هیچ مانعی برای گسترش راحت از طریق یک توافق با کارگزاری بین‌المللی که به ما دسترسی به تمامی شرکت‌های عمومی در سراسر جهان بدهد، نمی‌بینم.</p> <p>حالا، بازگشت به معضلی که برایتان مطرح می‌کنم—با فرض اینکه من کاملاً صادقانه با شما صحبت می‌کنم—امکان دارد که در مورد تمام چیزی که در این مجموعه ایده‌ها گفته‌ام که آن‌ها را درست می‌دانم، اشتباه کرده باشم.</p> <p>اگر اینطور باشد، در پنج سال آینده، هر سهم از بینا هنوز نمایانگر بخشی از بهترین کسب‌وکارهای موجود در این دنیا خواهد بود.</p> <p>من صادقانه نمی‌بینم که چگونه اوضاع می‌تواند اشتباه پیش برود، اگر این طرح را دنبال کنیم. از نظر من، تنها معلم من وارن بافت، این ایده درخشان را فراتر برده است.</p> <p>من ادعای هیچ اعتباری برای آن ندارم، چون برای چیزی که برخی ممکن است آن را "امری پیش‌پاافتاده" بدانند مانند طراحی بینا، تمام شکوه و افتخار به‌واقع به عیسی مسیح تعلق دارد.</p> <p>به عبارت دیگر، من هیچ‌گاه به این نتیجه شگفت‌انگیز نمی‌رسیدم اگر همه‌چیزهایی که در این نامه توضیح داده‌ام را تجربه نکرده بودم. پس، اعتبار به مسیح تعلق دارد. برای من، این یک تلاش مشترک است که او الهام می‌دهد و من کسی هستم که آن را می‌نویسم.</p> <p>چرا این پیام باید در نامه‌ای مانند این بیاید؟ چرا باید من باشم که به شما بنویسم و نه کسی دیگر؟ چرا باید شما این را بخوانید و نه کسی دیگر؟ چرا چیزی مثل این باید از کشوری مثل مکزیکی بیاید؟ و چرا چیزی این‌چنین ارزشمند از منطقه‌ای غیرمنتظره مثل دورانگو؟</p> <p>پاسخ من این است که من هیچ ایده‌ای ندارم که چرا اوضاع به این شکل است. گاهی اوقات، من فقط آن‌ها را با شادی می‌پذیرم و به این اعتماد دارم که خداوند با دست توانای خود کارهای بزرگی انجام خواهد داد.</p>
---	---

<p>What I am sure of is that these actions will be written in the Book of Life, and in the future, we will share them joyfully with other generations.</p> <p>If you came across this message by what seems like chance and want to learn how to become part of Bina, send me a message at bina.ormasel@gmail.com</p>	<p>چیزی که من از آن مطمئن هستم این است که این اقدامات در کتاب زندگی نوشته خواهد شد و در آینده، ما آنها را با شادی با نسل‌های دیگر به اشتراک خواهیم گذاشت.</p> <p>اگر به نظر می‌رسد که این پیام را به‌طور تصادفی پیدا کرده‌اید و می‌خواهید یاد بگیرید که چگونه بخشی از بینا شوید، برای من پیامی به آدرس bina.ormasel@gmail.com ارسال کنید.</p>
---	---